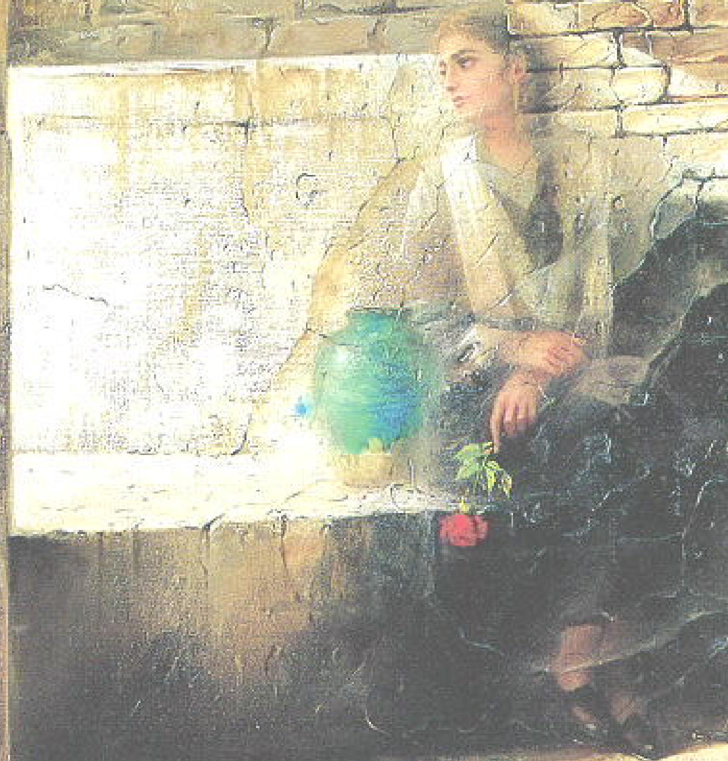


چشم انداز
CHASHM ANDAAZ

شماره ۳۷ -November 1994- כסלו תשנ"ה آذر ۱۳۷۳





شرم بی غذایی

کیترینگ و رستوران گلات کاشر شارون

کیترینگ انتخابی **نصخ ایسرائل** و هتلهای معتبر لس آنجلس

رستوران شارون صد درصد گلات کاشر زیر نظر ربانوت محترم ایرانی و آمریکایی بوده و لذیذ ترین

غذاهای ایرانی و آمریکایی را در اختیار شما میگذارد.

کیترینگ شارون را برای یک شب فراموش ناشدنی انتخاب کنید

18608 1/2 VENTURA BLVD.
TARZANA, CA. 91356

۸۱۸-۳۴۴-۷۴۷۳
۲۱۳-۶۲۲-۱۰۱۰
پیجر: ۸۱۸-۷۷۸-۷۸۱۰



شماره ۳۷ - November 1994 - כסלו תשנ"ה آذر ۱۳۷۳

دراین شماره می خوانید ...

من و گنجشکهای خونه	سردبیر	۵
رویدادهای سازمان سیامک		۱۰
سازمان سیامک و کمک به بی خانمانهای داون تاون		۱۲
معجزهٔ حنوکا	برگردان پیمان اخلاقی	۱۴
نقش یهودیان در تحولات جهان	برگردان مینو کوتال	۱۶
ایران و عراق دشمنان صلح اند	برگردان گروه ترجمه	۲۰
یادداشت ها	پروفسور امنون نتصر	۲۲
کبالا و مکتب یونگ	برگردان گروه ترجمه	۲۴
نقش یک یهودی در تحولات آفریقای جنوبی	برگردان دکتر مایکل کامل	۲۶
شب (الی ویزل)	برگردان نینا استوار	۲۸
اقلیت ها در کنفدراسیون		۳۳
شاهراههای عظیم اطلاعاتی	برگردان گروه ترجمه	۴۰
شرم بی غذایی	داریوش فاخری	۴۴
نکته های کوچک پزشکی	برگردان سونیا فریور	۴۶
ساچی	برگردان رویا فاخری	۵۰
خبرهای کوتاه از جهان پزشکی	دکتر نیسان بامداد	۵۱
بولتن خبری انجمن کلیمیان		۵۶
پیوند دلها		۶۱
رویای عشق	برگردان رویا فاخری	۶۴
امثال سلیمان نبی		۶۵
یادی از گذشته ها		۶۸
بخش انگلیسی		۸۸-۷۲

تصویر روی جلد اثر هنرمند ایرانی شکیبا می باشد

چشم انداز

Published By;
International Judea Foundation
P.O.Box 3074 Beverly Hills.CA 90212

سردبیر: داریوش فاخری
همیاران: شهرام سیمان
مهندس آشر آرام نیا
سردبیر بخش انگلیسی: ژنی اسحاقیان
سردبیر قسمت پزشکی: دکتر نیسان بامداد
سردبیر بخش عبری: داوید فاخری
با همگامی: مترجمین وگزارشگران چشم انداز

چشم انداز، نشریه ایست برای بازتاب افکار و دست‌آورد های یهودیان دنیا. هدف ما، روشنگری واقعیت های یهودیت، مسایل، آرزوهاو امید یهودیان - مبارزه با نژادپرستی و همراهی با هدف های بشردوستانه انسان های جهان می باشد.
نظر های نویسندگان، متعلق به آنان است و لزوماً بازتاب دیدگاه چشم‌انداز نیست.
نقل مطالب چشم‌انداز، باذکر مأخذ، مجازمی باشد.
چشم‌انداز، در انتخاب مقاله های رسیده آزاد است و درستی و نادرستی مندرجات آگهی ها، به عهده ی صاحبانشان است.
نوشته های رسیده، بازپس فرستاده نمی شود.
نامه های بدون نام و نشانی ، قابل استفاده نخواهد بود.
درصورت تمایل، ازمقالات شما ،با امضاء محفوظ، تحت حمایت قوانین آمریکا، استفاده می شود.

نیازمندیهای جامعه

مراسم عقد و ازدواج
● ربای داوید زرگری
۳۱۰-۶۵۲-۸۳۴۹
● ربای اسحق بعل هنس
۳۱۰-۶۵۲-۱۵۳۳
● ربای ملکان
۳۱۰-۲۷۵-۸۸۵۲

مراسم بریت میلا
● ربای اسحق بعل هنس
۳۱۰-۶۵۲-۱۵۳۳
● ربای نیسیم داویدی
۲۱۳-۹۶۵-۹۶۶۰

کیترینگ
● کیترینگ گلت کاشر بروخیم
۳۱۰-۴۵۸-۹۹۹۳
● کیترینگ گلت کاشر بهادر
۸۱۸-۶۰۹-۷۱۳۵
● کیترینگ گلت کاشر شادی
۳۱۰-۶۵۹-۵۹۸۲
● کیتریگ گلت کاشر شارون
۲۱۳-۶۲۲-۱۰۱۰
● فلافل ویلیج
۸۱۸-۷۸۳-۱۰۱۲

مواد غذایی
● بستنی اکبر مشدی
۲۱۳-۸۷۴-۰۱۴۴

هنرمند - خواننده
● سرژیک
۸۱۸-۵۰۰-۷۸۷۲
● عنایت
۳۱۰-۲۷۶-۵۷۲۳

داروخانه
● وست ساید ویلیج
۳۱۰-۴۷۴-۴۲۲۲

عینک فروشی
● وست وود ویژن
۳۱۰-۴۴۱-۱۷۹۷

فرش فروشی
● فروشگاه فرش لوس آنجلس
۲۱۳-۶۸۹-۸۷۵۹

بادی شاپ
● کریج بادی شاپ
۸۱۸-۷۸۴-۱۲۳۴

پزشک کودکان
● دکتر عزیزالله نورمند
۳۱۰-۸۲۹-۳۳۱۱
۸۱۸-۹۰۵-۵۵۵۲

پزشک داخلی
● دکتر جلال دوستان
۳۱۰-۸۵۹-۰۴۱۵

دندانپزشک
● دکتر مسعود ایمانوئل
۳۱۰-۶۵۷-۰۷۷۷
● دکتر سهیل خدادادی
۳۱۰-۲۷۱-۳۰۰۳
● دکتر بیژن عافار
۳۱۰-۵۵۷-۱۵۴۷
۸۱۸-۷۸۴-۴۸۶۷
● دکتر موریس واحدی فر
۳۱۰-۸۲۰-۴۳۲۸

وکیل
● مارتین ولف
۳۱۰-۲۰۵-۲۰۳۳
● نیلوفر آرام نیا
۳۱۰-۵۵۲-۰۰۶۶
● فریبا سلیمانی
۸۱۸-۷۸۴-۰۳۵۵

خرید و فروش املاک در اسرائیل
● رحیم یعقوبیان
۳۱۰-۸۵۸-۸۳۴۹
● ABLE INVEST
۸۱۸-۷۸۹-۴۸۹۴
● جمشید شبان
۰۳-۵۴۶-۵۵۳۱

پوشاک
● نینوفرتی
۳۱۰-۴۷۷-۱۷۱۰

● جوراب تیفانی
۲۱۳-۷۴۸-۸۸۲۳

تعلیم موسیقی
● فیروز فریور
۸۱۸-۳۴۳-۵۴۵۵
● پیمان اخلاقی
۳۱۰-۸۲۰-۸۲۶۱

بیمه
● ایرج منیفی
۸۱۸-۷۸۱-۰۴۰۱
● ریتا فرشاد فر
۲۱۳-۷۸۲-۳۰۲۳
● دکترامیرشاهی GLOBAL
۸۰۰-۸۰ GLOBAL

وام
● افسانه مهدی پور
۳۱۰-۴۴۲-۸۱۸۱
● ALLIANCE
۸۱۸-۹۹۹-۲۲۲۴

حسابداری
● سهیل دردشتی
۷۱۴-۹۶۶-۱۲۱۲

کامپیوتر
● مهندس رامین جواهریان
۸۱۸-۹۹۹-۱۸۷۵

هیپنوتیزم
● بهنام رفیع
۳۱۰-۶۵۷-۲۵۲۵



گنجشک‌های خونه

درجستجوی چه بودیم که به اینجا رسیده ایم؟

داریوش فاخری

تنهایی فرد اجتماعی

فرد وقتی اجتماعی شد، نه این که کسی مدیونش باشد که خدای ناکرده سکه‌ای در کاسه‌اش بیندازد، به هر حال مدیونش می‌شوند (چه بخواهد و چه نخواهد) وقتی زندگی شخصی خود را فدا می‌کند. اگر صادق و فداکار بود، شخصیت اجتماعی او چنان هاله‌ای را در روبرویش می‌کشد که حتی تجاوز به آن و دور شدن و با خود تنها بودن را نیز برایش حرام می‌نماید.

نمی‌دانم چه طور و چگونه و چرا و از کجا شروع می‌شود که می‌بینی داری در اجتماع فعالیت می‌کنی. گوشه‌ای از بار را می‌گیری، رویاروی مسئله‌ای می‌ایستی - شاید از روی وظیفه الهی‌ای که از عالم بالا در درون هر کدام می‌گذارند یک دفعه حجاب برمی‌دارند، یک دل نه صد دل عاشق این عروس پری وشی می‌شوی که بی تابت می‌کند و تنهایی‌ات را، بدون با دیگران شخصی بودن و خودت را از تو می‌دزد تا فقط مال او باشی. و تو به این هوا که به خدا نزدیک ترت کند، به خودت؟

در این راه می‌بینی وصل می‌شوی - به تک تک آدم‌ها، گیاهان، حیوانات، سیاره‌ها و کهکشان‌ها وصل می‌شوی مثل اینکه در یک روح مشترک خارج از مردم و ماده و زبان و نوشته‌های هوشمندانه و در سطحی ماوراء افکار خودآگاهانه و روزمره و طبیعی با دیگران، یکی می‌شوی. آن وقت بدون توجه به نژاد و مذهب و سن وظیفه اجتماعی با یک سلاح، آن هم عشق، پای به میدان می‌گذاری تا به رویاها، شکل واقعیت ببخشی. خصوصاً ما یهودیان که اصولاً با رویا و امید زنده‌ایم.

پای به میدان می‌گذاری تا برای شکل بخشیدن به آینده و حالی که در آن صداقت است و بخشش و شفقت و مهربانی و یگانگی تلاش کنی. مثلاً برای جامعه پراکنده یهودی ایرانی زاده یا تباری که بسیاری از آنان با ارزش‌های خدا ناپسندانه دست به گریبان‌اند. ارزش‌هایی چون عمودی دیدن یکدیگر. گویی یک نردبان وجود دارد و همه روی پلکان آن زندگی می‌کنند و همه یکدیگر را یا بالاتر و یا پایین تر از خود می‌بینند: و تو می‌خواهی زیبایی افقی دیدن را به این آدمها نشان بدهی - ارزش‌های اجتماع انسان زده‌ای (نه فلک زده) که در آن برای عاشق شدن هم احتیاج به حساب بانکی است.

ژان پل سارتر می گفت: دیگران یعنی جهنم. و تو می‌خواهی با دیگران هارمونی ایجاد کنی با بودن، با زندگی کردن و حتی با مردنت. تا حتی میوه اشتباهات شجاعانه‌ات را هم با دیگران قسمت کنی که به قولی: اگر مهم‌ترین و اصلی‌ترین هدف یک ناخدا، حفظ کشتی باشد که کشتی را همیشه در بندر نگاه خواهد داشت، پس خیزش مدام و تلاش بی وقفه برای ساختن و دوباره ساختن را پی می‌گیری تا آوازت با قلب و مغز و روح و جسم احساس شود.

نگرانی، نگران اینکه راه درست کدام است و نه اینکه کار را چگونه درست انجام بدهی و بیش از همه برای آینده و نسلی که از

تو پا می‌گیرد. می‌گویند نسل فعلی کمان است و نسل آینده تیر - جای بحثی برای شتاب و عطش پرتاب تیر نیست. آیا کمانی استوار با زهی مناسب در ریشه‌ها برای پر پرواز شنیدن، هستیم؟ آیا ایمان و اعتقاد و از خودگذشتگی آرش را برای فراسوی داریم؟

در میان این همه یک وقت می‌بینی بدون هیچ علت و سبب، یک من تنهای بسیار شبیه خودت آن طرف در فاصله‌ای نه چندان دور زل زده و سرزنش بار نگاهت می‌کند. این من همان کسی است که لحظه ای در تنهایی و خلوت بودن را از او گرفته‌ای - گوش دادن به یک ترانه خاطره انگیز، گم شدن برای شناسایی راز گل سرخ - لذت یک آفتاب کرخ کننده نیمه روز پائیزی در یک ساعت بی مسئولیت بودن - قدم زدن کنار ساحل - قاطی شدن با درخت‌های یک جنگل که سخت در آغوشت بگیرند. نوشتن شعری که سال‌هاست پا به پای لحظه‌های زندگی با تو کامل‌تر شده ولی به زبان نیامده - یا عشق و حقیقت را در تنهایی خودت از طریق زیبایی تشخیص دادن و تجربه و حس معنی زندگی که همان زیبایی‌ای است وقتی که چهره به چهره خدا می‌شوی. آن تنهایی که می‌خواهد از زندگی اجتماعی ببری و فقط برای اوی شخصی باشی.

منی که می‌خواهد در تکرار قشنگ دیدن نیمه دیگر روحش (همسرش) و عادت با شکوه دیدن فرزندانش غرق شود. منی که تازگیها وقت کم می‌آورد که به شریک زندگی‌اش بگوید: عزیزم چقدر به مهتاب می‌آیی - یا گاهی مادرش را ببوید - با برادر و خواهرش پرسه‌ای در بچه‌گی بزنند و یا با دوستی در تنهایی سهیم شود.

موقعیت غریبی است، دوست من، موقعیت غریبی است. و این باور دایم شکل می‌گیرد که دشوارترین و اصلی‌ترین وظیفهٔ یک فرد اجتماعی از صدیق و پیامبر گرفته تا هنرمند و نویسنده ایجاد توازن بین این کشش‌هاست.

نوازش دست یک استاد

این نوشته انگلیسی را ترجمه کردم، چرا که بسیاری از جوانان و روشنفکران و تحصیلکردگان جامعه را می‌بینم که از یهودیت کناره می‌گیرند، به دلیل این که، یهودیت را کهنه و فاقد ارزش امروزه می‌دانند. برخی گناه تنبلی برای شناخت واقعی آن را زیر نقاب

روشنفکری یهودیت پنهان می‌کنند، یا فقدان رهبرانی که خالصانه پای بند اصول این فرهنگ و دین زیبا نیستند را برای مردود شناختنش استفاده می‌کنند. درست مثل اینکه در شهری قضات بد باشند و ما کلاً قانون را بد بدانیم و مذمت کنیم.

***

حراج کننده با خودش فکر کرد «این ویلون شکسته و پر از وصله‌های تعمیر، ارزش آن را ندارد که وقت زیادی تلفش کند»، ولی با لبخندی زورکی، ویلون را بالا گرفت.

فریاد کشید: «با چند دلار شروع کنم، دوستان؟»

«چه کسی حراج را شروع می‌کند؟»

«یک دلار، یک دلار» بعد دو فقط دو؟

«دو دلار» چه کسی سه دلار می‌دهد؟

«سه دلار» یک، سه دلار، دو دارم میگم سه...

امانه

از ته ته سالن، مردی با موهای خاکستری، آرام آرام جلو آمد. آرشه را برداشت.

گرد و خاک روی ویلون را پاک نمود. سیم‌های شل را سفت کرد، و نوایی چنان ناب و شیرین نواخت که انگار سروشی بود که از ملکوت به گوش می‌رسید.

نوای موسیقی که خاموش شد، حراج کننده با صدایی آرام و با تأنی اعلام کرد:

«چقدر برای ویلون آنتیک اعلام کنم؟» و ویلون را با آرشه بلند نمود.

«هزار دلار»، «کی دو هزار دلار می‌دهد؟»

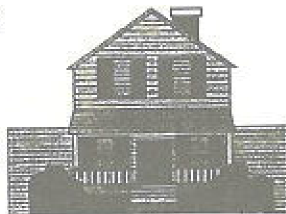
«دو هزار دلار»، کی سه هزار دلار می‌دهد؟»

سه هزار دلار، یک ـ سه هزار دلار، دو ـ و سه هزار دلار فروخته شد.

مردم هورا کشیدند و عده‌ای پرسیدند: چطور شد، چه چیزی ارزش ویلن را بالا برد؟

و جوابی آناً به گوش رسید «نوازش دست یک استاد.»

بقیه در صفحهٔ ۱۳



رویدادهای سازمان سیامک

● کمک به شهر امید City of Hope

سازمان سیامک در راه ادامه کمک به City of Hope که از سازمانهای خیّر و بهداشتی است و در رشته تحقیقات خونی و سرطان از مؤسسات بسیار پیشرفته جهانی می‌باشد، مبلغ ۲/۰۰۰ دلار به این مؤسسه کمک مالی نمود. این رقم توسط پروفسور رهبر که از افتخارات جامعه یهودی می‌باشند و در این مؤسسه به تحقیقات پیشرفته و جهانی خود مشغولند به این مؤسسه اهداء شد.

در نامه‌ای که توسط دکتر سانفورد شاپیرو رئیس این مؤسسه به سازمان ارسال شده، ضمن سپاس از ارسال چک ما را نیز بخشی از نیروی خود برای دستیابی به سلامتی برای تمام مردم جهان همراه دانسته‌اند.

پروفسور رهبر در نامه‌ای جداگانه از جامعه ایرانی که برخی از افراد آن بارها از خدمات رایگان این مؤسسه برخوردار شده‌اند درخواست نموده‌اند که با کمک مالی به یاری این مؤسسه جهانی و خیّر بشتابند.

● پژوهشهای دکتر امنون نتصر

دکتر امنون نتصر که رئیس بخش ایران شناسی دانشگاه عبری اورشلیم می‌باشند، صاحب سالها تجربه - کاوش و پژوهش‌های تحقیقاتی ویژه‌ای در رشته ایران شناسی و به ویژه یهودیان در طول تاریخ این کشور می‌باشند. مقالات این محقق صاحب نام که ستاره تابناکی در تاریخ قوم ماست، آذین بخش نشریه چشم انداز می‌باشد. در ماه گذشته سازمان سیامک برای کمک به پژوهش‌های استاد مبلغ ۲/۰۰۰ دلار به ایشان ارسال نمود.

● گروه خاوریم (یاران) سیامک

در ماه گذشته گروه خاوریم (یاران) سیامک که شامل جوانان ۲۵ تا ۴۵ ساله می‌باشند، کماکان برنامه کوهنوردی یکشنبه صبح‌های خود را که از ساعت ۸/۵ صبح در محل تمسکال کانیون شروع می‌گردد را ادامه داده‌اند.

این گروه روز یکشنبه ۲۰ نوامبر «شب حافظ» که شعر خوانی اشعار حافظ و شناسایی این شاعر و عارف نامی ایرانی بود را با حضور ۱۱۰ نفر در وست وود بر پا نمودند. و استقبال بی اندازه شرکت کنندگان چنان زیاد بود که این برنامه‌ها قرار است به زودی تکرار گردد.

برنامه آینده گروه خاوریم (یاران) سیامک در ۴ دسامبر امسال و میز گردی با شرکت دکتر شهریار عمرانی و دکتر فلورا زمردی درباره کالتهای (CULTS) مذهبی و جلوگیری از نفوذ آنان در جامعه برگزار خواهد بود.

در ماه ژانویه ۱۹۹۵ یک تور اسکی دو روزه و در فوریه سال آینده شب شعری دیگر جزو برنامه‌های این گروه خواهد بود.

● گروه تیکون TIKKUN

گروه تیکون (TIKKUN) (در یهودیت به معنای کامل نمودن و مرمت جهان) که کارهای خیریه، غذا رسانی به نیازمندان، یاری رساندن به بیماران و غیره سازمان سیامک را به عهده دارد، در ماه گذشته با کمک برخی از اعضاء هئیت اجرایی سازمان سیامک با تهیه غذا در منازل خود و دریافت مقداری غذا از مؤسسه غذایی و کیترینگ شارون در صبح یک روز یکشنبه به داون تان لس آنجلس رفته و تعداد ۲۵۰ نفر افراد بی خانمان را غذا دادند.

کمک به این افراد که از نژاد و مذهب های مختلف بودند در راه اشاعه کمکهای انسانی سازمان سیامک به تمام مردم نیازمند جهان خارج از هر گونه تعصب انجام می‌گیرد تا فراگیر نسل آینده و افکار باشد و انجام دستورات راستین یهودیت.

این گروه کماکان در تغذیه نیازمندان غذایی یهودی ایرانی از راه کمک رسانی توسط ربای بعل هنس به نیازمندان و خانواده‌ی نیازمند دیگری که مستقیماً توسط اعضاء این گروه یاری می‌شوند،



ادامه می‌دهد.

● سازمان دهی سیامک

در دو نشست اخیر هئیت اجرایی سازمان سیامک، اهداف - کاربرد و امکانات این کمیته‌ها تعیین و رؤسای آن منصوب گردیده‌اند. کمیته‌های دیگر در نشستهای بعدی تعیین و شروع به کار خواهند نمود.

این سازماندهی برای کارایی بهتر و دقیق تر و جلوگیری از اصراف انرژی با خط مشی کاملاً معین که با دیگر اهداف سازمان هماهنگ باشد صورت گرفته است. از آنجا که در انتخابات تابستان ۱۹۹۶ یکی از شرایط الزامی برای کاندیدا بودن شرکت فعالانه برای حداقل یک سال در یکی از کمیته‌ها و تائید از خود گذشتگی از طرف رئیس کمیته می‌باشد، علاقه‌مندان بایستی هر چه زودتر شروع به فعالیت نمایند.

کمیته های موجود تا این تاریخ عبارتند از: کمیته انتشارات، مسئول بخش فارسی آقای شهرام سیمان، بخش انگلیسی خانم ژنی اسحاقیان، کمیته خاوریم (یاران) مسئول، خانم اختر برلوا، کمیته تیکون مسئول، خانم افسانه مهدی پور، کمیته میراث و تداوم یهودیت، دکتر مایکل کامل، کمیته اعانات و درآمدها، مهندس آشر آرام نیا و فریدون فولادی.

● برنامه ریزی

روز یکشنبه ۳۰ اکتبر در گرد همایی یک روزه دست اندر کاران سازمان سیامک که با حضور ۳۰ نفر از ۱۰ صبح تا ۳ بعد از ظهر در وست وود انجام گردید، بحث و تبادل نظر در مورد اشکالات، امکانات و راه حلهای مسایل جامعه صورت گرفت. در این جلسه افراد از سنین ۲۳ سال تا ۶۰ ساله شرکت داشتند. نتایج بررسیها در شماره‌های آینده به نظرتان خواهد رسید.

● افتخاری دیگر

خانم پوران سیانی که یکی از سر پرستاران مرکز طبی UCLA از طرف این دانشگاه می‌باشد موفق به دریافت جایزه انساندوستی HUMANISM AWARD این مؤسسه قرار گرفته است.

در گواهی پیوست می‌نویسند این جایزه را تنها به افرادی که وظیفه خود را فراتر از انتظارات و با عشق و محبت فراوان ایفاء می‌کنند، اهداء می‌نمایند و پوران سیانی جزو ۵ نفری است که امسال به این افتخار نایل گشته است.

سازمان سیامک برپاخاسته تا افرادی که در جامعه ما نیاز به کار دارند را حمایت نماید. چنانچه شما به دنبال استخدام شخصی هستید و یا بر عکس به دنبال کار می‌گردید، با دفتر سازمان تماس بگیرید. هدف ما اینست که اشخاصی راکه به دلایل مختلف نیاز به یک کار شرافتمندانه دارند تا امرار معاش خود را بگذرانند را پشتیبانی نماییم.

دفتر حقوقی

مارتین ولف

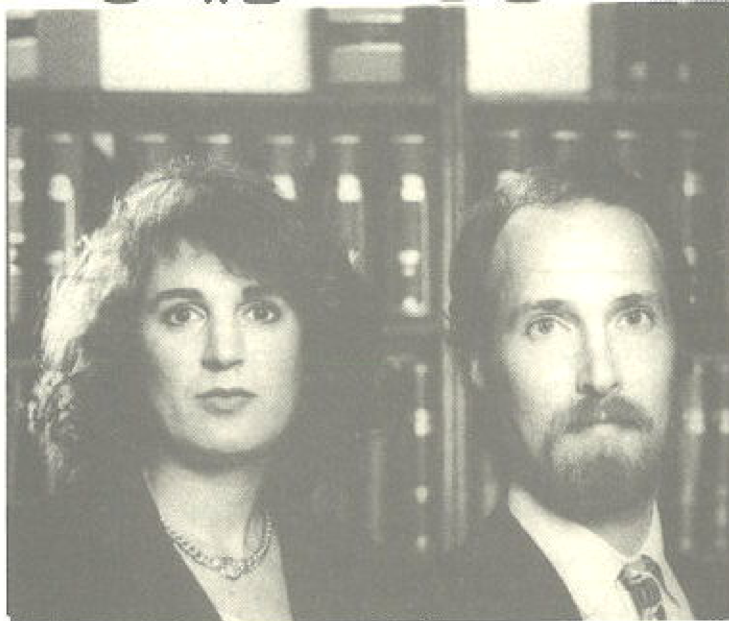
وکیل رسمی دادگاه های سراسر آمریکا و کالیفرنیا و دادگاه های فدرال

با همکاری « مشاور فارسی زبان »

نازی نظریان

PERSONAL INJURY

تصادفات



قاطع، سریع و دلسوز حافظ حقوق شما

- تجارت و بازرگانی
- تنظیم وصیت نامه و امور انحصار وراثت
- قرارداد ها و ثبت و انحلال شرکت ها
- املاک و مستغلات
- روابط مالک و مستأجر
- رفع اختلافات از طریق مذاکره و یا قانونی
- امور کالکشن (مطالبات)

BUSINESS & COMMERCIAL LAW
WILLS, TRUST & ESTATE PLANNING
CONTRACTS, CORPORATION & PARTNERSHIPS
REAL ESTATE, PURCHASE & SALE
LANDLORD - TENANT
BUSINESS LITIGATION, ARBITRATION
COLLECTION

433 N. CAMDEN, 12th FLOOR BEVERLY HILLS CA 90210
TEL : (310) 205 - 2033 FAX : (310) 205 - 2074

سازمان سیامک و کمک به بی خانمانهای داون تاون

هدفهای انسانی این سازمان را گسترش بیشتری داد





وقتی که یکی از دوستان در جلسه پیشنهاد داد که یکشنبه به داون تاون برویم و غذا برای افراد بی خانمان که شامل زن، مرد، بچه، سیاه پوست، مکزیکی، ژاپنی و...بود ببریم همگی استقبال کردیم. شب که از جلسه بر می‌گشتم با خود فکری کردم تکلیف این آدم‌ها فردای یکشنبه چی میشه؟ ولی خوب، تجربه‌ای بود که می‌خواستم از نزدیک لمس کنم. یکشنبه صبح که پا شدم غذا را گرم کردم. وقتی که سر خیابان چهارم و لس آنجلس رسیدیم بیشتر از یکی دو ماشین توی خیابان نبود. آدمها روی پیاده روها نشسته بودند. یک عده‌ای هم با هم مشغول حرف زدن بودند. هنوز غذاها را از ماشین خالی نکرده بودم که سرم را برگرداندم و با یک صف ۵۰ نفری مواجه شدم. چند لحظه‌ای بر جایم خشک مانده بودم. دیدن صف باعث شد همه تند تر کار کنند. چون گرسنگی را توی صورت همه آدم‌های توی صف می‌شد دید. وقتی که صف راه افتاد دو مرتبه افکارم رفت جای دیگه. فکر اینکه چند مایل اونطرف تر مردم تازه از خواب بلند شدند یا با خانواده‌هاشون مشغول تماشای تلویزیون و صرف صبحانه هستند مرا در بر گرفت. واقعاً احساس می‌کردم این شهر حداقل دو دنیای متضاد دارد. در همین حین و بین یکی از بچه‌ها گفت، تورو خدا نگاه کنید این‌ها از ماها چقدر مرتب تر و منظم ترند، همه توی یک صف مرتب ایستادند. بی اختیار یاد بعضی عروسی‌ها و مهمونی‌های خودمون افتادم. هیچ کس نمیدونه اصلاً صف یعنی چی، اکثریت فقط به فکر اینند که چطوری بغلیشون را هل بدهند که زودتر سر میز برسند. ازاون بدتر وقتی که سر میز رسیدند و غذا را کشیدند از سر جاشون تکان هم نمی‌خورند مهم هم نیست که بقیه منتظرند. صف همینطوری جلو می‌رفت همه شون تشکر می‌کردند، لبخندی می‌زدند و دعامون می‌کردند. عجیب‌تر از همه این بود که وقتی غذا را سرو می‌کردیم اکثراً فقط غذایی را که می‌دونستند می‌تونند بخورند و اندازه‌ای که می‌تونند بخورند را می‌خواستند. باز این من را برگرداند به یاد مهمونی‌های خودمون، اکثراً بشقاب‌ها تا لب پر است. وقتی آخر سر بیشتر بشقاب‌ها را نگاه می‌کنی به اندازه یک آدم کامل توی بشقاب بعضی‌ها غذا مونده که یک راست وارد سطل آشغال میشه. یک مقدار زیادی جوجه کباب و پلوی روز یکشنبه را کیترینگ و رستوران شارون از عروسی شب پیش آورده بودند. من برای خوشبختی اون عروس و دامادی که دانسته یا ندانسته شکم بیشتر از ۲۵۰ گرسنه را سیر کردند آرزوی خوشبختی می‌کنم.

همین جا بود که متوجه شدم که فکرم راجع به اینکه فایده اینکه

ما فقط یک روز این‌ها را غذا می‌دهیم و تکلیف این‌ها فردا چی میشه چقدر اشتباه بود. چون اگر ما یازده نفر با گذاشتن دستامون توی دست همدیگر بیشتر از ۲۵۰ نفر را سیر کردیم اگر همه آدمها دست توی دست هم بگذارند چه معجزه‌هایی که صورت نمی‌گیرد.

سیامک کمیته جدیدی به نام Tikkun Olam تأسیس کرده که ترجمه فارسی آن بهتر کردن یا کامل کردن دنیا هست. از همه پزشکان، وکلا، دندانپزشکان و روانشناسان و خانمهای خانه، جوانان و نوجوانان که مایل هستند دست خود را به عنوان یک کمک دهنده بلند کنند دعوت می‌کنیم که با دفتر سازمان تماس بگیرند.

به هر حال به قول یک مثل آمریکایی بخشنده بودن، از خانه شروع می‌شود. و پدر و مادران سر مشق فرزندان خود هستند. پس وظیفه انسانی همه ما ایجاب می‌کند که حداقل به یک هم نوع کمک بکنیم. حتی اگر میتونید وقت خودتان را در اختیار بگذارید خود کمک زیادی است. به هر حال هر کمکی با ارزش و خوب است. درون جامعه یهودیان ایرانی وجود دارند کسانی که به غذا و کمک‌های پزشکی نیاز بسیار دارند. با ما تماس بگیرید شاید که حداقل بتونیم جامعه خود را خالی از انسانهای نیازمند کنیم. در خاتمه دو بیت هم از حافظ می‌نویسم که به نظرم بسیار با مسمی آمد.

ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی

دل بی تو به جان آمد، وقتست که باز آیی

دایم گل این بستان شاداب نمی‌ماند

دریاب ضعیفان را، در وقت توانایی

تلفن اطلاعات ۴۷۹۸-۴۷۹ (۳۱۰)

من و گنجشکهای خونه

نیاز ما

ما در چشم انداز و سازمان سیامک احتیاج به افرادی داریم که ترجمه کنند - مقاله به انگلیسی و فارسی بنویسند، در کمکهای انسانی ما به نیازمندان سهیم شوند، آنها را تغذیه کنند یا کمک معنوی بنمایند، با ما تماس بگیرید.

خواهشم از تمام خوانندگان این نشریه و خصوصاً من و گنجشکهای خونه این که ۲ صفحه وسط مجله این شماره را حتماً بخوانید و جواب بدهید با تمام صفات خوب خدایی‌ای که در وجودتان است.

«شالم»

به قلم: Ozzie Nogg
برگردان: پیمان اخلاقی
برگرفته از: The Jewish Times

معجزهٔ حنوکا

(توضیح مترجم: محتوای متن حاضر، لزوم" بازتاب مستقیم نظر مترجم نمی‌باشد.)

* نگاهی تازه به داستانی آشنا *

تنها حدود سیصد سال پس از پیروزی مکابی‌ها بود که افسانهٔ روغن مقدس تولّد یافت.

فصل، فصل حنوکا است! همگی با شخصیت‌ها و طرح داستان آشنایی داریم:

آنتیوخوس بد طینت، در مقابل مکابی‌های دلیر، درکشمکش بر سر کسب آزادی مذهبی، پیروزی اقلّیت بر اکثریت. افتتاح مجدّد معبد مقدس! کوزهٔ معجزه آسای روغن! بیش از این دربارهٔ جشنی چنین آشنا چه می‌توان گفت؟ شاید بازگوئیِ نو از داستان، نکات جدیدی را از ماجرای «جشن نورها» روشن سازد.

پس از آن که اسکندر کبیر فلسطین را به تصرف آورد، فرهنگ و سنن یونان سر تا سر آن سرزمین را فراگرفت، چنان که تا سال ۱۷۶ پیش از میلاد که آنتیوخوس چهارم به تخت سلطنت نشست، «هلنیسم» دیگر کاملاً رایج شده و حتی از سوی خود کاهنان بزرگ یهودی حمایت می‌شد. کاهنان، مراکز ورزشی (Gymnasia) بنا نمودند، وظایف مقدّس خویش را نادیده گرفتند، و یهودیان را به اقتباس راه و روش یونانیان ترغیب نمودند. بسیاری از اشراف و فرهیختگان (آن دوران)، چنان فریفتهٔ فرهنگ یونان شده بودند که به نظر می‌آمد آماده بودند که «تورا» را ترک نمایند.

در عین حال، بودند یهودیانی که مقاومت کردند. شاگردان و استادان، کشاورزان و دهقانان، و گروهی شخصاً متعصب از «حشمونائی» ها. حشمونائی‌ها نه تنها با فرهنگ هلنی، که با برادران یونان زده شان نیز در افتادند. کاهنان نیز با یکدیگر بر سر قدرت می‌جنگیدند، و در مجموع، دوران، دوران روزهای تاریک بود.

در این گیرودار، اتحاد قلمرو چند ملیّتی آنتیوخوس، روز به روز مشکلات خویش را بیشتر ظاهر می‌ساخت، این بود که او در واکنشی از سردرماندگی، مصمّم به تحمیل فرهنگ هلنی، متوجّه یهودیان شد. صدها تن از یهودیان پایبند، شهادت را به خیانت به فرامین خدایشان ترجیح دادند. حتّی برخی از یهودیان هلنی نیز باور آوردند که آنتیوخوس بسی زیاده رفته است.

شورش آن گاه آغاز شد که «متتیا حشمونائی»، هم وطنی یهودی را که قصد داشت به قربانگاهی شرک آمیز کرنش کند، به قتل رسانید. متتیا و پنج فرزندش به سرعت رو به تپه‌ها گذاردند. حشمونائی‌ها و دیگر هواخواهان غیور نیز به آنان پیوستند. از آن پس، به مدّت سه سال، این لشگر مردی به رهبری «یهودا مکابی» فرزند متتیا، با لژیون‌های سوری به نبرد پرداخت.

در سال ۱۶۵ قبل از میلاد (Before Common Era)، مکابی‌ها یروشالیم را آزاد ساختند، معبد را بازخواستند، و در بیست و پنجم ماه کیسلو، مذبحی جدید بنا نمودند، و آن گاه سه سال از تاریخی که آنتیوخوس آنجا را بی حرمت ساخته بود، می‌گذشت. معبد دیگر بار افتتاح شد. مردم به مدت هشت روز مراسم شادی برگزار نمودند، و سپس مقرر داشتند که یهودیان هر ساله این روزها را گرامی دارند، و بدین گونه داستان خاتمه می‌یابد.

به نظر می‌رسد کمبود عمدهٔ تصویر بالا، ناپدید شدن قضیهٔ روغن مقدس از آن باشد. جای معجزه خالی است! طبق روایت تاریخی فوق، برگرفته از «مکابی‌های اول و دوم» علت شادمانی هشت روزهٔ یهودیان نه کوزهٔ روغنی است که به گونه‌ای معجزه آسا، بیش از زمان معمول شعله‌ور ماند، بلکه این جشن از آن روست که یهودیانی که در طول جنگ‌های کوهستانی با سوریان، نتوانسته بودند مراسم «سوکوت» را به جا آوردند، تصمیم گرفتند که مطابق با سنّت سوکوت، و به مناسبت افتتاح مجدّد معبد مقدس، و مصادف با سالگرد گشایش معابد اول و دوم، جشنی بر پا سازند.

در این صورت، داستان روغن از کجا سر چشمه می‌گیرد، و چگونه بود که حنوکا، «جشن نورها» شد؟ در این جا به ذکر چند فرضیه می‌پردازیم.

۱ - در اصل این مراسم، موقع تحویل زمستانی را تعیین می‌نمود (شاید مطابق با سنّت شب یلدا در فرهنگ ایران) مصریان سعی می‌کردند که با بر افروختن شبانهٔ چراغ‌های روغن سوز بیرون خانه‌شان، خورشید را مجدداً برافروزند، و یهودیان نیز به سادگی از همسایگان خویش تقلید نموده، و این رسم کفر آمیز سرانجام سر از حنوکا در آورد!

۲ - شمع‌ها، نمونه‌هایی میناتوری از «منورا» ها (شمعدانها) و آتشدانهای بزرگ شعله وری هستند که در جشن‌های ابتدایی سوکوت از آن‌ها استفاده می‌شد.

۳ - شمع‌ها، هشت نیزه‌ای را به خاطر می‌آورند که مکابی‌ها بیرون معبد بر زمین یافتند. (از قضا سربازان نیزه‌ها را در خاک فرو کرده، به روغن آغشته نموده و تا هنگامی که هنوز منورای پاک جدیدی برای عبادت در معبد آماده نشده بود، منورایی موقت فراهم نمودند.

در واقع این وظیفه به دوش ربانیم بود که خدا را به این فرضیه‌ها وارد کنند، و حدوداً سیصد سال پس از پیروزی مکابی‌ها بود که افسانهٔ روغن مقدس تولد یافت. این نمایشنامه در «گمارا» بدین گونه آمده است:

ربانیم می‌پرسند: «حنوکا چیست؟» و خود پاسخ می‌دهند که جشن حنوکا در ۲۵ ماه کیسلو آغاز شده و به مدت هشت روز ادامه می‌یابد. آنان یادی از مکابی‌ها می‌کنند، ماجرای پیدا شدن کوزهٔ مقدس را تشریح می‌نمایند، و معجزهٔ الهی را که در پی آن آمد بیان می‌دارند، تنها در طول چند جمله، ربانیم، مکابی‌ها را به هنرپیشگان فرعی این ماجرا تبدیل نمودند، و معجزهٔ روغن را، سمبلی از شگفتی‌های بی پایان خداوند ساختند، معجزهٔ روغن، ستارهٔ نمایش نشد. آنان به مردم یادآوری کردند که یهودا و افرادش به خودی خود پیروز نشدند، که هیچ چیز بدون یاری خداوند به دست نمی‌آید.

محققین احساس می‌کنند که این ناچیز انگاری نقش مکابی‌ها، بازتاب بی میلی ربانیم نسبت به جشن گرفتن پیروزی‌های نظامی، و مخالفت آنان با حشمونائیم بعدی بود. در واقع، با آن که متتیا و پسرانش برای بقای یهودیت جنگیدند، اخلاف آنان به پیروی از آداب یونان پرداختند، از قدرت خویش سوء استفاده کردند، به



مردم خویش ستم نمودند، و بار دیگر روزهای تاریکی را به زندگی یهودیان آوردند.

امسال که شمع‌ها را روشن می‌کنید، از نو به کاراکترها و زمینهٔ داستان حنوکا بیاندیشید. بی شک آنتیوخوس و مکابی‌ها نقش اول را به عهده دارند، ولی یهودیان هلنی زدهٔ تحلیل رفته را نیز به خاطر داشته باشید، چرا که آنان نیز در آنچه برایمان اتفاق افتاد سهیم بودند.

سرنوشت حشمونائیم را نیز به خاطر آورید که چگونه به ستیز در میان خویش و دیگر یهودیان کشانده شدند، ستیزی بر سر حق کهانت، حق سلطنت، یا حق حقیقت.

همینطور به خاطر داشته باشید که همچنان که در طول هفته هر بار که شمعی دیگر اضافه می‌کنیم، به تقدیس بیشتری می‌رسیم. «هیلل» زمانی گفت: «همچنان که نورهای حنوکا بیشتر می‌شوند، نور یهودیان نیز افزوده می‌گردد تا سر انجام تاریکی را از جهان بزداید.»

در پایان، وقتی تمامی شمع‌ها زبانه می‌کشند، کوزهٔ روغن را به خاطر آورید گویی محتوای آن بسی بیش از هشت روز افروخته مانده است علیرغم دشمنان داخلی و خارجی، شعلهٔ بقای یهودیت هرگز به خاموشی نرفته است.

...و این، همان معجزهٔ حقیقی است.

منبع :کنگره جهانی یهود
این مقاله دربخش انگلیسی این نشریه نیزچاپ شده
خواندن آن را به فرزندانتان توصیه نمائید.

نقش یهودیان در تحولات جهان



ترجمه: مینو ذهابیان کوتال

آمریکای شمالی

▣ تغییر دریا

اخیراً یک سمپوزیوم چهار روزه در همکاری های دریایی خاور میانه در هالی فکس، NOVA SCOTIA برگزار شد، که دنباله یک سری نشست‌هایی که به وسیله ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی سابق برگزار می‌شود.

نمایندگان خاور میانه شامل یک دریا دار، یک کاپیتان از نیروی دریایی اسرائیل و نمایندگان الجزایر، مصر، اردن، کویت، عمان، تونس، یمن، امارت متحده عرب و فلسطین بودند.

▣ بدون راز و رمز

اسرائیل با ایالات متحده آمریکا یک قرار داد اولیه با روسای اداره مالیات بر درآمد اسرائیل و آمریکا بسته است، مبنی بر اینکه اطلاعات مربوط به حساب‌های بانکی افراد غیر ساکن در اسرائیل و آمریکا، در صورت سوءظن به کارهای خلاف را با یکدیگر مبادله کنند. روسای بانک‌های اسرائیل نگران آن هستند که این قرار داد منتهی به آن شود که یهودیان آمریکای جنوبی و آفریقای جنوبی که دارای حساب‌های بانکی هستند سپرده‌های خود را از بانک های آنان خارج کنند.

▣ نوریس -کیت

ریچارد نوریس که کاندیدای دموکرات کلیولند در مجلس نمایندگان اوهایو است ازدواج رقیب انتخاباتی خود را با یک یهودی مورد انتقاد قرار داد. نوریس در مصاحبه با روزنامه‌ای به نماینده ایالتی، C.H. PRENTISS و همسر او MICHAEL CHARNEY حمله کرد و گفت PRENTISS- «همه زنان سیاهپوست را شرم زده کرده است»، به دلیل اینکه او با یک مرد

کچل، خپله، هیپی یهودی ازدواج نموده است.

◫ آزار و اذیت

یک یهودی ارتودکس در سینسیناتی ادعا کرد که یک مأمور پلیس، جمعه شب او را برای راه رفتن وسط خیابان متوقف کرده، مورد آزار و اذیت جنسی قرار داده و مجبور کرده تا از مقررات شب شبات تخلف کند. در پرونده‌ای که بر علیه مأمور پلیس تهیه شده بود شاکی ادعا نموده که بر خلاف پا فشاری او که می‌گفت نوشتن، تخلف از قوانین شبات است پلیس او را در صورت امضاء نکردن برگ جریمه تهدید به زندان کرده بوده است.

◫ کمک

مدارس روزانه یهودیان کِبِک (QUBEC)، برای تدریس مواد مذهبی از دولت محل در سال ۱۹۹۸-۱۹۹۷، ۱۰۰ در صد کمک مالی دریافت خواهند کرد. این رقم ٪ ۶۰ افزایش بیش از کمک قبلی را نشان می‌دهد. کمک دولت به مدارس یهودیان برای هر دانش آموزی است و مشابه نرخ مدارس دولتی می‌باشد.

اروپا

◫ بازگشت

بعد از ۵ قرن عبادت پنهانی - یک جمعیت کوچکی از یهودیان در یک شهر دور افتاده، بلمونت پرتقال دیگر تظاهر به مسیحیت نمی‌کنند و گذشته خود را با کمک یک ربای از اسرائیل فرا می‌گیرند. این جامعه ۲۰۰ نفره، تنها گروه یهودیان است که در کشور پرتقال به طور پنهانی هنوز به هویت یهودی خود وفادار مانده‌اند. به دلیل اینکه اجداد آن‌ها مجبور بودند یا کاتولیک شوند یا به وسیله دادگاه‌های روحانی INQUISITION (انکیزاسیون) در سال ۱۴۹۷ کشور را ترک گویند.

◫ ERUV

بزرگترین جامعه یهودیان بریتانیا اجازه یافتند تا اولین ERUV را در مملکت بر پا کنند. ERUV به طور سمبولیک یک محوطه محصور است که اجازه می‌دهد یهودیان مذهبی اجازه داشته باشند که روز شبات یا شئی را حمل کنند یا کالسکه بچه را در محل عمومی راه ببرند. ERUV محوطه مزبور، شش میل مربع در شهر لندن را در بر می‌گیرد.

اسرائیل

◫ توبه

در حدود ۴۰۰۰ نفر مسیحی بنیادگرا در زیارت به اسرائیل یک مراسم توبه برای قتل و عام شش میلیون یهودی در جنگ دوم جهانی بر پا داشتند. نماینده یکی از زیارت کنندگان آلمانی اظهار داشت: «ما اقرار کنندگان به گناه ملت خود و گناهکار، به عنوان یک مسیحی هستیم. ما آماده روبرو شدن با گناهان پدران خود هستیم». «ما تقاضای بخشش از یهودیان را متوقف نخواهیم نمود».

◫ کشتی تفریحی CRUISE

رئیس اداره حمل و نقل اسرائیل اعلام کرد، که در نظر دارد، یک ایستگاه مسافری برای کشتی و مسافرت تفریحی در بندر دریای سرخ و ایلات بسازد. ایستگاه حدود ۲٫۵ میلیون دلار خرج دارد و مشابه امکانات بندر سیاتیل خواهد بود.

◫ حمل و نقل مخصوص

یک قرار داد که در نوع خود اولین است بین شرکت ترابری اسرائیل و یک گروه کمپانی‌های ترابری مصری و شرکت‌های تجارتی، به امضاء رسیده که دارای سرویس دو طرفه در هر دو سمت مرز خواهد بود. این امکانات، توزیع از یک کشور به کشور دیگر را آسانتر می‌نماید.

◫ چین و اسرائیل

یک مزرعه اسرائیل - چینی برای مطالعات زراعتی در دانشگاه زراعت و مهندسی پکن افتتاح شده.

این مزرعه با همکاری متخصصین اسرائیلی و چینی اداره خواهد شد و مطالعاتی مانند دوباره استفاده کردن از آب RECYCLING و تکنولوژی گرما را در بر خواهد گرفت.

◫ رشد

بر حسب اداره مرکزی آمار اسرائیل جمعیت اسرائیل در سال گذشته ۱۲۵٫۰۰۰ نفر افزایش داشته و به ۴ / ۵ میلیون نفر بالغ می‌شود. جمعیت اسرائیل در اوایل سپتامبر از ۴ / ۴ میلیون یهودی ۷۷۰٫۰۰۰ نفر مسلمان ۱۶۰٫۰۰۰ نفر مسیحی و ۹۰٫۰۰۰ نفر دروزی تشکیل شده بوده است.

اروپای شرقی

◫ غرامت

دولت چکسلواکی در نظر دارد تا به چکسلواکی‌هایی که قربانی قتل و عام نازی‌ها در دوران جنگ دوم جهانی بوده‌اند، غرامت بپردازد. دولت با فروختن املاکی که متعلق به حزب قبلی کمونیست چکسلواکی بوده است غرامت‌ها را خواهد پرداخت.

مبلغ کل غرامت به ۳۵,۸ میلیون دلار تخمین زده می‌شود، که از فروش املاکی مانند چاپخانه قبلی حزب به دست خواهد آمد.

تکنولوژی سطح بالا

اخیراً یک موافقت نامه مربوط به همکاری در تحقیقات فضایی بین اسرائیل و روسیه امضاء شد. این همکاری شامل توسعه تجارتی اقمار فضایی خواهد بود که عمدتاً برای مخابرات به کار برده می‌شوند.

سرویس‌های جدید

اولین نیایش به طریق غیر ارتدکس برای اعیاد مذهبی در پراگ بعد از جنگ جهانی دوم امسال در کنیسای دوباره افتتاح شده شهر برگزار شد. نازیها در نظر داشتند بعد از اینکه قتل و عام یهودیان در اروپا تکمیل شد کنیسای قرن ۱۶ را به «موزه نژاد از بین رفته» اختصاص بدهند.

سارقین کتاب

مأمورین ضد اطلاعات روسی به یک کار جدید رو آورده‌اند. آن‌ها به دنبال کتابهای سرقت شده کتابخانه هستند. متصدی کتابخانه ملی روسیه کشف کرده که بهترین کلکسیون کتابهای دست خط یهودی مربوط به دوران قرون وسطی در طول سالها، به سرقت رفته است.

علوم و تکنولوژی

کمک صندلی

یک مهماندار قبلی هواپیمای اِل عال که در حال حاضر دانشجوی کالج تکنولوژی حاداسا در یروشالیم می‌باشد یک صندلی بخصوص هواپیما برای مسافرین معلول ساخته است. صندلی هواپیما بر روی چرخ قرار دارد که قرقره‌های جدا شدنی آن به راحتی به روی پایه آن جلو و عقب می‌رود و اجازه می‌دهد که معلولین روی صندلی چرخ دار در راهروی باریک هواپیما حرکت کنند به جای اینکه آن‌ها را بغل کرده و جابجا نمایند.

کد فکس

یک کمپانی جدید اسرائیل Elirow of Kfar Sava یک برنامه جدید کامپیوتری درست کرده که قادر است کد را تغییر داده و متن فکس را قاطی کند تا از بروز Wire tapping (خواندن بدون اجازه متن فکس) جلوگیری نماید. قیمت برنامه ۶۰ دلار است و استفاده کنندگان می‌توانند آن را کپی کرده و به کسانی که فکس را دریافت می‌کنند عرضه کنند.

▣ لخته خون یابی

یک وسیله دارویی برای یافتن لخته خون در اسرائیل ساخته شده که به وسیله یک شرکت کانادایی به بازار عرضه خواهد شد. این وسیله به نام PAPTIDE اجازه یافتن سریع، دقیق، و قابل اطمینان لخته خون عمیق را می‌دهد. و همچنین عوارض جنبی آن را در ریه و رگ‌ها نشان می‌دهد.

▣ جلوگیری از شوک

مطالعات یک دانشمند طبی اسرائیل از انستیتو علمی وایزمن، بیمارستان کپلان، مرکز پزشکی شیبا و بیمارستان ولفسون نشان می‌دهد که نمک منگنه دار از شوک ANAPHYLACTIC در حیوانات آزمایش شده جلوگیری می‌کند (یک عکس العمل آلرژی که اغلب منجر به مرگ می‌شود به روی انسانها هم اثر می‌گذارد).

این مطالعات در شماره اخیر ژورنال داروسازی و فیزیولوژی کلینیکی مقدماتی چاپ شده است.

▣ بزرگداشت

دولت جامائیکا بزرگترین لقب افتخار را با ارائه "COMMANDER OF THE ORDER OF DISTINCTION" به عالیجناب إرنست دوسوزا، رهبر روحانی جامعه یهودیان کشور برای خدمات برجسته او به آن جامعه و خدمات اجتماعی او به جامائیکا داد.

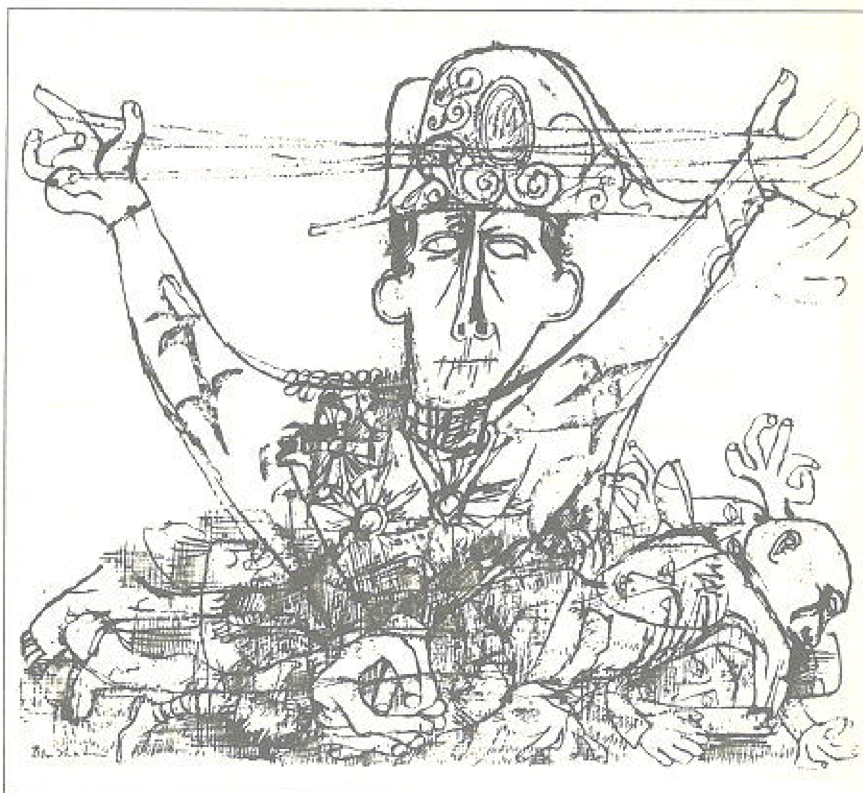
▣ مهمان نوازی لیبی

یک کاپیتان یونانی اجازه یافت به کشتی خود بعد از محاکمه در لیبی بازگردد. تخلف او شکستن تحریم اتحاد عرب بود به علت اینکه او با یک کشتی تحریم شده وارد بندر تریپولی شده بود. منابع موثق در لیبی گفتند که کشتی «غیر خواستنی» است به دلیل اینکه کشتی قبل از اینکه به اعراب فروخته شود برای یک کمپانی اسرائیل در سال ۱۹۶۴ ساخته شده بوده است.

ووسلی:

از: گزارش خاور نزدیک

ایران و عراق دشمنان صلح اند



در ۲۳ سپتامبر گذشته جیمز ووسلی، مدیر CIA در انستیتوی خط مشی خاور نزدیک واشنگتن سخنرانی ایراد نمود تحت عنوان «رویا روئی‌هایی در برابر صلح خاور میانه». نوشتار زیر عقاید عمده وی و خلاصه این سخنرانی در مورد رادیکالیسم اسلامی، خطر استراتژیک ایران و سعی مدام صدام حسین برای تولید سلاحهای اتمی و بازسازی ارتش عراق می‌باشد، که ما بخش مربوط به ایران را به نظرتان می‌رسانیم.

قدمهای مؤثر و انقلابی که برای صلح در خاور میانه برداشته می‌شود، نیاز به جمع‌آوری اطلاعات را کم نمی‌نماید. بدترین فرضی که می‌توان تصور نمود اینست که فکر کنیم صلح، خواهی نخواهی در سطح منطقه پخش خواهد شد. «ما اختلافی با اسلام نداریم و برای ملت‌های مسلمان دوست ما و رهبرانشان احترام قایلیم. در حقیقت این دوستان ما در جهان اسلام هستند که توسط افراطیون سیاسی اسلامی در خطر می‌باشند. کسانی که خط مشی همزیستی با غرب آنان را، افراطیون می‌خواهند با شکست روبرو کنند».

هرج و مرج یک طرح همکاری دائم التزاید بین افراطیون منطقه وجود دارد. همبستگی بین گروه‌هایی چون حزب الله، حمس، و دیگران باعث افزایش امکان می‌گردد. افراطیون مصری یا الجزایری امکان دارد در ایران یا سودان تعلیم ببینند. تاکتیکهای فرا گرفته در یک منطقه می‌تواند به منطقه‌ای دیگر انتقال داده شود. فعالیت‌های سفید کردن پول سیاه به چنان درجه بالای تکنیکی رسیده که امروزه ۳ تا ۴ قاره را در بر گرفته است.

خطر ایران

بگذارید از خطر ایران صحبت کنم. ۱۵ سال از براندازی حکومت شاه می‌گذرد و از ۱۹۷۹ پرونده‌ها شوکه آورند. در ایران، استبداد، خشونت و ترور. در خارج تحت فشار گذاردن کشورهای خلیج فارس، منحرف کردن مراحل و روند صلح، پشتیبانی از حزب‌الله و دیگر سازمانهای تروریستی که امروزه از الجزایر تا تاجیکستان فعالند.

در طول مدتی که رفسنجانی، مقام ریاست جمهوری را

داراست، ایران و وابستگانش بیش از ۳۵ فقره عمل تروریستی منجمله سوء قصد و کشتن مخالفان خود را انجام داده‌اند. اینها کار عناصر سرخ نیست. دستور این اعمال از مقامات بالای رژیم ایران صادر شده است. ایران هم چنین رابطه خود را با تروریستهای رادیکال فلسطینی مثل PFLP _ GC جبهه مقدم برای آزادی فلسطین (جورج حبش) مستحکم ترکرده است.

مهم ترین مشتری ایران، حزب‌الله بیش از هر گروه تروریستی آمریکایی کشته است. ایران در عرض ده سال گذشته، به حزب‌الله بیش از صدها میلیون دلار کمک مالی نموده است.

خطر ایران تنها محدود به حمایت از تروریسم نمی‌باشد. این خطر شامل قصد و عمل ایران برای برنامه مدرن نمودن ارتش خود در ازای مصرف بیلیونها دلار، توسعه سلاحهای نابودی جمعی و وارد نمودن موشکهای بالیستیکی نیز می‌باشد. ایران توانسته است که میگهای 29، SU 24 و تانکهای T 72 را به اضافه زیر دریایی‌های 2 KILO Class از روسیه دریافت نماید. هدف آنان آمادگی داشتن قدرت نظامی در قبال عراق و ترساندن همسایگان خلیج می‌باشد.

با آنکه خطر برنامه‌های ارتش ایران بسیار زیاد است ولی نگرانی اصلی ما از کار انداختن پیگیری بی وقفه و فراوان این کشور برای توسعه سلاحهای نابود کنندهٔ جمعی می‌باشد. ایران، تولید و انبار کردن سلاحهای شیمیایی را هم چنان ادامه می‌دهد. ما همچنین به پنهان کردن برنامه‌های سلاحهای بیولوژیکی این کشور سوءظن داریم.

توجه شدید ما به سعی ایران برای به دست آوردن تکنولوژی غرب است که ایران را قادر به ساختن سلاحهای اتمی بنماید.

ما اعتقاد داریم که ایران بین ۸ تا ۱۰ سال با ساختن این نوع سلاحها فاصله دارد و کمک از خارج برای به این هدف رسیدن بسیار حیاتی است.

ایران در مورد خرید مواد اتمی و تکنولوژی، خصوصاً از منابع روسی بسیار فعال بوده است. این کشور همچنین برای اخذ سیستم‌های پرتاب این سلاحها نیز کوشش می‌کند. بنا به فقدان منابعی در غرب که بتواند این سیستمها را از غرب دریافت کند، به آسیا رو نموده است، تا از چین موشک برای پرتاب و تکنولوژی مربوط به سلاحهای اتمی و از کره شمالی موشکهای بالیستیکی تهیه نماید.

امنون نتصر

یادداشت ها

مقاله پانزدهم

۳۰ ـ سال آفرینش

دو کتاب در مجموعه ۲۴ اسفار عهد عتیق سؤال بر انگیز و در عین حال جالبند: کتاب آفرینش و کتاب حزقیل. اولی، اگر بخواهید، به دانش طبیعت physics میپردازد، و دومی به رموز جهان ماوراء طبیعت metaphysics. با محتوای دانش نخست دست و پنجه نرم کردن چندان مشکل نیست، چون فیزیک کارش بیشتر با ماده و انرژی ست ـ گرچه کسی را یارای دست یازیدن به کنه وانتهای آن میسر نمیشود. دومی با دنیای فرضیات و مبادی غیر ملموس سر و کار دارد، لاجرم فقط قدرت ذهنی یا ایمان و یا احساس درونی ست که میتواند، از لحاظ فلسفی، ما را بآن نزدیک کند.

بر کسی پوشیده نیست که ملت ما گاه شماری خود را بصورت «سال آفرینش» مینویسد. اگر بخواهیم دقت کنیم باید بگوییم «سال ایجادی» و نه آفرینش، چون به عبری معمولاً سخن از שנת יצירה است و نه שנת בריאה. ولی برای اینکه خودمان را گم نکنیم باید اعتراف کنیم که هدفی که از هر دو منظور میگردد یکی است، یعنی همان چیزی که در بالای این یادداشت عنوان گردیده است.

هر کسی حق دارد بپرسد آیا واقعاً ۵۷۵۵ سال از آفرینش میگذرد؟ واین سؤال مرتب در مجامع و مجالس و در گفتگوهای خصوصی عنوان میشود. عده ای که هم وسواس دارند و هم معرفت و هم ایمان رسالات و کتب در این مورد نوشته اند و با اعداد بازی کرده اند؛ اینها آنقدر پیچ و خم رفته اند تا من و شما را متقاعد سازند که در «دوره آفرینش» میزان اندازه گیری زمان با آنچه امروز ما میدانیم متفاوت بوده است. اینها نه تنها کمکی به حل مسأله نمیکنند بلکه چیزی از قدوسیت کتاب اول ما میکاهند.

مسأله تازگی ندارد؛ در تلمود و میدراشیم، در تفاسیر مؤمنون و تعابیر عقلیون همه جا انگشت حیرت به دندان گزیده اند و هر کدام راهی پیشنهاد کرده اند. در ادوار باستان، حتی در دوره تلمود، هم میدانستند که عمر عالم بیش از آنیست که در گاه شماری ما آمده است. ولی یک موضوع را کمتر به آن توجه کرده اند ... . در کتاب آفرینش (یا پیدایش) سخنی از قدیم یا حادث (به معنای فلسفی این دو کلمه) بودن عالم نرفته است و لاجرم زمانی برای آفرینش عالم تعیین نگردیده است.

آنچه را امروز بنام سال آفرینش ۵۷۵۵ میدانیم گاه شماری ست که پس از ختم کتاب مقدس توسط علمای دین مقرر گردیده است. آنهاییکه با کتب عهد عتیق آشنایی دارند میدانند که وقتی سخن از «تاریخ» میرود معمولاً سال سلطنت این یا آن پادشاه، یا سال وقوع این یا آن رویداد بعنوان ابتدای شمارش بکار میرود. برای نمونه: «در سال اول کورش پادشاه فارس» (عزرا، باب اول آیه اول)؛ «در سال سوم از سلطنت خویش (احشورش) ضیافتی ... بر پا کرد» (استر، باب اول آیه سوم)؛ «کلام ارمیا ابن حلقیا ... در سال سیزدهم از سلطنت او (یوشیا بن آمون) بر وی نازل شد» (ارمیا، باب اول، آیات اول و دوم) والخ.

اگر بخواهیم از دیالکتیک علمای دینی پیروی کرده و آنرا با «تکنیک موعظه گویی آمیخته به منطق» روی کاغذ بیاوریم، باید کلمه اول کتاب اول کتاب آفرینش را تحلیل کنیم. בראשית (در ابتداء) یعنی چه؟ ابتدای کجا؟ آیا این اشاره به زمان است؟ زمان بدون حرکت، و حرکت بدون مکان چگونه ممکن گردیده است؟ در کجای کتاب آفرینش نوشته شده که عالم از عدم به وجود آمده است (ex nihilo)؟ آنچه در این قطعه آمده سؤالاتی ست که رامبام و علمای دیگر پرسید اند.

سخن رامبام عاقلانه و منطقی است. او میگوید اگر ارسطو میتوانست ثابت کند که عالم قدیم است من عقیده او را میپذیرفتم؛ ولی چون او موفق به اثبات این قضیه بغرنج نشده است، من باید آنچه ایمان من بمن حکم میکند قبول کنم، لذا عالم حادث است. این نحوه تعبیری میرساند که رامبام نیز در حدوث و قدمت عالم ناگزیر راه ایمان را در پیش گرفته است. این خود بخوبی میرساند که تورات هیچگونه تاریخی بعنوان سال آفرینش تعیین نکرده و بدیهی است این رساله مقدسه (کتاب آفرینش / پیدایش) در برابر دادگاه دانش و منطق، در این مورد بخصوص، کاملاً پاک و مبراست.

واما از اینکه در یهودیت گاه شماری ارتباط با عالم و بشریت دارد ونه با فردی مخصوص، این خود از افتخارات و امتیازات دینی مردمی ست که یکتا پرستی را بعنوان اصل مسلم دین پایه گذاری کرده اند. بدون اینکه تعصبی در این مورد داشته باشم و دیگران را نکوهش کنم، من این شمارش را، با تمام اشکالاتش، بر شمارشی که با سالروز تولد فردی و یا رویدادی مخصوص مربوط میشود، ترجیح میدهم.

در این یادداشت ها نمیتوان از یهودیان ایران اسمی نبرد. ربی یهودا بن العازار کاشانی گرچه در این مورد مخصوص سخنی نگفته است ولی مسأله زمان و مکان در آفرینش افکار وی را بخود مشغول داشته است. احساس خواننده رساله فلسفی وی بر اینست که ربی یهودا از عمر بس طولانی عالم اطلاع داشته، لذا، بدون اینکه یکی از تأکیدات تلمود را در این مورد بپذیرد یا رد کند، یادآور میشود که عالم هر شش هزار سال ویران

میگردد؛ سال هفتم را در ویرانی بسر میبرد و دوباره زندگی و سازندگی خود را از سر میگیرد (رک به تلمود، رساله **روش هشانا**، برگ ۳۱ ص الف؛ رساله **سنهدرین**، برگ ۹۷، ص الف؛ مقایسه کنید با **دلالة الحائرین** رامبام، قسمت دوم، فصل ۹۲).

افکار و عقاید دینی شاهین، بزرگترین شاعر یهودی ایرانی (قرن چهاردهم)، همیشه برای من معما بوده و معما باقی مانده است. وی در لابلای ابیات منظوم خود در تفسیر کتاب آفرینش از منابع میدراشی و همچنین منابع اسلامی استفاده میکند. بیشتر مفسرین اسلامی گرچه عالم را حادث میدانند ولی تعدادی از آنها **قلم، عرش و** آب را قدیم معرفی کرده اند. شاهین این سه عنصر «ازلی / ابدی» را در تفسیر منظوم خود گنجانیده است. وی، به احتمال قوی، در این مورد بخصوص، بیشتر به **قصص الانبیاء** ابو اسحق نیشابوری توجه داشته است.

۳۱ - اسرائیل یا ایسرائل

به عنوان بالا باید افزود «و یا یسرائل». سالی نیست که بنده را «نامه باران» نکنند که چرا دستگاه سخن پراکنی فارسی نمیگوید: اینجا یروشالاییم صدای ایسرائل! چرا مجلات فارسی زبان یهودیان در اسرائیل و خارج واژه های یهودی را به روال مسلمانان مینویسند. چرا موسی و نه مُشه، چرا اریحا و نه یریحو و الخ. اعتراف میکنم که موضوع مورد بحث برای خودم مساله ای لاینحل شده است.

اولاً عبارت «اینجا اورشلیم صدای اسرائیل» تقصیرش به گردن این حقیر است که در روز افتتاح برنامه های روزانه آن (چهارشنبه ۲۳ آوریل ۱۹۵۸) به آن قوه «ابدیت؟» دادم. در ثانی هرچه کوشش میکنم در کتب و مقالاتم یکپارچگی کتابت اسامی را حفظ کنم موفق نمیشوم. وقتی مطلبی را فقط برای فارسی زبانان غیر یهودی مینویسم، موضوع آنقدر دشوار نیست. مشکل موقعی انگشتان مرا در بر میگیرد که مطلب برای یهودی و غیر یهودی نوشته میشود - - برای نمونه این یادداشت ها که در **چشم انداز** چاپ میشوند. برای اولین بار، هنگام چاپ و انتشار کتابم (**تاریخ معاصر یهود**، سال ۱۹۸۲)، با سنگینی هر چه بیشتر این مشکل روبرو شدم. ناگزیر توضیحی در پیشگفتار این کتاب نوشتم تا خودم را «تبرئه» کنم.

اسامی را باید بصورت معمول در زبان خارجه نوشت و تلفظ کرد. مثلاً موسی در فارسی، مُشه در عبری، موئیز در فرانسه و موزس در انگلیسی و الخ. ولی این موضوع هم استثناء دارد. میتوان گفت حضرت موسی، ولی اولین وزیر خارجه اسرائیل را نمیشود گفت موسی شارت، بلکه مُشه شارت. ولی با اسحاق رابین چه معامله ای میشود کرد؟ جرائد انگلیسی زبان معمولاً مینویسند Itzhak Rabin و نه Isaac Rabin. صدای اسرائیل و مجلات فارسی میگویند و مینویسند اسحاق (اسحق) رابین و نه یتصحک (یتصحق) رابین. همین منبع الیاهو بن الیسار (عضو پارلمان اسرائیل) را الیاس بن الیسار نخواهند کرد؛ ولی به احتمال قوی ایوب بن ساسون را Eyov برای شنوندگان فارسی زبان ایران تلفظ نخواهند کرد - - و ساسون را، بر عکس قاعده ایوب، به صورت Sasson، و نه Sassoon معمول میان یهودیان ایرانی، تلفظ خواهند کرد.

آنچه بیش از همه در نامه ها جنجال بر انگیز مینماید کلمات اسرائیل، اورشلیم، صهیون و تورات است. مردم مؤمن و متعصب تأکید دارند که این واژه ها بصورت ایسرائل (یسرائل)، یروشالاییم، صیون و تورا (توراه) نوشته و قرائت بشوند. صدای اسرائیل به فارسی سه تای اینها را نپذیرفته است وآنها را به صورت معمول در زبان و ادبیات فارسی تلفظ میکند: اسرائیل، اورشلیم، تورات. در مورد صهیون، بیاد دارم که یکی دو بار در روزهای سه شنبه چند سال پیش، گوینده رادیو با نویسنده نامه یک و دو میکرد که باید گفت صیون و نه صهیون! جالب اینست که مانند کلمات موسی، الیاس، اسرائیل و الخ، واژه صهیون، بی چون و چرا، یک واژه صحیح در زبان فارسی و ادبیات این زبان است و از این جهت با کلمات «فارسی شده» یا «عربی شده» دیگر فرقی ندارد. جالب تر از این تأکید خود بنده است که هیچگاه صیون را صهیون تلفظ نمیکنم و نمی نویسم.

سالها پیش، به شکرانه تذکر مرافعه گونه دفاعی صدای اسرائیل با یک شنونده «بیگناه»، به این فکر افتادم که واژه صهیون دارد تدریجاً جامه اهانت میپوشد - - درست مانند واژه جهود که یک واژه گویشی (ایرانی) معادل یهود بود و در گذشته دور هیچگونه اهانتی محسوب نمیشد. از اینکه نگارنده و تعداد بیشماری از همکیشان، ناخود آگاه یا آگاهانه، واژه صهیون را بکار نمیبریم میرساند که ما ناظر روند تاریخی تغییر ماهیت دادن یکی دیگر از واژه ها در تاریخ یهود ایران هستیم.

مسأله دیگر، که باید در بارهٔ آن مقاله ای جدا گانه نوشت، موضوع قرائت تورات در میان فارسی زبانان است. باوجودیکه در زبان فارسی دو حرف ح، ق در مقابل ח , ק قرار گرفته اند، فارسی زبانان آنها را مانند اشکنازیها خ، ک تلفظ میکنند. بدیهی است چنین تلفظی موجد اشتباهاتی ست که در شأن و قدوسیت کتاب مقدس ما نیست. افسوس که تلفظ صحیح ג רפויה بصورت غ معمول در میان پدران ما رفته رفته از میان میرود. اینجاست که وقتی با جناب حاخام یدیدیا شوفط و یا آقای الیاهو قدسیان عبری صحبت میکنم از تلفظ سنتی عبری آنان لذت میبرم.

نوشته: الن فیلیر

کبالا و مکتب یونگ

در جستجوی رابطه کبالا و مکتب فکری یونگ

پاییز امسال، دکتر شیمون شوکک با همکاری کسی که بر اساس تفکرات روانشناسی کارل یونگ تعلیم دیده است، در دانشگاه عبری بالتیمور دوره جدیدی را درباره عرفان یهود بر مبنای قیاس این دو دید تدریس خواهد نمود. وی عقیده دارد که در خط اول یک «انقلاب» قرار دارد.

«کوشش من به این خواهد بود که موارد حساس یهودیت را در هزار سال گذشته بگیرم و به یک نقطه دیدار و تماس برسم». دکتر شوکک که استادیار فلسفه یهود و عرفان در این دانشگاه می‌باشد، می‌خواهد بداند که آیا تضاد و یا تفاهم در میان این دو نحوه تفکر وجود دارد یا نه.

این کلاس که «اسطوره و سمبولیسم کبالا و روانشناسی تحلیلی یونگ» نام دارد با همکاری دکتر مارک کامراد که در دانشکده پزشکی دانشگاه جان هایکینز روانشناسی تدریس می‌کند اداره خواهد شد.

دکتر شوکک عقیده دارد، «عارفان مانند کسانی که در رشته روانشناسی هستند بسیار به جهانی بودن اعتقاد دارند، چرا که هیچ پدیده‌ای را اتفاقی تلقی نمی‌نمایند. مراحل کشمکش و یک جنگجوی تفکر شدن است که نحوه تفکر را به دنیا می‌آورد. دکتر کامراد عقیده دارد که «یونگ» (روانشناس معروف سوئیسی) تحت تأثیر تجربیات مذهبی قرار گرفته و به آن‌ها، مخصوصاً به تجربیات عرفانی، سمبولیسم مذهبی و ادبیات احترام می‌گذاشت. یونگ احساس می‌کرد که توسط نوشتارهای مذهبی و اسطوره‌های آن، می‌توان روش کار کرد روح را کشف نمود هم به صورت فردی و هم به صورت جمعی».

«وقتی راجع به روانشناسی صحبت می‌کنید» یعنی راجع به تجربه حرف می‌زنید». اما پس از مرگ این استاد بزرگ در سال ۱۹۸۱ بنا به عقیده دکتر شوکک، بسیاری از شاگردانش جرئت کردند که یهودیت را به عنوان یک دین تجربی و نه یک دین ایدئولوژیک و روشنفکرانه، مطالعه نمایند. می‌توان به ادبیات کبالا نه از هر نقطه نظر روشنفکرانه بلکه به عنوان زبانی یا وسیله‌ای که به مردم در طول قرن‌ها یاد داد که چگونه با خودشان و یا دیگران، با جهان و یا خدا رابطه برقرار نمایند.

چاپ این نوشتار در تأیید و یا رد هیچ کلاس کبالای موجود نمی‌باشد.

نقش یک یهودی در تحولات آفریقای جنوبی



به کلاسی دربارهٔ کبالا رفته بودم و موضوع بحث به نقش یهودیان در دنیا و فرق یهودیان و غیر یهودیان کشیده شد. سخنگو، بعد از اشاره به استعدادهای ویژه و نهانی یهودیان برای بهتر کردن دنیا، به این نکته اشاره کرد که یهودیان بهتر از بقیه قادر به ثمر رساندن کوشش‌های خود هستند. ولی واقعیت و نتیجه‌های این برتری را می‌شود از دیدگاههای مختلفی نگاه کرد. بعضی از این کوشش‌ها و اقدامات باعث نتیجه‌های مثبت برای قوممان و کشورمان ایسرائل شده و بعضی دیگر نتیجه‌های منفی داشته است. برای مثال، قوم یهود برجسته‌ترین دانشمندان و عالمان از جمله انیشتن، نیوتون، و فروید را به دنیا ارائه کرده است که فهم و دانش دنیا را بیشتر از هر ملت و مردمان دیگری گسترده‌اند. و آن خود اثرهای خیلی مثبتی بر یهودیت و یهودیان در دیدگاه جهانیان داشته است. و همچنین فیلسوفانی مانند مارکس را هم دارا بوده که نتیجه کار آنان بدبختانه در انتها به خاموشی و کشتار یهودیان انجامیده است.

ولی بدون تردید می‌توان گفت که هر یهودی باید از خاموشی و بی تفاوتی اجتناب کرده و سعی کند در چرخش این دنیا سهمی داشته باشد. به گفتهٔ دنیس پرگر هیچ چیز غمناک تر از این نیست که یک یهودی فکر کند چیزی برای گفتن به دنیای خود ندارد. داستان زیر که در Jerusalem Report به چاپ رسیده نقل از یک یهودی است که در تحولات آفریقای جنوبی نقش بزرگی داشته است. اقدامات این یهودی نمایانگر رُل یهودیان در تحولات جهان و همچنین دلیل بر صحت این استعداد نهانی است. رانی کسریلز یک یهودی ۵۶ ساله است که در جوهانتزبرگ آفریقای جنوبی بزرگ شده و به نامهای رانی قرمز (انقلابی) و مسکیه قرمز هم شناخته می‌شود. این لقبها را کسریلز در عرض ۳۰ سال اخیر در حال فرار و تلاش در برانداختن رژیم از بین رفتهٔ آپارتاید به دست آورده است. به مدت ۵ سال به عنوان رئیس گروه جاسوسی در جناح نظامی African National Congress (ANC) خدمت کرده و برای ۲۷ سال در تبعید، جنگ چریکی را در اردوگاههای روسیهٔ سابق یادگرفته و این آگاهی و دانش را به کمپهای ANC در تانزانیا و آنگولا رواج داد.

امروزه، علاوه بر عضویت در هئیت اجرائیه حزب کمونیست آفریقای جنوبی و در ANC، کسریلز معاون وزیر دفاع آن کشور نیز می‌باشد. جو مودیس (وزیر دفاع آفریقای جنوبی) که کسریلز را به معاونی خود انتخاب کرد، در سال ۱۹۹۲ به او دزدیدن مواد منفجره را از ایستگاههای راه آهن یاد داد. در مراسم سوگند خوردن کسریلز اواخر ماه جون، رئیس جمهور کشور (نلسون مندلا) به او به عنوان یکی از افراد مورد علاقه همیشگی خود اشاره کرد.

کسریلز، نوهٔ یکی از مهاجران لیتوانی، در سال ۱۹۳۸ در آفریقای جنوبی به دنیا آمد. بعد از تحصیلات دانشگاهی، شروع به ساختن فیلمهای تبلیغاتی کرد. ولی بعد از قتل عام صدها نفر سیاه‌پوست در شارپویل در سال ۱۹۶۰ به وسیلهٔ نیروهای امنیتی آفریقای جنوبی، وی داوطلب به کمک به ANC به عنوان یک پیغام آور شد. سپس کسریلز به حزب کمونیست آفریقای جنوبی پیوست و بعد از آن به همراهی مودیس، مندلا، رئیس پیشین ANC (الیور تامبو) و یهودی دیگری به اسم جو اسلوو، که امروز وزیر

خانه سازی کشور است، بنیانگزار جنبش Umkhonto We Sizwe بود.

در اوایل دههٔ ۱۹۶۰، کسریلز اقدام به نصب کردن اعلامیه‌های انقلابی بر دیوارها، بمب گزاری و حمله به هدفهای سوق الجیشی برای برانداختن رژیم آپارتاید دست زد. در سال ۱۹۶۳ مجبور به فرار به تانزانیا و بعد به اُدِسا شد و آن جا به یک گروه ۳۰۰ نفری در یک اردوگاه تعلیماتی که به وسیلهٔ روسها اداره می‌شد پیوست. امروزه کسریلز شدیداً اتهام اداره جاسوسی آفریقای جنوبی که ارتش جمهوریخواه ایرلند (IRA) و گروههای فلسطینی هم از همان اردوگاهها استفاده می‌کرده‌اند را انکار می‌کند.

زندگی در حال گریز کسریلز که قسمتی از آن به همراهی همسرش اِلنور بود. در کتاب او Armed & Dangerous (مُسلح و خطرناک) که در سال ۱۹۹۱ به چاپ رسید، شرح داده شده است. نیروهای جاسوسی آفریقای جنوبی چندین بار تقریباً وی را در سویس به چنگ آوردند کسریلز برای مدتی در لندن زندگی کرد و آن جا اقدام به انتشار چندین کتاب در مورد برتراند راسل (فیلسوف معروف انگلیسی) نمود. در کتابش (مسلح و خطرناک) کسریلز می‌گوید که ANC توانسته بود که به درون مؤسسهٔ امنیتی آفریقای جنوبی رخنه کند و به این طریق می‌توانست نیروهای آفریقای جنوبی را که در سال‌های ۱۹۸۷ و ۸۸ به آنگولا هجوم می‌آوردند سرکوب نماید.

کسریلز می‌گوید: «در جاسوسی، شوخ بودن بسیار لازم است چون که اغتشاش زیاد فکری باعث فشار روحی زیادی روی شخص می‌شود. البته جاسوس باید بتواند فکر دشمن خود را هم بخواند و من فکر کنم توانایی آن را دارم».

در سال ۱۹۹۰، در اثر یک اقدام برای به وجود آوردن اطمینان فیمابین به وسیله دکلارک (نخست وزیر پیشین)، کسریلز به همراهی رؤسای دیگر ANC به آفریقای جنوبی برگشت. در رأی گیری آزاد امسال که برای اولین بار در تاریخ ۸۴ سالهٔ کشور انجام می‌شد، به عنوان رئیس انتخاباتی ANC خدمت کرد.

اگر چه کسریلز می‌گوید که در بچگی یک صیونیست خونگرم و وابسته به تمام جنبشهای صیونیستی از جمله حبونیم و بی‌تار بوده، وی هیچ وقت تمایل به پیوستن به جامعهٔ ۱۶/۰۰۰ نفری یهودیان مهاجر از آفریقای جنوبی در ایسرائل را نداشته است. در عوض، او لازم تر دیده که به کمک سیاه‌پوستان آفریقای جنوبی بشتابد. کشتار شارپویل، به گفتهٔ او، دردناک‌ترین موقعیت زندگی وی بود. کسریلز می‌گوید: «درگیری من در این نزاع به خاطر هیجانش نبود، بلکه می‌خواستم راهی برای کمک پیدا کنم».

با این همه، روابط آفریقای جنوبی با کشور ایسرائل بعد از سقوط آپارتاید زیاد گرم نبوده است. وزیر دفاع جدید (مودیس) سیاست کشور ایسرائل در مناطق اشغال شده را با سیاست آپارتاید یکی خوانده و تهدید کرده بود که دوباره تمام قراردادهای نظامی کشور ایسرائل با رژیم قبلی را مورد بررسی و محاکمه قرار دهد، کسریلز می‌گوید: ANC پشتیبانی کشور ایسرائل از رژیم آپارتاید را همیشه محکوم کرده است. ولی وی اضافه می‌کند، «آن قسمتی از گذشته است. اگر چه سیاست ANC نسبت به کشور ایسرائل عوض نشده، روابط انسانی گرمتری دیده می‌شود».

در مورد اسلحه‌هایی که رژیم قبلی از ایسرائل خریداری کرده و هنوز پول آن را نپرداخته، از جمله بدهی ۸۰۰ میلیون دلاری برای جنگنده‌های Cheetah، کسریلز نظریه‌ای ندارد. ولی قبلاً او گفته است که تمام قراردادها با کشور ایسرائل مورد احترام خواهد بود. از طرف دیگر، کسریلز در گزارشی دیگر گفته بود که اداره جاسوسی موساد ایسرائل چند تن از اتباع آفریقای جنوبی را که به عراق مواد شیمیایی می‌فروخته‌اند به قتل رسانده است. کشور ایسرائل شدیداً این اتهام را انکار کرده است. بر طبق یک منشأ خبری از سفارت ایسرائل، پلیس آفریقای جنوبی که این داستان را به مطبوعات فرستاده بود، حالا می‌گوید که شخصی که این گزارش را داده بوده از کشور خارج شده و مادهٔ شیمیایی گفته شده (جیوهٔ قرمز) نیز اصلاً وجود ندارد. بر اساس گزارشاتی، مودیس به سفیر کبیر ایسرائل (آلن لیل) گفته است که اگر وی در مورد نادرستی این گزارش می‌دانست، هیچوقت در ملاء عام به آن اشاره نمی‌کرد.

کسریلز در خاتمه اضافه می‌کند که وی اخیراً با هیئت نمایندگان یهودیان آفریقای جنوبی ملاقات کرده و به طور مثبت در مورد توسعهٔ روابط با کشور ایسرائل صحبت شده. وی می‌گوید: «یهودیان آفریقای جنوبی به همراهی کشور ایسرائل می‌توانند کمک زیادی به بازسازی و پیشرفت کشورش بکنند.

برگردان از متن اصلی فرانسه : نینا استوار


Professor Elie Wiesel

«شب» NIGHT

درمیان ما زنی بود بنام خانم (SCHACHTER) . یک زن تقریباً پنجاه ساله که در گوشه‌ای کز کرده بود و پسر دهساله‌اش هم بهمراهش بود .

جدایی او را کاملاً از پا درآورده بود . او اغلب منزل ما میامد و من او را خوب می شناختم . خانم (SCHACHTER) زن آرامی بود با چشمانی نافذ و نگاهی گرم . شوهرش مرد خداپرست و مذهبی بود که صبح تا شب وقتش را در دارالعلوم می گذراند و این زن او بود که کار میکرد تا شکم بچه‌هایش را سیر کند .

خانم (SCHACHTER) عقلش را از دست داده و از همان روزهای اول مسافرت شروع به ناله کرده بود ، که چرا او را از شوهر و فرزندان جدا کرده‌اند و فریادهایش کم کم حالت جنون بخود میگرفت .

شب سوم مسافرت درحالیکه عده‌ای بصورت ایستاده و عده‌ای هم نشسته درکنار هم چرت میزدیم . ناگهان فریاد برنده‌ای سکوت را شکست اوه ! آتش . دارم آتش را می بینم . آتش می‌بینم. یک لحظه پر وحشت گذشت . چه کسی فریاد برآورده بود ؟

در وسط واگن ، در روشنایی رنگ پریده‌ای که از پنجره به درون میامد خانم (SCHACHTER) مثل درخت خشکیده‌ای که درمیان مزرعه گندم باشد ایستاده بود و با دستش پنجره را نشان میداد و هوار میکشید : نگاه کنید ، آنجارانگاه کنید ، آن آتش مهیب را ببینید ، خدایا خودت رحم کن .

مردم بطرف نرده ها هجوم بردند ، اما آنجا جز سکوت شب چیز دیگری نبود . تا مدت درازی تحت تاثیر این بیداری وحشتناک میلرزیدیم و با هرصدای قرچ قرچ چرخ ها بر روی ریل فکر میکردیم ، حالا پرتگاهی دهان باز میکند تا مارابدرون خود بکشد . قادر به پنهان کردن نگرانی خود نبودیم و بهمین دلیل سعی میکردیم خود را دلداری بدهیم - بیچاره دیوانه است .

پارچه نازک و مرطوبی را بالای پیشانی او گذاشته بودند تا آرام شود ، اما او به فریاد کشیدن ادامه میداد ، آتش ، آتش . پسر کوچک او دامن مادرش را چسبیده بود و در حالیکه اشک میریخت سعی میکرد دستهای او را بدست بگیرد - بنشین مادر ، چیزی نیست . چیزی نیست . پسرک بیشتر دلم را بدرد میاورد تا فریادهای مادرش . عده‌ای از زنها سعی میکردند که او را دلداری بدهند ، آرام باشید ، چند روز دیگر شوهر و فرزندانتان را باز خواهید یافت . اما او با صدایی بریده بریده که سکسکه امانش نمیداد فریاد میزد : یهودیان ، گوش کنید آتش می بینم ، چه شعله هایی ، چه منبع هیزمی ، من آن آتش را می بینم .

درست مثل اینکه روح خبیثی در جلد او رفته و از اعماق وجودش حرف میزد و ما نه برای تسلای خاطرمان فقط برای اینکه نفس هایمان جا بیاید و کمی آرام باشیم ، سعی میکردیم مسئله را توجیح کنیم ، بیچاره عجب عطشی دارد برای همین از آتش وجودش حرف میزند . اما فایده‌ای نداشت ، وحشت ما آنچنان بود که میتوانست نرده‌های آهنی را متلاشی کند - اعصابمان کاملاً خرد شده بود و پوست بدن ، تنمان را میازرد ، طاقتمان تمام شده بود . انگار که جنون داشت مارا هم دربر میگرفت . چند نفر از جوانها بزور خانم (SCHACHTER) را نشانده و او را به میله ها بستند ، همینطور دهانش را با پارچه‌ای !

مجدداً سکوت پا شد ، پسرک نشسته بود و گریه میکرد . صدای چرخ هارا به روی ریل آهنی می شنیدم که آهنگ یکنواخت ترن را در دل شب تنظیم میکرد . نفسم کم کم سرجایش آمد ، باز میشد دوباره چرت بزنیم و خواب ببینم .

یک یا دو ساعتی باین نحو گذشت تا فریاد دوباره‌ای نفس هارا در سینه حبس کرد . خانم (SCHACHTER) بندهارا باز کرده و محکم تر از دفعه پیش فریاد میکشید . آی آتش ، شعله آتش ، همه

جارا آتش گرفته . مجدداً جوانها او را مثل دفعه قبل بستند اما این بار در حالیکه توسط مردم هم تشویق میشدند چند ضربه‌ای به او وارد آوردند .

ساکتش کنید ، بگوئید دهانش را ببندد ، قال قضیه را بکنید ، انگار تنها او ناراحت است . و همه ، ضربه هایی به سر او وارد آوردند ، ضربه هایی که میتوانست کشنده باشد . پسرک بدون اینکه حرفی بزند و یا فریادی برآورد خود را به مادرش آویزان کرده بود .

آن شب را پایانی نبود . نزدیک صبح خانم (SCHACHTER) آرام شده بود . در گوشه‌ای کز کرده و با نگاهی گنگ به خلاء خیره شده بود . او دیگر چیزی نمیدید . خودش درمیان ما ولی وجودش جای دیگری بود . تمام روز را همینطور باقی ماند ، ولی با فرارسیدن شب مجدداً فریادش را از سر گرفت ، «آنجا» ، آنجا آتش گرفته ، و همیشه جای معینی را در فضا نشان میداد . مردم دیگر از کتک زدن خسته شده بودند . گرما ، گرسنگی ، بوهای تعفن آور و مشمئز کننده درهوا داشت مارا خفه میکرد ولی همه اینها درمقابل این فریادهای دلخراش چندان قابل اهمیت نبود . اگر چند روز دیگر باین نحو میگذشت ماهم دست به فریاد میگذاشتیم . اما به ایستگاهی رسیدیم . آنهایی که کنار پنجره بودند نام ایستگاه راگفتند «آشویتس» AUSCHWITZ ، این اسم تابحال بگوش کسی نخورده بود . قطار دیگر بحرکت درنیامد .

بعدازظهر به کندی گذشت تا اینکه درهای واگن بالاخره باز شدند ، دو نفر از مردها میتوانستند به جستجوی آب بروند و دربازگشت گفتند که درمقابل یک ساعت طلا فهمیده‌اند که اینجا ایستگاه مورد نظر است و مارا پیاده خواهند کرد ، که آنجا اردوگاه کار است و شرایط خوبی دارد ، که اعضاء خانواده را از هم جدا نخواهند کرد ، که فقط جوانها در کارخانه ها بکار خواهند پرداخت و افراد مسن و ناتوان در اردوگاه مشغول خواهند شد . عقربه اطمینان یک دفعه بالا پرید . این یک فراغت خاطر پیش بینی نشده بود ، رهایی از ترس و وحشت شب گذشته . همه شکر خدا را بجای آوردند ، خانم (SCHACHTER) در گوشه‌ای دور از انظار ساکت نشسته بود و توجهی به این خاطرجمعی مردم نداشت . پسرک دستهای مادرش را می مالید .

غروب کم کم فضای واگن را دربر میگرفت ، شروع به خوردن آخرین بازمانده آذوقه هایمان کردیم ، و ساعت ۱۰ شب هر کسی از این دنده به آن دنده میشد تا وضعیت مناسبی برای چرت زدن پیدا کند و کمی بعد همه خواب بودند . اما ناگهان .....

- آتش - آنجا آتش گرفته - آنجارا میگویم .

همه مثل فنر ازجا پریدیم و با شتاب بطرف پنجره رفتیم اما بیرون بجز سیاهی شب چیزی نبود ، این بار هم برای یک آن حرفش را باور کرده بودیم و از این بابت باطناً شرمزده اما ظاهراً از ترس بی اراده قرمز شده بودیم ! ، بالاخره سرجایمان برگشتیم و چون او هنوز فریاد میکشید مشغول زدنش شدیم تا بزحمت موفق شدیم او را ساکت کنیم .

مسئول واگن یک نظامی آلمانی راکه روی سکو راه میرفت صدا کرد وباو گفت امکان دارد که مریض را به واگن بیمارستان منتقل کنیم . و او جواب داد کمی حوصله کنید - صبر داشته باشید بهمین زودی ترتیب این کار را خواهیم داد .

ساعت ۱۱ شب ترن به حرکت افتاد همه بطرف پنجره ها هجوم آورده بودند .

قطار آهسته آهسته جلو میرفت و یکربع بعد مجدداً سرعتش راکم کرد . از پنجره سیم های خاردار بچشم میخورد ، فهمیدیم که اینجا اردوگاه است .

وجود خانم (SCHACHTER) را از یاد برده بودیم که ناگهان فریاد وحشتناکی بگوشمان خورد .

مردم نگاه کنید - آتش را ببینید - شعله‌هایش راکه زبانه میکشد نگاه کنید .

و ترن داشت می ایستاد که ما این بار شعله های حقیقی آتش را دیدیم که از کوره‌ای بلند به آسمان سیاهی زبانه میکشید .

خانم (SCHACHTER) خود بخود دست از فریاد کشیدن برداشته و ساکت در گوشه خودش بی تفاوت نشسته بود .

ما به شعله های آتش در دل شب خیره شده بودیم . بوی مشمئزکننده‌ای در هوا موج میزد . در واگن ها بازشد و اشخاص عجیبی که کت راه راه به‌تن و شلوار سیاه بپا داشتند درحالیکه در یک دست چوب دستی و در دست دیگرشان یک چراغ الکتریکی بود بدرون واگن پریده و قبل از فریاد زدن چپ وراست شروع به زدن مردم نمودند .

همگی پایین . هرچه دارید در واگن ها بگذارید و پایین بیایید . زود ، سریع .

و ما پایین پریدیم . من برای آخرین بار نگاهی به خانم (SCHACHTER) کردم . پسرش دستش را دردست گرفته بود .

جلوی ما ، «آن شعله های آتش» ، زبانه میکشید . و در هوا بوی گوشت سوخته و کباب شده به مشام میرسید . ساعت حدود ۱۲ شب بود ما به (BIRKENAU) رسیده بودیم .

اشیاء گرانبهایی که با زحمت با خود تا به اینجا آورده بودیم

در واگن ها ماندند . و خیالهای باطل ما هم بهمراه آنها .
درفاصله هردو متر یک افسر (S.S) درحالیکه با مسلسل بطرف ما نشانه میرفت ایستاده بود . و ما دست در دست هم بدنبال جمعیت براه افتادیم . یک درجه دار (S.S) با چوب دست به استقبال ما آمد و فریاد زد :

- زنها بطرف راست ، مردها بطرف چپ .

شش کلمه‌ای که براحتی و با بی تفاوتی و خالی از هرگونه هیجانی بزبان آورده شده بود . شش کلمه آسان و خیلی خلاصه اما همین شش کلمه بود که بین من ومادر و خواهرانم جدایی افکند . هنوز فرصت فکر کردن هم پیدا نکرده بودم که فشار دست پدرم را حس کردم ، ما تنها شده بودیم . در ظرف یک ثانیه مادر و خواهرانم را دیدم که بطرف دست راست میروند زیپورا دست مادرم را گرفته بود و مادرم موهای طلایی او را نوازش میکرد . انگار میخواست او را از گزند هر بلایی حفظ کند . من دور شدن آنهارا دیدم و آنوقت با پدرم و مردهای دیگر براه رفتن خود ادامه دادیم ، و مسلم است که نمیدانستم دراین جا ، و درهمین لحظه مادرم و زیپورا را برای همیشه ترک میکنم . پدر دستم راگرفته بود و من به رفتن ادامه میدادم . در عقب سرمن پیر مردی روی زمین افتاد و جان داد ، در کنار او یک مامور (S.S) هفت تیر را در جلویش قرار میداد . دستهایم بازوی پدر را محکم چسبیده بود فقط یک فکر درسر داشتم - او را گم نکنم ، تنها نمانم .

نظامیان (S.S) دستور دادند - در صف های پنج تایی قرار بگیرید . قلبم فرو ریخت . میبایستی هرطور شده درکنار پدرم قرار بگیرم . - آهای پسر ، چند سال داری - یکی از آن زندانی ها بود که مرا مواخذه میکرد . صورتش را نمی دیدم اما صدای خسته و گرمی داشت .

- هنوز ۱۵ سالم تمام نشده .

- نه ۱۸ سال داری .

- خیر ، ۱۵ سال .

- پسره احمق ، هرچه من میگویم همان است . و سپس از پدرم هم همین سئوال راکرد و پدر جواب داد .

- ۵۰ سال .

و او عصبانی تراز دفعه پیش ادامه داد .

- خیر - ۴۰ سال ، فهمیدید . تو ۱۸ سال و تو ۴۰ سال و درتاریکی شب گم شد .

یکی دیگر آمد . این یکی توپش پر بود .

- پدر سگ ها ، چرا آمدید ؟ ها ؟ برای چه آمدید .

یک نفر بخود اجازه داد که جوابش را بدهد .

- چه خیال میکنید ؟ که برای تفریح آمده‌ایم ؟ مگر ما خواسته‌ایم بیائیم ؟کمی بیشتر حرف میزد طرف او راکشته بود .

- ساکت شو . بچه خوک کثیف وگرنه همانجا که هستی ترا زیر لگد له میکنم . میبایستی همانجاکه بودید شمارا میکشتند بجای اینکه باینجا بیاورند . پس نمیدانستید که در آشویتس چه میگذرد ها ؟ ، آنهم در سال ۱۹۴۴ - خبر نداشتید نه ؟

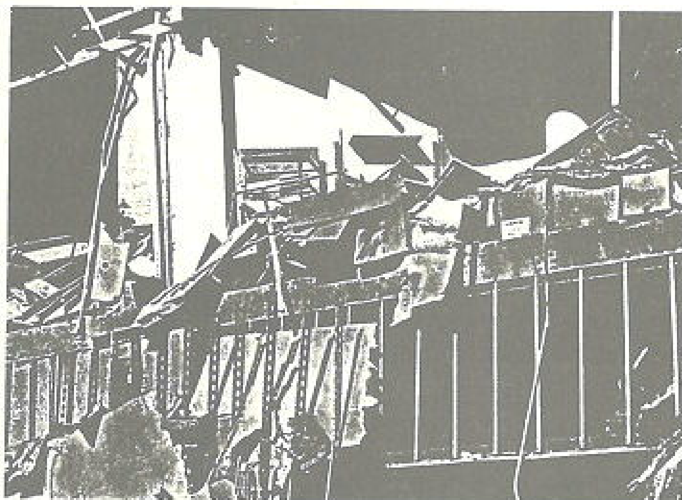
- نه ، ما چیزی نمیدانستیم .کسی حرفی بما نزده بود . اما باورش نمیشد و لحن صحبتش هر لحظه خشن تر میشد .

دنباله دارد

کارشناسان خبره دریافت غرامت زلزله



چنانچه خانه شما در زلزله اخیر آسیب دیده و بیمه زلزله دارید و حتی شرکت بیمه غرامت شما را پرداخته است ما میتوانیم به شما کمک کنیم تا غرامت بیشتری دریافت کنید .



خدمات ما

- **تهیه برآورد قیمت خسارات**
- **تعبیر و تفسیر مواد بیمه نامه**
- **کمک و مساعدت در حذف و یا تقلیل دِداکتیبل**
- **مذاکره با شرکت بیمه برای احقاق حقوق قانونی شما**

* در ظرف چند ماه گذشته ما با شرکتهای معتبر بیمه از قبیل , ***FARMERS , STATE FARM*** ***ALL STATE*** و ***20TH CENTURY*** در مورد دهها خانه آسیب دیده به توافق رسیده و در اکثر موارد ۱۰۰٪ وجه بیمه را برای موکلین خود دریافت کرده‌ایم .

* دفتر ما با همکاری چندین **آرشیتکت و مهندس محاسب و مقاطعه کار و وکیل** که همگی دارای لیسانس معتبر از ایالت کالیفرنیا میباشند ، تیمی موفق و کارآزموده تشکیل داده‌اند تا بتوانند حقوق قانونی موکلین خود را حفظ کنند .

لطفاً با آقای **ژوبین صفایی** در شرکت ساختمانی ***CALTEC*** تماس بگیرید .

تاهنگام دریافت غرامت وجهی دریافت نخواهد شد

ایرج وداریوش صفایی آرشیتکت

CALTEC CONSTRUCTION COMPANY

2932 Wilshire Blvd., #210 Santa Monica, CA 90403

PLEASE CALL (310) 453-3335



اقلیت‌ها در کنفدراسیون

مقدمه

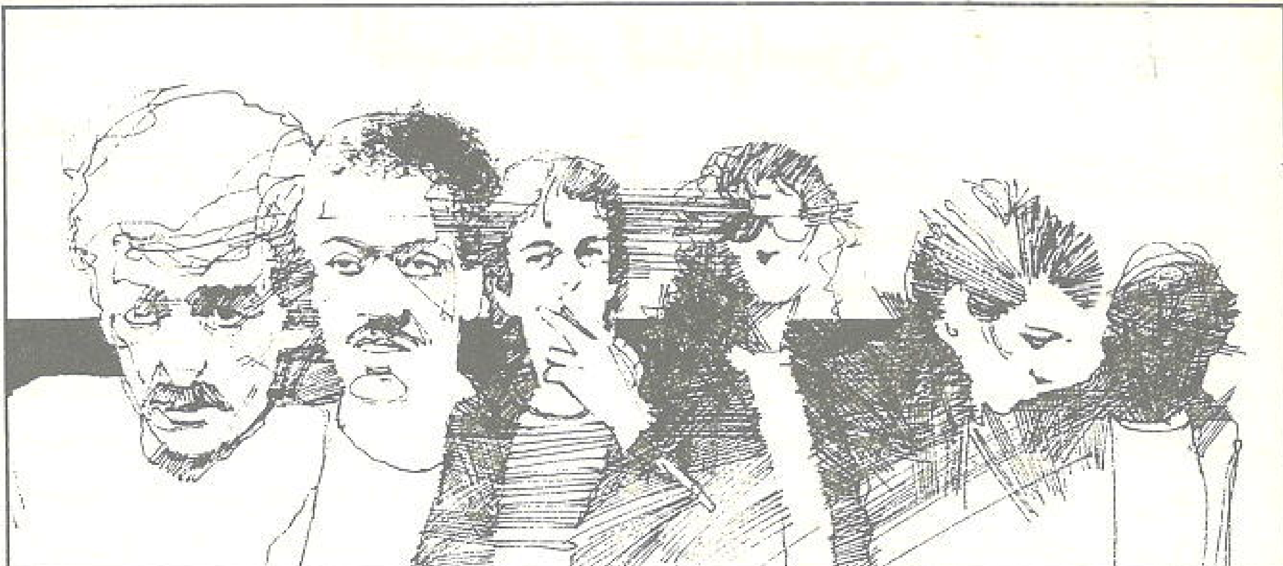
نوشتهٔ زیر از کتابی تحت عنوان «نسل عصیانگر» که هم اکنون در دست تحریر می‌باشد انتخاب گردیده است. کتاب مزبور در قالب خاطرات یکی از شرکت کنندگان در نهضت انقلابی سالهای ۴۲ - ۵۷، شامل تجربیات نویسنده و مشاهدات عینی وی از جوانب گوناگون آن و همچنین مشخصات و روحیات برخی از اعضای فعال این جنبش می‌باشد. بخشی از کتاب نکات باریکی از خصوصیات کنفدراسیون جهانی دانشجویان ایرانی در خارج کشور را بررسی می‌کند که در اینجا قسمت مربوط به شرکت اقلیتهای مذهبی را از آن استخراج نموده و در دسترس خوانندگان قرار می‌دهیم. انتشار این نوشته در چشم انداز به هیچ وجه به معنای تأیید مواضع و تحلیل‌های نویسنده نیست و از دیدگاه ما، تنها روشنگر تفکر و عمل برخی از یهودیان در درون جنبش انقلابی ایران آن روزگار می‌باشد. بخش عمدهٔ کتاب مذکور دنبالهٔ خاطرات نویسنده طی یازده سال اسارت در زندانها و اردوگاههای اسرای جنگی ایرانی در عراق است.

...فرهاد جوانی یهودی بود که پس از قریب دو سال بحث و جدل و مطالعه به کنفدراسیون و جناح چپ آن جلب شده بود. او در حالی که جزو بهترین دانشجویان دانشگاه بود به سرعت در درون سازمان دانشجویان ایرانی وابسته به کنفدراسیون ترقی نمود و به مدت چندین سال در هیئت دبیران عهده دار مسئولیت روابط بین المللی، یعنی تماس با گروه ها و نیروهای انقلابی سایر کشورها گردید. فرهاد حضور محسوسی در کلیهٔ ارکان جنبش دانشجوئی داشت و تأثیر فراوانی بر محیط اطراف خود می‌گذاشت و به ویژه «اقلیت» بودن او برای بسیاری جالب توجه قرار می‌گرفت و ذهن کنجکاو تازه واردین به جنبش را بر می‌انگیخت. مسئلهٔ پیوستن تعداد قابل توجهی از روشنفکران اقلیتهای مذهبی به کنفدراسیون خود نشان دهندهٔ خصوصیت فراگیری این جنبش و مبرّا بودن نسبی آن از تعصّبات و آلوده‌گی‌های فرهنگی سنّتی جامعه ایران بوده است.

یکی از تحوّلات چشمگیر جامعهٔ ایران در دوران پهلوی، ایجاد امکانات وسیع برای اختلاط اقلیتهای مذهبی و مسلمانان بود. اختلاط در محلّات و همسایگی‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها، ارتش و بسیاری از مشاغل و فعالیتهای اجتماعی دیوارهای قانونی و مرئی گذشته را در هم شکسته و امکان حصول شناخت از یکدیگر را در میان مذاهب مختلف و گاه متضاد فراهم آورده بود. اما هنوز در هیچیک از محیطهای فوق امکان شناخت و اختلاط بحدّ کافی نمی‌توانست وجود داشته باشد. در محلّات و مدارس، وابستگی های مستحکم خانوادگی و «قبیله‌ای»، آداب و سنن مذهبی گوناگون و مقرّرات حلال و حرام و نجاست و طهارت خواّص تاریخی خویش را بروز داده و رفت و آمد و ارتباطات نزدیک را سدّ می‌نمود. در دانشگاهها و ارتش نیز علیرغم عدم وجود کنترل روزمرّهٔ نسلی و خانوادگی، دوستی‌ها و ارتباطات به واسطهٔ بقا و سیطرهٔ رسوم مذهبی و به ویژه توسعهٔ جنبش اسلامی در این مؤسسات در دوران محمد رضا شاه محدود بوده و اقلیتها معمولاً به صورت گروه‌های کوچکی در میان اکثریت مسلمان زندگی و فعالیت می‌کردند و روابط خویش را عمدتاً به هم نوعان یا هم کیشان خود محدود می‌ساختند. دیوارهای نامرئی هنوز جامعه را به حجره‌ها و سلولهای ملی، مذهبی و فرقه‌ای منقسم می‌ساخت.

اما در خارج کشور بخصوص در میان دانشجویان، مسئله صورت دیگری به خود می‌گرفت. در آن جا انتقال افکار کهنه و تعصّبات مذهبی و نژادی، از نسل قدیم به نسل جدید ممکن نبود و در شرایط عدم وجود مراکز اسلامی در آن روزگار معیار اصلی دوستی و ارتباط مابین ایرانیان همان ایرانی بودن بود و بس. در چنین محیطی جوانان فرصت می‌یافتند که نه تنها ارزشهای جامعهٔ ایران بلکه ارزش‌های خانواده‌گی و فردی خویش را مورد بررسی و انتقاد قرار دهند و آن‌ها را دگرگون سازند. آنان می‌توانستند که به قول معروف از «خویشتن خویش» بگریزند، بی آن که مورد حملهٔ فرهنگی و اخلاقی و مغزشوئی دائمی جامعهٔ سنّتی قرار گیرند.

در این میان، کنفدراسیون و بالاخص بخش چپ گرای آن که اساساً غیر مذهبی بود فرصت بی نظیری را برای طرح علنی مشکلات از جمله ستمهای مذهبی و ملّی مهیّا می‌نمود. مسائلی مانند



سلب آزادیها و حقوق اجتماعی از اقلیتها، تحقیر فرهنگی آنان به صُوَرِ گوناگون از جمله «لطیفه»ها و جوک‌های سرکوب کنندهٔ اقلیتهای مذهبی و قومی بکرّات مطرح می‌گردید. اقلیتها در محیط کنفدراسیون فرصت ارائه و طرح مظلومیت تاریخی و درد دلهای خویش را پیدا می‌کردند و «اکثریت» نیز فرصت شنیدن و یا در مواردی فرصت تغییر عقاید خویش را پیدا می‌نمود. البته طرح چنین مسائلی همواره آرام و بدون مقاومت صورت نمی‌پذیرفت، لیکن صِف مبارزه برای قبولاندن مسائل به یکدیگر، اذهان بسیاری را متحول می‌ساخت.

در میان اقلیت‌های مذهبی یهودیان و ارامنه حضور چشمگیری در کنفدراسیون داشتند. بهائیان تنها به صورت استثنائی و اغلب موقتی در جنبش دانشجوئی شرکت می‌کردند. ممنوعیت شدید خود بهائیان در مورد شرکت در سیاست، اعتقادات مذهبی بسیار قوی و تعصب آمیز اکثر بهائیان و به ویژه فعالیت منظم و دائمی تشکیلات آنان باعث گردیده بود که به طور قطعی جوانان بهائی در خارج از مدار جنبش سیاسی ایران نگاه داشته شوند. البته تعصبّات و احساسات شدید ضد بهائی در میان روشنفکران ایرانی و اعتقاداتی از جمله نسبت دادن «انگلیسی» به مذهب بهائیت جایی برای این هموطنان در جنبش انقلابی باقی نمی‌گذاشت و حتی بهائیان محیط را بیش از پیش دل‌آزرده و دل کنده می‌ساخت. به دلیل تاریخ و سنت مبارزاتی چشمگیر در جنبش مشروطه و شرکت وسیع در حزب توده سالهای ۲۰ و ۳۰، ارامنه همواره برخوردی علنی‌تر و با جرأت تری داشتند، امّا به علت وجود محافل و تشکیلات وسیع ارامنهٔ آمریکائی، زبان مستقل و معمول خود و اصولاً جدائی زیاد فرهنگی با مسلمانان، اکثر روشنفکران ارمنی به مسائل متعدد خودشان جلب شده و در نتیجه در مقیاس کوچکتری در جنبش سیاسی ایرانی خارج از کشور فعالیت می‌نمودند، در حالی که یهودیان به نسبتِ چندین برابر در صد جمعیت خود در این جنبش شرکت داشتند.

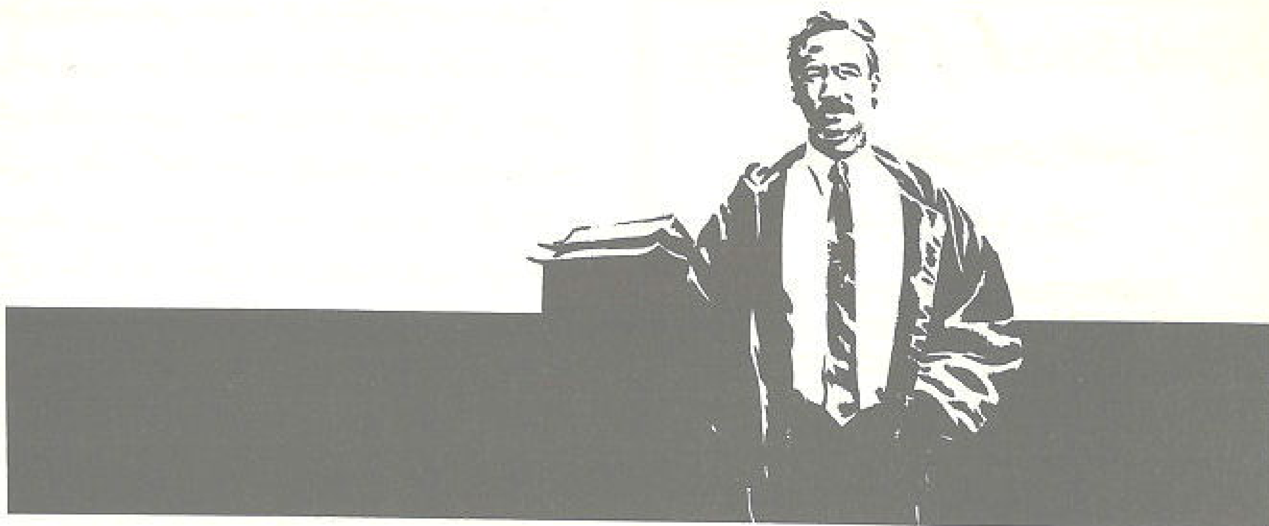
یهودیان، همانند سایر اقلیتهای مذهبی، در دوران‌های مختلف تاریخ ایران تحت فشارها و ستم های گوناگون قرار داشتند. به ویژه در زمان‌هایی که حکومت‌های مذهبی شیعه بر کشور مسلّط بوده‌اند، مانند بخش عمدهٔ دوران حکومت‌های سلسلهٔ صفویه و قاجاریه که یهودیان به وضع وخیمی دچار گردیده‌اند. محدودیت‌های شدید قانونی در حقوق فردی، اجتماعی و اقتصادی، تاراج اموال و کشتارهای گهگاه محلّات و سکنهٔ یهودی شهرها، اجبار به تغییر مذهب و مظالم دیگر این اقلّیت را نه تنها از حکم رانان ظالم، بلکه از مردم عادی که عاملین اجرای سیاستها و مطامع سلاطین و روحانیون جبار بوده‌اند نیز دور نموده و نسل بعد از نسل آنان را به صورت مردمی در محاصره و در معرض خطر دائمی و هر روزه پرورش می‌داد. با نزدیک شدن پادشاهان ایران به قدرت‌های مسیحی یا مسیحی-یهودی غرب مانند فرانسه، انگلیس و سپس آمریکا و تحت فشار آنان، وضع زندگی و حقوق اجتماعی اقلیتها به تدریج بهبود یافت، زیرا اقلیتها که در برابر ستمهای حکومتی و

شرعی هیچگونه پناهی نداشتند با طرح شکایات خود به دولتهای قدرتمند غربی و فشار این دولتها بر حکومتهای مرکزی و محلی ایرانی جان و مال خویش را نجات می‌دادند. چنین حرکاتی در جهان کنونی در قالب شکایات مخالفین رژیم‌های بی قانون و جبار به کشورهای غربی و مجامع بین المللی امری عادی و محّق تلقی می‌گردد. حال آن‌که در طول تاریخ در میان ملت‌هایی که هیچ گونه حقوق فردی و اجتماعی برای اقلیتهای قومی و مذهبی خود قایل نبوده‌اند، حمل بر بیگانه پرستی گردیده و گاه دشمنی دیرپائی را موجب می‌گردید.

این روند از اواخر سلطنت ناصرالدین شاه آغاز و با اُفت و خیزهائی ادامه یافت. امّا آن چه کیفیتاً اوضاع را متحّول نمود و اقلیت‌ها را اگر نه از نظر گاه مردم بلکه از دیدگاه قانون به مشابه انسان‌هائی با حقوق اجتماعی و فردی به رسمیت شناخت، انقلاب مشروطه و امواج روشنفکری، نوگرائی و آزادی خواهانهٔ ناشی از آن و همچنین آن گرایش وسیع ضد آخوندی بود که در جریان آن انقلاب شکل گرفته و ادامه یافت.

رژیم پهلوی، رژیمی اساساً غیر مذهبی و نوگرا به حساب می‌آمد و بخصوص در دوران رضا شاه و نیمهٔ دوم محمد رضا شاه تضاد عمیقی با روحانیون نیز بروز می‌داد. در بستر پیشرفت‌های صنعتی و ارتباطی ایران، توسعهٔ تجارت خارجی و حذف بخش عمدهٔ سدهای پیشرفت فردی و موانع شرعی، اقلیت‌های مذهبی توانستند موقعیت خویش را به نحو بی سابقه‌ای بهبود بخشند و به درون طبقات متوسط و بالای جامعه رسوخ نمایند. به زودی، دانشگاه‌ها، تجارت خانه‌ها، مشاغل پزشکی، مهندسی و علمی، و صنایع کوچک و بزرگ از نخبهٔ این اقلیتها انباشته و یا بابتکار آنان تأسیس گردید. اقلیتها اگر چه از نظر معدل ثروت و نفوذ و قدرت سیاسی قابل مقایسه با مسلمانان نبودند، امّا به نسبت تعداد قلیل خود موقعیت‌های محیرالعقولی را در ایران به دست آوردند.

از سوی دیگر، جامعهٔ اکثریت علیرغم عادت نمودن تدریجی و دشوار به مساوات با غیر مسلمین هنوز نظر خوشی نسبت به این مسئله نداشت. رشد جنبش مذهبی در میان مسلمانان در دوران محمد رضا شاه و اثرات محسوس آن بر جامعهٔ غیر مسلمین، اقلیتها را کماکان در وضعی لرزان و برزخی نگاه می‌داشت و هیچکس نمی‌توانست به ادامهٔ مسالمت آمیز این تساوی حقوق و غیر شرعی اعتمادی داشته



باشد. نیروهای مخالف رژیم و به ویژه جناح مذهبی آن، به منظور فرسایش محبوبیت شاه در میان مسلمانان، از نگرانی آنان نسبت به تساوی با غیر مسلمین و رشد اقلیتها هم در جامعه استفاده نموده و با تکیهٔ دائمی به نزدیکی یا حسن نظر شاه نسبت به یهودیان، بهائیان و اسرائیل، و همچنین سرمایه داران آمریکائی که از قضا تعدادی یهودی نیز بین آنان یافت می‌شدند، مسلمانان را به دامان خویش پناهنده می‌ساختند.

نطق‌ها و نوشتجات آیت الله خمینی و نهضت آزادی در دوران سال‌های ۳۹-۴۲ بیش از آن که مسائل سیاسی واقعی را مطرح کنند، مسئلهٔ یهودیان، بهائیان و اسرائیل را در برابر گوش‌ها و چشم‌های مردم قرار می‌دادند. طبیعتاً جنبش نوین انقلابی ایران که تماماً از درون جوانان عصیانگر و پر انرژی آن سالها در آمده و جواز افراطی بودن خویش را نیز از کشتار ۱۵ خرداد ۴۲ کسب نموده بود، هر چند ارثیهٔ اصلاح طلبی و مبارزات مسالمت آمیز را از نسل قبل نپذیرفت، امّا اخلاق و عقاید «اکثریت پرستی» و اسلام گرایانه را بدون اینکه خود واقف باشد در تاروپود «ژن‌های عقیدتی» خود حمل می‌نمود. بعدها، روند انقلاب اسلامی و عملکرد رژیم جدید نیز کاملاً روشن ساخت که مسئلهٔ نیروهای مذهبی جنبش، نه آزادی و استقلال، نه آبادی و آبادانی و نه لغو ستم و استثمار اقتصادی بلکه تنها سیطرهٔ آخوندها و قشریون مذهبی بوده است. سیطره‌ای که بر پایهٔ شعارهای مردم فریب بنا شده و کوبیدن اقلیتهای مذهبی، سلب امتیازات اجتماعی آنان و اعمال فشار به منظور اخراج تدریجی آنان از کشور را در مّد نظر داشته است.

اقلیتهای مذهبی پیشرفت‌های تکنولوژیک و صنعتی و توسعهٔ سواد و آموزش را به نفع خود می‌دانستند، زیرا نه تنها موقعیت خویش را در چنان محیطی بهبود می‌بخشیدند بلکه بزعم آنان، جامعه‌ای مرفه و با سواد قاعدتاً از خرافات و افراط مذهبی به تدریج دور شده و امنیت جانی، مالی و بقای خود جامعهٔ اقلیت از تضمین بیشتری برخوردار می‌گردید. اقلیتهای مذهبی به خاطر موقعیت خاص خود در جامعه یعنی محاصرهٔ دائمی فرهنگی، احساس خطر دائمی از تغییر اوضاع و مواجه بودن تاریخی با چهرهٔ دیگر اسلام یعنی تعصّب، تحقیر و استکبار و گاه سرکوب و کشتار، آن شناخت و احساسی که اکثر مسلمانان ایران پس از انقلاب اخیر نسبت به آخوندهای قشری و بنیادگرایان مذهبی کسب کرده‌اند را در همان روزگار داشته‌اند. اما چنین شناختی در شرایط جامعهٔ دوران پهلوی، اقلیت‌ها و بخصوص روشنفکرانشان را نسبت به خرافات و آخوند بازی‌های مذهب خود نیز هوشیار می‌نمود و آنان را در موضعی روشنفکرانه و نوخواهانه قرار می‌داد. از این جهات، اقلیتها در موضعی بسیار مترقی و پیشرو در تکامل مادی جامعه، همراه با پیشروترین اقشار و روشنفکران ایران گام بر می‌داشتند، ولی از آن جاکه اینان از هراس جامعهٔ اکثریت طی چندین نسل بقای خویش را در گرو پناهنده‌گی به قدرت نیروهای بزرگ جهانی یافته بودند، در تضاد با جنبش‌های ضد استعماری مردم و در این اواخر در تضاد با چپ گرایان و «جنبش نوین انقلابی» سالهای ۵۰ قرار می‌گرفتند.

طبیعتاً، اقلیتها نه تنها پیشرفت، بلکه بقای خود را در گرو ادامهٔ رژیم پهلوی می‌پنداشتند. آنان از هراس بر هم خوردن نظم جامعه و



تسلّط احتمالی نیروهای مذهبی یا متظاهر به مذهب، و یا هر نیروی جدیدی که تنفّر از آنان را وسیلهٔ جلب تودهٔ مردم نماید، و سیطرهٔ افکار و عقایدی که اقلیت‌ها را مسّبب تیره بختی قلمداد نماید، تمایلی به مخالفت یا انتقاد از رژیم موجود و ساواک حاضر در صحنه، نشان نمی‌دادند. آن‌ها در واقع میان قطب‌های قدرت از قانونمندی و مصلحت بقای خود تبعّیت می‌کردند و در این کارزار، جوانانشان را نیز از درگیر شدن در فعالیت‌های سیاسی برحذر می‌داشتند. در تاریخ بارها دیده بودند که به خاطر جُرم یک نفر غیر مسلمان، کّل اعضای آن قوم و مذهب کشتار شده یا اخراج گردیده بودند و هرگز مایل نبودند چنین قماری را با محمد رضا شاه بازی کنند، آن هم محمد رضا شاهی که برای آنان تا حدود زیادی حقوق مساوی و امکانات برابر فراهم نموده بود.

فرهاد در چنین اوضاع و احوالی در دامان خانواده‌ای نسبتاً مرفه پرورش یافته بود. مشاهدهٔ تضادهای شدید جامعه و بخصوص انبوه فقرای جنوب شهر و مناطق آلونک نشین پراکنده در سراسر شهر از یک سو و تبلیغ انساندوستی و لزوم یاری به افتاده‌گان و فقرا در درون خانواده، از سوی دیگر احساسات و عواطف بشر دوستانه را در او برانگیخت. اخبار و مشاهدات مربوط به پروژه‌های عمرانی و صنعتی شدن کشور و تبلیغات وسیع در مورد اصلاحات ارضی و رفرم‌های شاهانه در میان جوانان او را نسبت به پیشرفت و آیندهٔ روشن جامعهٔ ایران امیدوار می‌کرد و صنعتی شدن و ارتقاء فرهنگی جامعه را بمثابه راه حل قطعی و عملی پذیرا می‌گشت. فرهاد اهداف و آرزوهای آیندهٔ خویش را در چهار چوب چنین ایرانی طرح ریزی می‌نمود. معاشرت با دوستان و همسایگان مسلمان که اکثراً انسانهائی والا و به غایت با محبت و صادق به شمار می‌رفتند، در این نوجوان، احساسات میهن پرستانه و تعلق به آب و خاک را که طی دو نسل در میان یهودیان رشد بیشتری یافته بود را برمی‌انگیخت و به شدت تعمیق می‌نمود و تولید علاقه برای مطالعهٔ و غور در ادبیات و فرهنگ ایران راه دستیابی به زیبائی‌های کشورش را در برابرش می‌گشود. کشور واقعی فرهاد محیط پر عاطفه و زیبائی بود که اثری از تبعیض و تحقیر و تضاد مذهبی در آن احساس نمی‌شد.

این تصورّات رؤیائی، در شبی از شبهای شلوغ و پر سر و صدای خیابان استانبول در هم شکست.

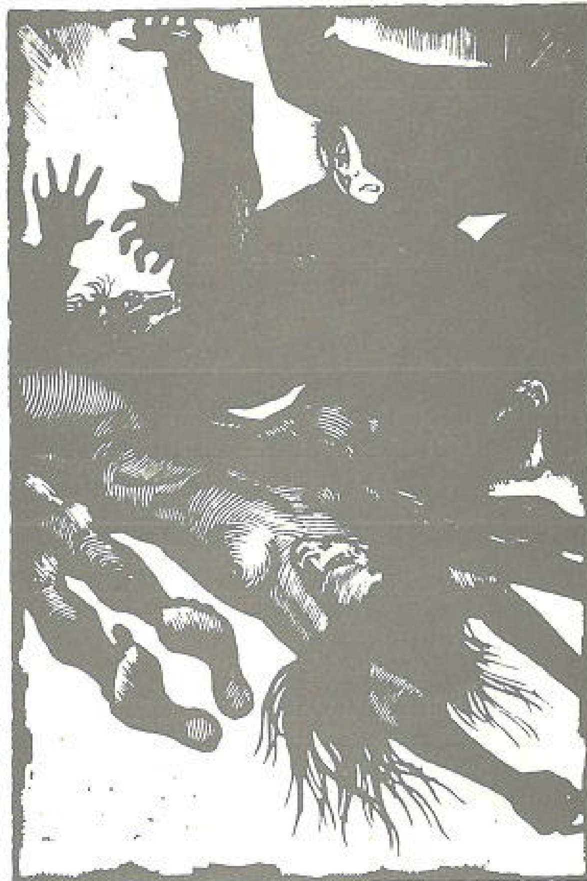
فرهاد به اتفاق پدر و برادرش از بازارچه‌ای بیرون می‌آمدند که متوّجه آتش سوزی بزرگی در آن سوی خیابان شدند. به نظر می‌آمد که ساختمان پلاسکو که در آن زمان با ۱۵ طبقه بمثابه نخستین «آسمان خراش» ایران شناخته می‌شد و توسط کارخانه‌دار معروف یهودی به نام القانیان ساخته شده بود در شعله‌های آتش در حال سوختن است. سیل جمعیت به هزاران نفر بالغ می‌گردید و مردم، گوئی که آتشبازی شب عید را تماشا می‌کنند، غرق در شادی و سرور، شعله‌ها را همانند تیم فوتبال خودی تشویق می‌کردند. فرهاد که نمی‌فهمید چرا کسی باید از سوختن یک ساختمان خوشحال باشد سرانجام از لابلای جمعیت دست در دست پدر به درون تاکسی بدون راننده‌ای کشیده شد. راننده که بیرون تاکسی مشغول تماشا بود از اینکه مسافری می‌خواهد عیش او را منغّص کند به خشم آمد و گفت «آقا بذار تماشا کنیم ، ساختمان جهودها داره

بعداً معلوم شد که آتش سوزی مربوط به ساختمان سینما تهران قدیم بود که جنب ساختمان القائیان قرار داشت، اما امید و آرزوی مردم کوچه و بازار چیز دیگری بود. آتش خشم و نفرت آنان از یهودیان، شعله‌ها را در چشمانشان به ساختمان جنبی و در خیالاتشان به کلیهٔ سمبل‌ها و دست آوردهای این اقلیّت گسترش داده بود.

ترس‌ها شروع شد و تا هفته‌ها، داستان‌ها و خاطرات دهشتناک بازگو شدند. پیر مردها تعریف کردند که در زمان کودکی آن‌ها خانهٔ هیچ یهودی نمی‌توانست بلندتر از خانهٔ مسلمانان باشد یا رنگ آن سفید یا نو باشد، درب خانه‌ها می‌بایست کوتاه‌تر از قد یک انسان ساخته شوند که یهودی موقع خروج به حالت تعظیم به کوچه وارد شود، روزهای بارانی یهودیان حق خروج نداشتند که مبادا بدنشان به حالت خیس به مسلمانی بخورد و او را نجس کند و...جُرم یهودیان این بود که یکی از میان آن‌ها بلندترین ساختمان ایران را ساخته است!

مادرش تعریف کرد که چگونه در زمان جنگ جهانی دوم و در زمان پیشروی ارتش هیتلر تا چند صد کیلومتری مرزهای شمالی ایران، مدیر مدرسه، یهودیان و از جمله او را از دبیرستان اخراج نموده و مردم کوچه و خیابان در بیرون خانه سر تقسیم اموال و اطاقهای منزل آنان پس از ورود ارتش ظفرمند آریائی‌های آلمان به گفتگو و مشاجره می‌پرداختند. بدین ترتیب فرهاد دریافت که یهودی در نظر مردم کوچه و بازار چیست و «قانون بازی» چگونه است.

گذشت سالها مسئلهٔ ضد یهودی گری را در ایران افزایش می‌داد. پیروزی اسرائیل در جنگ شش روزهٔ ۱۹۶۷ احساسات مسلمانان ایران را به شدّت برانگیخت زیرا از یک سو اعراب موفق به نابودی اسرائیل نشده و سرزمین‌های وسیعی را از دست داده بودند و از سوی دیگر شاه ایران حاضر به یاری اعراب نگردیده بود. تنها طریقهٔ عکس العمل به چنین شکست توهین آمیزی، انتقام گیری از یهودیان ایرانی بود. در فاصلهٔ سه سالهٔ پس از ۱۹۶۷ فرهاد شاهد ۴ مورد بمب گذاری در مدرسهٔ خود بود و با پیش آمدن مسابقات فوتبال جام آسیا ناظر بر کتک خوردنهای مفصل دوستان خود بر سر تشویق تیم اسرائیل در برابر مثلاً تیم‌های هنگ کنگ و برمه و بر سر گل‌های زده شده یا نشدهٔ بین ایران و اسرائیل گردید. مشاجرهٔ



کوچکی که بر اثر متلک گوئی یک جوان مسلمان به یک دختر زیبای یهودی در محلهٔ اطراف مدرسهٔ فرهاد اتفاق افتاده بود به تدریج مبدل به لشکرکشی سالیانهٔ دانش آموزان مسلمان به مدرسهٔ فوق و زد و خوردهای گاه شدیدی گردیده بود. این زد و خوردهای سالیانه گاه بیش از پانصد دانش آموز کوچک و بزرگ مسلمان را در برابر پنج یا ده دانش آموز یهودی قرار می‌داد و امیدی هم به خاتمهٔ این رسم نگران کننده نمی‌رفت.

هرموج حملات ضد یهودی، شایعات به مراتب شدیدتری را به دنبال داشت و لرزه بر اندام جامعهٔ یهودیان می‌افکند. به دنبال هرموج تعداد زیادی از یهودیان تصمیم به مهاجرت از ایران و خروج سرمایه‌ها و فرزندان خود می‌گرفتند و میهن پرستی بازماندگان نیز فرسایش بیشتری می‌یافت. در واقع عامل اصلی رشد صیهونیزم در ایران، یعنی آرمان مهاجرت یهودیان به اسرائیل بمثابه یک کشور یهودی، همان مسلمانان افراطی و نظریات مذهبی و نژادی میان مردم بود که هم میهنان یهودی را در پیشگاه تعصّبات موجود قربانی می‌نمود.

در حالی که ترک ایران به نحو روز افزونی مورد توجّه خانواده‌ها قرار می‌گرفت، جوانان که کم و بیش به تساوی حقوق دوران زندگی خود عادت کرده و آن را حق خود می‌دانستند و بخصوص آخرین ذرّات عقدهٔ حقارت در آنان با پیروزی برق آسای جنگ ۶۷ از میان رفته بود آلترنانیوهای دیگری را نیز در مغزهای خود راه می‌دادند. فرهاد به نحوی خود بخودی با همسالان دیگر خود تبادل نظر می‌نمود و در مورد مسائل دست به گریبان به دنبال راه حل می‌گشت. یکی از یاران او به همراه خانواده‌اش در زمان کودکی به همراه سیل یهودیان عراقی از آن کشور اخراج گردیده و به تدریج روحیهٔ ایرانی بودن در او متولد گشته بود اما در نخستین برخورد خویش با رفاه نسبی و آرامش مجدد در جامعهٔ جدید، در زمانی که به منزل جدیدی در منطقهٔ نو بنیاد شهرآرا نقل مکان نموده بودند با ضربهٔ شدید روانی موجه گردیده بود. اهل محل پس از با خبر شدن از یهودی بودن این همسایهٔ جدید، در یک تهاجم دستجمعی منزل آن‌ها را محاصره کرده و به قصد غارت اموال و اخراج آنان از محلّه، با نثار فحش و ناسزا به در هم شکستن درب و پنجرهٔ خانه پرداختند. خانوادهٔ بی پناه، با فرار از منزل و رشوه دادن به پاسبانان منطقه مسئله را فیصله دادند. امّا در نظر این نوجوان تحقیر شده، عکس العملی لازم بود. پس از مدتی راه حل ارضاء کننده این جوان و تعدادی از دوستانش، از جمله فرهاد را گرد هم آورد. این جوانان ۱۴-۱۵ ساله به مدت یک سال به ساختن بمب‌های زمانی تخریبی و آتشی زا مشغول شدند و چندین مورد آن‌ها را در منطقهٔ شهرآرا و عباس آباد منفجر کردند. اینگونه عملیات که نه قابل تبلیغ بود و نه قابل گسترش، تنها عکس العمل خشم این جوانان بود. به تدریج با پی بردن به بی نتیجه بودن کار و خطر برانگیختن خشم و انتقامجوئی جامعهٔ اکثریت، کار بمب گذاری تعطیل شد.

باز، سؤال بزرگ چه باید کرد؟ در ذهن این جوانان مطرح گردید. تحمل تحقیر و عادت به مظلومیت همانند اجدادشان؟ یا ترک قطعی کشور ایران؟ یا راه حلّی دیگر؟ آنچه مسلم بود این بود که نسل جدید دیگر تحمّل سرکوفت خوردنها را نداشت. پس از چشیدن طعم تساوی حقوق و رفاه نسبی، و پس از اعمال قدرت جهانی در جنگ شش روزه، به نظر می‌رسید که بازگشت ممکن نیست.

دنباله در شماره بعد

«اطلاعاتی در مورد انقلاب ارتباطات»

خلاصه شده از نشریات علمی

شاهراههای عظیم اطلاعاتی



به چه درد من می‌خورد؟

شاید کمتر کسی در جامعه ما باشد که دقیقاً از کاربرد شاهراههای عظیم اطلاعاتی و اثر آن در تمام جنبه‌های زندگی اطلاع داشته باشد. بنا بر وظیفه اجتماعی‌ای که احساس می‌کنیم و غیر قابل اجتناب بودن این پدیده نوظهور در بافت اجتماع آینده، این مقاله را چاپ و پخش می‌نماییم.

شاهراه‌های عظیم اطلاعاتی **The Information Super High Way** چیست؟

برای ما چه فایده‌ای دارد و چگونه زندگی ما را تغییر خواهد داد؟

آینده نگری بسیار ساده است: شبکهٔ اطلاعاتی غیر قابل باوری مملکت و در غایت دنیا را به هم وصل خواهد نمود هر کسی را به کسی دیگر ارتباط می‌دهد و هر گونه ارتباط الکترونیکی قابل تصوری را شکل می‌بخشد. شما خواهید توانست توسط کامپیوتر، تلویزیون و تلفن و یا تمام آن‌ها به یک شبکه اطلاعاتی ملحق شوید.

فایده این کار چیست؟ که بتوان کارهای بانکی، خرید منزل، مدرسه و فراگیری درس، پرداخت مالیات، گپ زدن، بازی کردن، کنفرانس تلفنی همراه با تصویر، سفارش ویدئو، تشخیص مرض و...را از راه دور انجام داد.

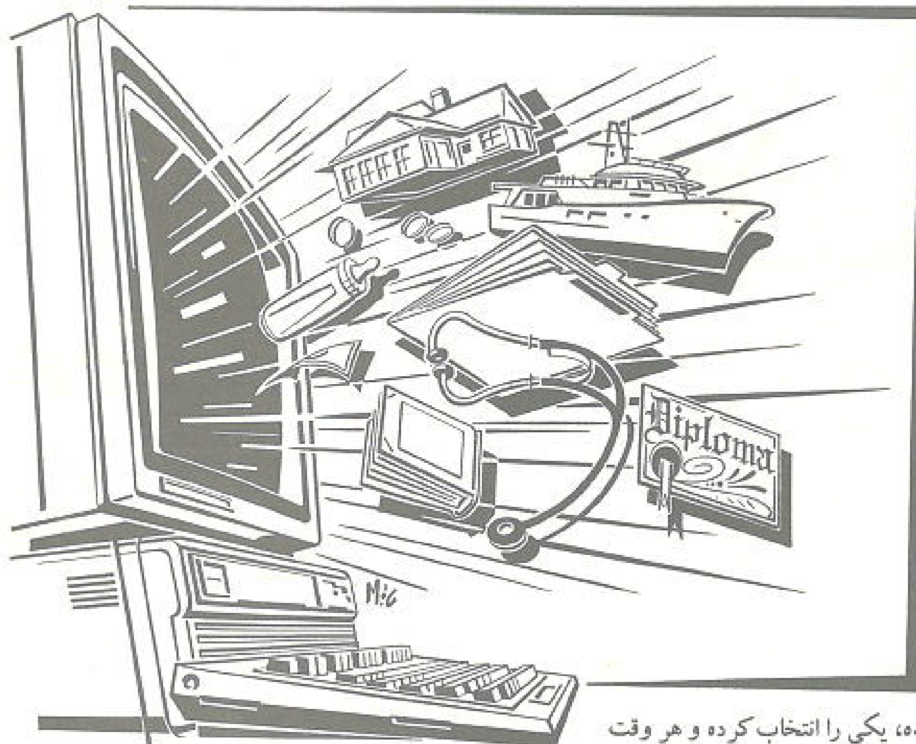
این شاهراه چه کاری برای من انجام خواهد داد و چگونه طرز زندگی مرا تغییر می‌دهد؟

۱ - بگذارید واقع بین باشیم، این کارهایی است که انجام نخواهد داد. خرید از فروشگاه‌ها، رانندگی ماشین، دیدار دوستان، رفتن به سینما و تأتر و بسیاری از کارهای روزمره را از بین نخواهد برد.

ممکن است خیلی از کارهایتان را آسان‌تر و راحت تر بنماید. فیلم‌هایی را که الان از فروشگاه‌های ویدئو می‌گیرید. در تمام مدت ۲۴ ساعت در تلویزیون شما وجود خواهد داشت. کنفرانس از طریق ویدئو، کار در خانه انجام دادن را ساده‌تر و عملی‌تر می‌نماید. و به جای آنکه به تمام دوستانتان، یکی یکی تلفن کنید و بگویید میهمانی به هم خورده، تنها یک پیغام الکترونیک (E Mail) در آن واحد به همه می‌فرستید.

ویدئو، هر وقت که دلتان خواست

در این مورد بسیار صحبت شده و یکی از مشکل‌ترین موارد از نقطه نظر تکنولوژی می‌باشد. از این راه می‌توان مثل یک کتابخانه



یک لیست کامل ویدئوها را دیده، یکی را انتخاب کرده و هر وقت خواستید آن را تماشا کرده و یا به طور موقت متوقف نموده و دوباره تماشا کنید.

خرید از خانه

در نظر بیاورید، «فروشگاه‌های الکترونیک» Electronic Mall با استفاده از دستگاه کنترل راه دور تلویزیون Remote Control به انواع فروشگاه‌ها سر می‌زنید، یا با راهنمای تور از این فروشگاه‌ها دیدن می‌کنید درست مثل اینکه از میان راهروهای این فروشگاه رد می‌شوید و با اشاره به جنس مورد نظر، دوربین روی آن جنس بخصوص تمرکز کرده و اطلاعات بیشتری به شما داده می‌شود. در نهایت یک مدل که شبیه یا بسیار شبیه به اندام شماست از زوایای مختلف لباس را برای شما نمایش خواهد داد. لاری الیسون رئیس کمپانی اوراکل که متخصص نرم افزارهای Data Base می‌باشد، پیش بینی می‌کند که خرید پیراهن از هنگ کنگ توسط شاهراه اطلاعاتی به مراتب آسان‌تر از خرید از Mall محلی خواهد بود. دوزندگان به شما توضیح خواهند داد که چگونه پیراهن دوخته می‌شود و در عرض ۲ روز آن را توسط پست دریافت خواهید کرد.

البته باید در نظر داشته باشید که ممکن است برای راحتی خرید الکترونیکی حق عضویت بپردازید. روزی خواهد رسید که خرید غذایی خود را با استفاده از این تکنولوژی انجام خواهید داد. هم اکنون چنین عملی توسط یک کمپانی خصوصی به نام Peapod از ایالت ایلینویز که فعلاً دارای ۷۰۰۰ مشتری در شیکاگو و Silicon Valley کالیفرنیا می‌باشد، انجام می‌گردد و اعتقاد دارد که استفاده از این خدمات سراسر کشور را خواهد گرفت. این عمل با استفاده از شبکه‌های کامپیوتری، ماشین‌های فکس، تلفن و تلویزیون‌های Interactive (با قدرت برقراری ارتباط دو طرفه) انجام می‌شود.

با استفاده از کامپیوتر و وسیله‌ای که با Data Base این شرکت توسط Modem مرتبط است، خریدار از میان راهروهایی که پر از محصولات غذایی است رد می‌شود و نظر می‌اندازد. سفارشات مشتری در عرض ۹۰ دقیقه پس از سفارش به او تحویل داده می‌شود. قیمت محصولات مشابه قیمت فروشگاه‌های غذایی است و توسط چک، کارت اعتباری یا الکترونیکی می‌توان آن را پرداخت نمود. حق الزحمه این شرکت در شیکاگو ۵ دلار باضافه ۵ در صد قیمت خرید اجناس و در کالیفرنیا فقط ۳۰ دلار در ماه است.

خرج این شاهراه‌ها چقدر است و چه کسی آن را می‌پردازد؟

بر اساس تخمین‌های عاقلانه، حدود فامیلی ۱۰۰۰ دلار برای ساختن زیر بنای ویدئوهایی که قادر به ایجاد ارتباط دو طرفه باشند، خرج خواهد داشت. اگر این رقم را در رقم ۱۰۰ میلیون فامیلی که در آمریکا وجود دارند ضرب کنیم، ۱۰۰ بیلیون دلار برای این کار خرج تخمین زده می‌شود.

مقدار بسیار زیادی تا کنون تعهد شده است. شرکت‌های تلویزیون کیبل (Cable TV.) در نظر دارند مقدار ۳۰ بیلیون دلار در عرض چند سال آینده برای بهتر نمودن سرویس خود خرج نمایند

من چقدر می‌پردازم؟

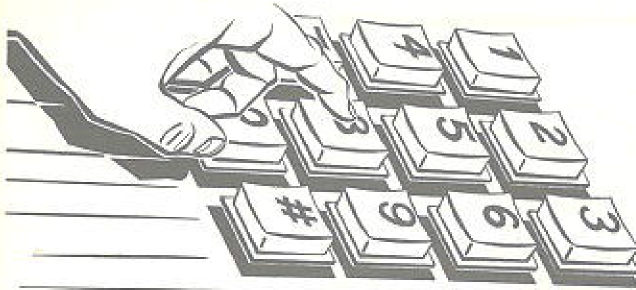
یک حق عضویت ماهیانه به اضافه حق الزحمه استفاده از خدمات و خریدهایی که از این طریق به عمل می‌آید. به نظر نمی‌رسد که این رقم مفت باشد، با این همه شرکت‌های موجود می‌دانند اگر بیش از ۴ دلار برای نمایش یک فیلم سینمایی قیمت بگذارند، شما هم به فروشگاه محلی می‌روید و آن را کرایه می‌کنید.

آیا تلویزیون خودم را باید عوض کنم؟

در نهایت آری، ولی نه در حال حاضر. در عرض چند سال آینده جعبه کیبل باید عوض شود که در حال حاضر قادر به برقراری ارتباط بین شما و تلویزیون نیست. تا زمانی که تلویزیون‌های با تصویر روشن‌تر (HDTV) به بازار نیامده، تلویزیون خود را دور نیاندازید.

چگونه می‌توان در حال حاضر وارد این شبکه اطلاعاتی شد؟

برای وارد شدن به شبکه تلویزیونی که قادر به ایجاد برقراری ارتباط دو طرفه باشد باید چند سال صبر کنید، مگر اینکه در چند شهر زندگی کنید که این کمپانی‌ها در حال آزمایش کردن خدمات خود می‌باشند. چند سیستم پیشرفته در حال حاضر مشغول به کار هستند یا به زودی در شهرهای Cerritos و Castro Valley کالیفرنیا، آلکساندریا در ویرجینیا، اورلاندو در فلوریدا و اوماها در نبراسکا شروع خواهند نمود. در حال حاضر می‌توانید از طریق



شبکه‌های کامپیوتری مثل America On Line یا Prodigy و یا دیگران با داشتن یک کامپیوتر یک Modem و حق عضویت با دیگران رابطه برقرار کنید.

آیا این موضوع به نفع تجارت در آمریکا است؟

کاملاً، در حال حاضر شغل‌های وابسته به اطلاعات در تجارت آمریکا که به صورت روز افزونی از تولید به خدمات در حال تغییر است، افزایش چشمگیری را نشان می‌دهد. یکی از متفکرین مقیم واشنگتن تخمین می‌زند که شاهراه‌های اطلاعاتی ملی، بیش از ۳۲۰ بیلیون دلار بیشتر در سال به تولید سرانه ملی و ۴ دهم در صد به رشد سالیانه بازده کاری کارگر در عرض ۱۶ سال آینده کمک خواهند نمود.

آیا جامعه چه سودی از این پدیده خواهد برد؟

هر فردی قادر خواهد بود به دانش موجود در جهان دسترسی داشته باشد. شاگردان مدارس می‌توانند با کلاس‌ها، معلمین و صاحب نظران حتی در فواصل هزاران مایل دورتر رابطه برقرار کنند. دکترها قادر خواهند بود مریض‌ها را معاینه نموده و پیشرفت بهبودی آنان را از راه دور زیر نظر قرار دهند. به طور مثال یک متخصص در نیویورک می‌تواند مرض یک بیمار را در مناطق دور تشخیص بدهد، بدون آن که فاصله‌ای بیش از یک اطاق تا اطاق دیگر در مطب خود را بپیماید.

مزایای بیمه و بهداشت دولتی الکترونیکی اداره خواهد شد، درست مثل گزارش مالیات بر در آمد. بنابراین چشم انداز آمریکاییهایی که تحصیلکرده‌تر، سالم تر با بازده کاری بهتر و مطلع تر بیش از هر دوره‌ای در تاریخ، وجود ملموس و واقعی‌تر خواهد بود.





شرم بی غذایی

علیرغم تصور عامه، جامعه کوچک ما دارای افرادی است که حتی بضاعت خرید مایحتاج غذایی روزانه خود را ندارند.
این افراد به دلایل بیماری، ترک همسر، شکست اقتصادی یا صرفاً بد روزگار، به این بلا دچارند.
آیا شما از آن‌ها رو برمی‌گردانید؟

دوست عزیزم:

سه سال پیش در خیابان بورلی، در مرکز شهر لس آنجلس، و در ایام عید پسح، کنار محلی که یهودیان معتقدتر ظرف‌های خود را در «میکوه» می‌شویند، خانمی ایرانی را دیدم که سر پایین و سراپا شرم در حالی که اطراف را می‌پایید، از یهودیان آمریکایی گدایی می‌کرد.

دیدن این منظره به خودی خود دردناک است. ولی دردناک تر اینکه این مادر از پسر دوازده ساله خود خواسته بود که این نیاز خانواده‌اش به غذا را برای مردمی که رد می‌شدند به انگلیسی بازگو کند. پسر سرافکنده و غمگین در حالی که دست مادرش در دستش بود می‌گفت: **Sir, we do not have meat for passover** (ما گوشت برای عید پسح نداریم).

«خدایا، فرزندان ما نباید زیر بار این شرم ناخواسته بروند.»

من به کمک مالی شما برای درمان این درد اجتماع نیاز دارم. من نمی‌گویم این کار را به خاطر معافیت مالیاتی که (خواه نا خواه شامل آن خواهید شد) انجام بدهید.

تنها کافی است چشمان خود را برای چند دقیقه ببندید. این پسر نیز چون دیگر همسالان خود آرزوی یک جشن برمیتصوا دارد. آرزوی دیدن چهره خوشبخت خانواده‌اش و خانه‌ای که وقتی از

مدرسه برمی‌گردد، غذای گرم و فضای راحت و آغوش باز مادر خستگی روز را از تنش دور کند.

«همان طوری که فرزندان من و شما، این موهبت الهی را دارند،»

پدر و مادری دارند که دنیا را برایشان می‌خواهند. این پسر شاید تنها رؤیای کوچکی دارد که وقتی دارد دست گدایی مادرش را در خیابان همراهی می‌کند، آشنایی یا احیاناً یکی از هم کلاسی هایش او را نبیند.

«آیا می‌توانیم این رؤیا را در او بکشیم؟»

«این پسرک غذای بی شرم می‌خواهد.»

پدری به سازمان سیامک زنگ زده و می‌گوید که چهار ماه است با خانمش و دختر دوازده ساله‌اش فقط با نان و کره زندگی کرده‌اند. پدر بیماری دشواری دارد که کار نمی‌کند و پولشان در سرمایه گذاری غلطی به باد رفته.

«خدایا، ما پدریم.»

چگونه می‌توان به دختر کوچکمان که از بوی سیب زمینی سرخ کرده، مست شده نگاه کنیم. وقتی می‌گوید سیب زمینی سرخ کرده دوست ندارد و دست ما را می‌کشد و از در رستوران دور می‌کند.

این آدم‌ها حداقل به غذا احتیاج دارند.

شوهری، همسرش را با ۳ فرزند یکباره رها کرده و رفته. ناگهان مادر و دختر ۱۷ ساله‌ای که باید یک دفعه مدرسه را رها کند و به کاری با حداقل مزد و نیمه وقت مشغول کار شود، مسئولیت بار خانواده را بر دوش خود می‌بینند. پسر ۵ ساله این زن - زنی که مثل من و شما از خون و روح و احساس است و بالاتر از همه، مادر است ۴ روز تمام از درد دندان رنج می‌کشد و مادر توان مالی درمان او را ندارد.

«برای خاطر خدا»، مادران ما حاضرند برای یک تب شبانه و یک سر درد یک ساعته فرزندانشان تمام وجود هستی‌شان را بدهند و سلامتی او را ببینند.

«این خانواده غذا و این بچه دوا می‌خواهد.»

از شما خواهش می‌کنم، برای شکرانه داشتن فرزندان سالم و همسر خوب - برای تمام موهبتهایی که خداوند به شما داده - پاداش آخرت - یا فقط به خاطر اینکه قادرید و می‌توانید کمک کنید. یا حتی برای معافیت مالیاتی آخر سال. کمک مالی خودتان را برای این خانواده‌ها بفرستید. این خانواده‌ها وجود دارند. این انسانها قهرمانان داستانی غمناک نیستند، تنها زندگی غمناکی دارند و همراه با خانواده‌های دیگر که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، بدون جلب توجه خانواده‌شان از سازمان سیامک غذا می‌گیرند. به کمک مالی شما نیازمندند. در کنار این نوشته، پاکتی ضمیمه است که حتی احتیاج به تمبر ندارد. کمک مالی خود را همین الان بنویسید و برای ما بفرستید. انسانیت خود را همراه ما و آن‌ها کنید. بگذارید این شرم را از پسرکی که با مادر گدایی می‌کند - از آن پدر بیمار و مادر بی همسر بگیریم. بگذارید ببینند که از آن‌ها روی بر نمی‌گردانیم.

با سپاس

داریوش فاخری

ضمناً برای تشکر از کمک مالی‌تان اگر علاقه‌مند بودید این نشریه را به مدت یک سال برایتان به رایگان ارسال خواهیم نمود.



برگردان: سونیا فریور

نکته‌های کوچک پزشکی



ترمیم ژن و اعتقادات دین یهود

در تلمود آمده است که در آفرینش انسان سه عنصر موجود است: خداوند که نامش متبارک باد، پدر و مادر، پدر باعث به وجود آمدن محتوای سفید که از آن استخوان، ناخن، مغز و سفیده چشم تولید می‌گردد. مادر باعث به وجود آمدن محتوای سرخ که از آن پوست، ماهیچه، مو، سیاهی چشم و خداوند که متبارک باد نام او، نفس، روح، ظاهر صورت، بینایی، شنوایی، گویایی، ترس، حکمت و درک را به انسان هدیه می‌کند (NIDDAH 31 a).

در قرن بیستم و بخصوص در ۲۰ سال گذشته ناگهان پزشکان و متخصصین در پیدایش فرزند از طریق تزریق ژن، انتخاب جنسیت فرزند و ترمیم ژن فعالیتهای بی سابقه‌ای داشته‌اند. آیا این عنصر جدید یعنی تکنولوژی پزشکی در آفرینش فرزند از نظر دین یهود قانونی است؟

National Institute of Health (NIA) ترمیم ژن را به چهار دسته تقسیم می‌کند:

۱ - ترمیم ژن به منظور جلوگیری از بروز امراض: در این روش مغز استخوان مریض را گرفته و ژن مرض مربوطه را تشخیص می‌دهند. سپس ژن سالم به مغز استخوان پیوند داده و مجدداً به بدن بر می‌گردانند. این نوع درمان در حال حاضر در مرحله تحقیق است و امید است که در آینده از این طریق بتوان امراضی مانند Cystic Fibrosis، Hemophilia و بعضی از انواع سرطان را معالجه کرد.

۲ - ترمیم ژن پدر و مادر قبل از به وجود آمدن فرزند: از این طریق در افرادی که سابقه فامیلی بعضی از امراض را دارند قبل از بچه دار شدن سعی می‌شود ژن مخصوص را تشخیص داده و ژن مربوطه را در پدر و مادر ترمیم کرده و در نتیجه ژن مریضی را بچه انتقال داده نمی‌شود. این روش تا به حال در روی موش‌های آزمایشگاه موفقیت آمیز بوده و امید است که در آینده در انسان قابل اجرا باشد.

۳ - ترمیم ژن به منظور زیبایی و برتری ظاهری: در این طریق ژن برتری به منظور تغییر در رنگ چشم و مو و یا قد فرد و به طور کلی برای تغییر شکل ظاهر انسان در بدن انسان کار گذاشته می‌شود. به نظر می‌رسد که تحقیق در این زمینه کامل شده ولی به دلایل اخلاقی و پزشکی اجازه استفاده داده نشده است.

۴ - ترمیم ژن برای بهبود اخلاق و روحیه و قدرت هوش افراد است: این تحقیقات فعلاً در مرحله تئوری است ژن‌های متعددی این خصوصیات را تحت کنترل دارند، این تحقیقات ممکن است

سال‌های سال ادامه پیدا کند.

در حالی که فقط نوع اول ترمیم ژن در حال حاضر مورد اجرا است و سه نوع دیگر بیشتر در مرحله تئوری و یا تحقیق است، بزرگان معاصر دین یهود عقیده دارند که قانونی بودن این اعمال از نظر دین یهود بایستی از هم اکنون مورد بحث قرار بگیرد.

با امکانات وسیعی که در رشته ژنتیک در آینده به وجود خواهد آمد وظیفهٔ هر انسان است که یک «پلیس اخلاقی» باشد و نتایج عمل را بسنجد.

به نظر می‌رسد ترمیم ژن برای جلوگیری از امراض هیچ گونه مغایرتی با دین یهود ندارد در بسیاری از گفته‌های یهودیت بحث فراوان در مورد جلوگیری از انتقال امراض ارثی شده است.

RAVA گفته است: هیچ مردی نباید با زنی که مرض بخصوصی در خانواده او سه دفعه تکرار شده ازدواج کند (Yevamot 64b.).

Resh Lakish نیز گفته است، یک مرد قد بلند و یک زن قد بلند نباید با هم ازدواج کنند زیرا فرزندان آنان غول پیکر می‌شوند. همچنین یک مرد کوتاه قد نباید با یک زن کوتاه قد ازدواج کند چون فرزندان آنان حتماً کوتاه تر خواهند شد. یک زن و مرد که هر دو بسیار سفید رو با موی کمرنگ نبایستی با هم ازدواج کنند زیرا فرزندان آنان ممکن است (ALBINO) بشوند.

این دستورات دینی به منظور برتری نژادی نبوده و برای جلوگیری از به وجود آوردن فرزندان غیر عادی است. زیرا این گونه کودکان باعث مسخره شدن توسط افراد دیگر می‌شوند.

تلمود ازدواج با دختر خواهر و یا دختر برادر را توصیه می‌کند. به نوشته Rabbi Judah به علت امراضی چون کوری و سایر امراض ارثی که در فرزندان این افراد مشاهده شده بعداً این ازدواج‌ها مطرود شده‌اند.

بزرگان دین یهود در تمام مراحل تاریخ سعی بر آن داشته‌اند که از امراض ارثی و فامیلی به نحوی جلوگیری شود. اختراع ژن درمانی این هدف دیرینه دین یهود را از طریق علمی به اجرا خواهد آورد و با اصول بنیادی دین مغایرتی ندارد.

دین یهود همواره پشتیبان پزشکی و تحقیقات بوده است زیرا که همیشه در صدد از بین بردن امراض بوده است.

بقیه **کبالا و مکتب یونگ**

دکتر شوکک در نوشته اصلی و مقدماتی کبالا، «زوهر» و تفکرات یونگ علاقه و تأثیر پذیری زیادی را در مورد سمبولیسم مشاهده می‌نماید».

زوهر، و نحوه تفکر یونگ در قلب و هسته اصلی عقاید خود، عقیده دارند که هر چیزی که در مقابل شما قرار دارد همان چیزی نیست که به نظر می‌رسد بلکه در حقیقت سمبولی است از چیزی بسیار بزرگتر و عظیم تر.

مفاهیم کبالائی، مثل مفهوم پیچیده عقاید رهایی بخشی، جنبه‌های زنانه و مردانه قادر متعال، اهمیت رؤیاها و بیخود شدن جمعی، محتوای رسومات و اهمیت نهایی هر عمل انسان، اجزاء جدا نشدنی نحوه تفکر یونگ نیز می‌باشد. هر دو عقیده دارند که اگر می‌خواهید به مفهوم جهان پی ببرید باید از خود شروع کنید. دکتر شوکک می‌گوید، کبالا، انسان را در مرکز اینکه چگونه انسان با محیط خودش رابطه بر قرار می‌کند، قرار می‌دهد، خود، جهانی می‌شود. بر اساس فرضیه کبالا و یونگ یک «سفیروت» Sphere وجود دارد که دنیا را می‌گرداند و زبانی وجود دارد که نهانی است و بایستی پدیدار شود.

دکتر کامراد عقیده دارد که یونگ مثل کبالا معتقد بود که «پشت هر تصادفی، معنی و تعبیری وجود دارد». با این همه تضادی نیز بین این دو وجود دارد. جایی که کبالا، سمبولیسم در تورا و زوهر را «روش خداوند برای خلقت جان هستی» می‌داند، روانشناسی یونگ عقیده دارد که سمبولیسم در نهاد روح انسان و در مغز جا داده شده است.

با آن که، کارل یونگ، کبالا را مطالعه کرده بود، اما عقاید یونگ عرفان یهودیت را در میان لیست بالا بلندی مثل فلسفه مصری و تائوئیسم و روحانیت هندی قرار می‌دهد که از آنان تأثیر پذیر بوده است.

دکتر شوکک و دکتر کامراد معتقدند اگر «گر شوم شولم» فقید (بزرگترین پژوهشگر و تاریخ نویس کبالا در قرن حاضر) زنده بود مسلماً این کلاس را مورد انتقاد شدید قرار می‌داد.

دکتر کامراد: «شولم می‌خواست که فلسفه به عنوان یک پژوهش آکادمیک باقی بماند و نه به عنوان یک تجربه وارد عرفان بشود».



این سوآل باقی می‌ماند که آیا دین یهود با انواع دیگر ترمیم ژن یعنی ترمیم ژن برای تغییر دادن شکل ظاهری، قدرت هوشی و فکری و استعداد موافق است یا مخالف؟

قوانین معینی جواب گوی این سوآل نیست ولی عقیده بر این است که به دلایل زیر می‌بایستی این اعمال منع شود:

۱ - دانش انسان از چگونگی رابطه جسم و افکار هنوز در مرحلهٔ ابتدایی است. آیا تغییر چندین ژن مختلف ممکن است تأثیری منفی در این رابطه بگذارد؟

۲ - در این گونه تحقیقات معمولاً نهایتی وجود ندارد. انسان در زندگی قانع نیست. ممکن است در نهایت موجوداتی عجیب و غیر عادی از این تغییر ژن به وجود آید.

۳ - به گفته دین یهود انسان به شکل خداوند به وجود آمده. در تورات آمده است که در هر مرحله از تاریخ و در هر موردی که انسان از خط خود خارج شود و سعی با برابری با خداوند کرده این عمل باعث فاجعه شده است. در کتاب‌های مذهبی آمده است که بشر کمی از خداوند کمتر است و هرگز با خداوند برابری نمی‌کند. خداوند برتر از بشر و بشر برتر از حیوانات است.

در ترمیم ژن رابطه بشر و خداوند باید همچنان حفظ شود. شفا و بهبودی انسان‌های مریض از وظایف ماست ولی در هیچ موردی بشر نباید نقش خداوند را بازی کند در نتیجه ترمیم ژن برای بهبودی و جلوگیری از امراض از نظر دین به نظر قانونی می‌آید و حال آن که ترمیم ژن برای برتر کردن نژاد انسان شاید مخالف دین یهود باشد.



نوشته: دان میل من

برگردان: رویا فاخری

دنیای زیبای بچه‌ها

ساچی

از زمانی که برادرش به دنیا آمد، «ساچی» کوچولو از پدر و مادرش می‌خواست که بچه نوزاد را با او تنها بگذارند. پدر و مادرش از ترس اینکه مثل خیلی از بچه‌های چهار ساله دیگر، ممکن است حسودی بکند و بچه را به شدت تکان بدهد و یا بزند، همیشه جوابشان نه بود.

ولی او اصلاً نشانه‌ای از حسادت نشان نمی‌داد. با بچه با مهربانی رفتار می‌کرد و اصرارش برای با بچه تنها بودن شدید و شدیدتر می‌شد. بالاخره پدر و مادر «ساچی» تصمیم گرفتند که این اجازه را به او بدهند.

ساچی کوچولو در حالی که از خوشحالی پرواز می‌کرد، به اطاق بچه رفت و در را روی هم انداخت. ولی شکاف کوچکی از در باز ماند، خوش بختانه درست به اندازه‌ای که والدین کنجکاو او بتوانند نگاهی بیاندازند و گوش بدهند.

آن‌ها «ساچی» کوچولو را دیدند که خیلی آهسته به برادر نوزاد و کوچکش نزدیک شد، صورتش را به او چسباند و یواشکی در گوشش گفت: «بچه کوچولو، خدا شبیه چیه؟ داره کم کم یادم میره».



از دکتر نیسان بامداد
سردبیر بخش پزشکی

خبرهای کوتاه از جهان پزشکی

گال یا جَرَب SCABES

کهن سالان به یاد دارند که تا ۵۰ سال پیش بیماری گال در ایران فراوان دیده می‌شد ولی از آن به بعد به علت آگاهی مردم و بالا رفتن سطح بهداشت همگانی این بیماری کمتر شد و من در ۵۰ سال اخیر تا زمانی که مقیم ایران بودم موارد بسیار نادری از این بیماری را دیدم.

علایم این بیماری وجود جوش ها و زخم ها و برجستگی هایی زیر پوست در بین انگشتان دست و کشاله ران و دستگاه آمیزشی می‌باشد که با درد کمی همراه است ولی به ویژه در شب با خارش بسیار شدید همراه است به طوری که خواب را از بیمار می‌رباید.

عامل بیماری یک نوع انگل است از خانواده شپش و شپشک که پس از قرار گرفتن روی پوست بدن آن را سوراخ کرده و وارد زیر پوست شده، کانال‌هایی زیر پوست می‌سازد و در آنجا به سرعت تخم گزاری کرده و افزایش می‌یابد و آزارهایی به وجود می‌آورد.

بیماری به شدت واگیر دار است و اگر یک فرد از خانواده بدان دچار شود دیگران که با او در آن خانه زندگی می‌کنند دچار می‌شوند. روش انتقال بیماری تماس نزدیک بدن، استفاده از حوله و دستمال و ملافه و لباسهای زیر آلوده است. دست دادن، بوسیدن، در بغل گرفتن و حتی نشستن روی مبل با یک بیمار، بیماری را منتقل می‌کند.

درمان بیماری بشرطی که کلّیهٔ دستورات بهداشتی و درمانی پزشک مراعات شود آسان است: بیمار با صابون بدن خود را خوب می‌شوید و پس از گرفتن دوش با حوله‌ای که قبلاً شسته و در آب جوشانده شده است بدن را خشک می‌کند و از پمادی که با نسخه پزشک تهیه شده است نقاط آزرده بدن را آغشته می‌کند و پس از ۲۴ ساعت دوش می‌گیرد و بدن را صابون می‌زند. ملافه‌ها و لباسهای زیرین و حوله‌ها بایستی در آب جوشانده شود و پس از خشک کردن اتو شود. لباسهای رو، به خشک شویی داده شود. فقط جوشاندن و اتو کردن انگل بیماری را می‌کشد.

کلیه افراد خانواده حتی آن‌هایی که دچار نشده‌اند بایستی حوله، ملافه و لباسهای زیرین خود را بجوشانند و اتو کنند. دستورات بهداشتی بایستی به طور گروهی انجام گیرد.

پمادی که با نسخه پزشک تهیه می‌شود، ماده‌ای سمی دارد که از راه پوست وارد خون می‌شود. بنابراین بیش از ۲۴ ساعت آن را روی بدن باقی نگذارید و مقدار زیاد هم مصرف نکنید و تکرار مصرف دارو منحصراً بایستی با دستور پزشک انجام گیرد.

نظر به اینکه دارو از راه پوست می‌تواند وارد خون و شیر مادر شود بنابراین توصیه می‌شود که خانمهای باردار و مادران شیرده از مصرف آن خودداری کنند. اگر دارو به مقدار زیاد و مکرّر مصرف شود علایم مسمومیت ظاهر می‌شود، از قبیل حالت تهوع، سرگیجه، و بی دقتی ماهیچه‌های بدن. گاهی فرد نسبت به دارو حساسیت نشان



می‌دهد و علایم آلرژی در او ظاهر می‌شود که بایستی در هر حال دارو را قطع کرد. برای درمان مسمومیت گروه پزشکی معمولاً از داروهای خواب‌آور که این ماده را بی اثر می‌کند استفاده می‌کنند.

بر خلاف انتظار مواردی از بیماری گال در امریکا دیده می‌شود. کودکان کودکستانی و دبستانی آن را از سایر کودکان می‌گیرند، به ویژه در کودکستان‌ها و مراکز نگهداری کودک که کودکان در آنجا استراحت کرده و به خواب می‌روند انتقال بیماری آسان تر انجام می‌شود.

اگر دیدید کودک شما بدن خود را می‌خاراند فوراً محل خارش را با دقت معاینه کنید. علاوه بر گال کودک شما ممکن است شپش به خانه بیاورد. موضوع شپش در آمریکا و روش مبارزه با آن را در شماره‌های بعدی این نشریه با شما در میان خواهم گزارد.

همانطور که از گفته‌های بالا نتیجه گیری می‌شود بیماری گال یک بیماری عدم بهداشت همگانی است و دچار شدن بدان موقعی بیشتر است که موازین بهداشتی مراعات نشود. در هتل‌ها و مراکز نگهداری و یا آموزش همگانی و نیز در خانه اگر موازین بهداشتی به طور کامل رعایت نشود این بیماری و همانند آن شپش انتقال می‌یابد. دیده می‌شود که گروهی از مردم آمریکا که وسواس زیاد دارند هنگام استفاده از تختخواب هتل، از ملافه‌ها و حوله خصوصی که از خانه می‌برند استفاده می‌کنند.

تازه ترین وسایل برای پیش گیری از بارداری

آیا مردها هم خواهند توانست با استفاده از قرص از باردار کردن زنها جلوگیری کنند؟

تازه ترین دارویی که به وسیله F D A برای استفاده خانمها برای پیش گیری از بارداری تصویب شده است، دارویی است به نام DEPO-PROVERA. این دارو که به صورت آمپول می‌باشد هر سه ماه یکدفعه به وسیلهٔ پزشک تزریق می‌شود و برای پیش گیری از تخمک گذاری تا ۹۹ در صد مؤثر می‌باشد. این دارو ممکن است عوارض جانبی از قبیل نا منظم شدن قاعدگی به وجود آورد.

دیگر داروی پیش گیری از بارداری که از انواع پیشین بهتر و آسان تر است NORPLANT 2 تازه می‌باشد که در بازوی زن کاشته می‌شود.

بطور کلی داروهای پیش گیری از بارداری که جدیداً به بازار آمده‌اند از انواع پیشین مفیدتر بوده، عوارض جانبی آن‌ها کمتر و پاره‌ای از آن‌ها حتی برای بیماران مبتلا به دیابت هم قابل استفاده می‌باشند. از امکانات آینده یک نوع واکسن خواهد بود که می‌تواند دو تا پنج سال از بارداری پیش گیری کند.

همچنین گفته شده است داروی PROCARDIA که برای کنترل فشار خون تجویز می‌شود در آینده نخستین قرصی باشد که مردها برای پیش گیری از باردار کردن استفاده خواهند کرد.



بهتر است بدانید...

- در زنهایی که دارای سرطان در یکی از اندام‌های بدن بوده‌اند شانس ابتلای به سرطان پستان زیادتر است.

- ۱۰ تا ۱۱ در صد خانمها در دوران زندگی مبتلا به سرطان پستان می‌شوند.

- آن‌هایی که در سن جوانتری قاعدگی پیدا می‌کنند یا دیرتر از سن ۵۰ سالگی قاعدگی آن‌ها بند می‌آید یا آن‌هایی که نازا هستند، بیشتر شانس پیداکردن سرطان پستان دارند.

- اگر بیش از ۴ سال از قرص های ضد بارداری استفاده کرده‌اید با پزشک خود مشورت کنید.

- ترشح غیر طبیعی از نوک پستان، کشیده شدن پوست پستان به طرف داخل.

- اختلاف اندازه پستانها، احساس سفتی در پستان، احساس درد در پستان.

- تغیر شکل نوک پستان که مدت طولانی دوام پیدا کند. علایمی هستند که بایستی با پزشک خود در میان گذارید.

- از سن ۲۰ سالگی زنها بایستی پستان خود را با دست ها مورد معاینه قرار دهند.

- ده روز بعد از پایان قاعدگی بهترین موقع برای آزمایش پستان می‌باشد. زیرا درد کمتر است.

- پس از گرفتن دوش، جلو آینه بایستید، دستهای خود را بالا ببرید و پستانها را با هم مقایسه کرده و تغیرات آن را مشاهده کنید، سپس دستها را پایین بیاورید و آزمایش را تکرار کنید.

- در سن ۳۵ سالگی اولین MAMMOGRAM و بعد هر دو سال یک دفعه انجام می‌شود.

- از سن ۵۰ سال به بالا هر سال بایستی MAMMOGRAM انجام شود.

- در زنهایی که نوزاد خود را از پستان شیر می‌دهند کمتر سرطان پستان دیده می‌شود.



INTERNATIONAL JUDEA FOUNDATION

Where can I go to ....

See the Snow, Ski, meet a bunch of fun loving people and have ***OODLES OF FUN????!!!***



BIG BEAR! SKI TRIP! Aaaah!!!

But why should I go with

Y *Not???*

A *ll nice Jewish Single under 45 will be there.....*

R *eturn to L.A., relaxed, stressed free and ready to start the week...*

A *ll the great Jewish friends you can find in only 2 days .....*

N *o way you can pass all these and stay home do ?????*

We will Carpooling from Los Angeles at 5:30 p.m.- PROMPTLY - on Friday, January 20, 1994, for Big Bear and will come back to L.A. on Sunday afternoon, January 22, 1994.

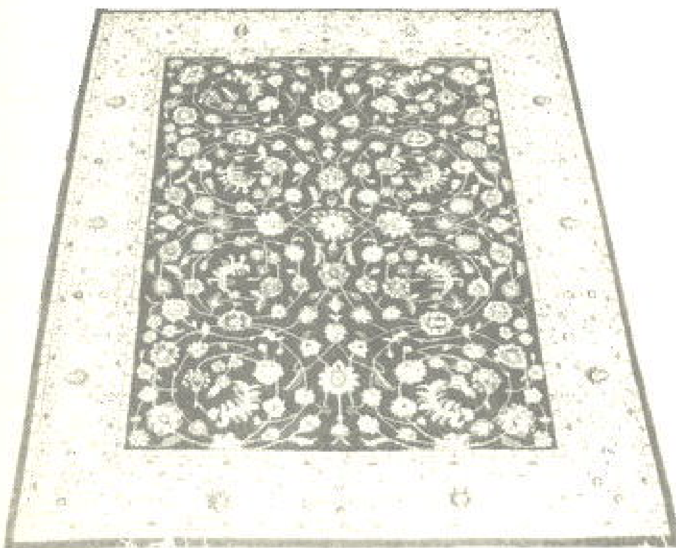
Due to the popularity of this trip and space limitation, we should receive (with no exception) your;

$50.00 non-refundable deposit by ***December 20, 1994***

Made and send to :

I.J.F. - PO Box 3074 - Beverly Hills, CA 90212

We will send you the details.... *Don't miss the Fun!!!*






VISA


MasterCard

بولتن خبری انجمن کلیمیان تهران

پرداخت حقوق معلمین عبری

در مهر ماه امسال پرداخت حقوق معلمین عبری کلاسهای تابستانی از طرف انجمن کلیمیان تهران بطور کامل انجام گرفت.

کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان تهران سعی می‌نماید با هماهنگی کامل و ارتباط با معلمان عبری کار تدریس بینش دین و فرایض مذهبی و زبان قوم یهود در مدارس و کنیساها سازمان تازه‌ای بدهد.

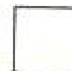
معلمین عبری زحمتکشان جامعه یهودی و صدیق ترین فرزندان قوم یهود هستند که فداکارانه وظیفه خود را انجام می‌دهند.

انجمن کلیمیان تهران امیدوار است با همکاری معلمین عزیز و مدیران مدارس و همکیشان عزیز حداقل تعهد مالی خود را نسبت به معلمین بطور دقیق و مرتب انجام دهد و کلاسهای بینش و فرایض مذهبی یهود برای خردسالان یهودی ایران بیشتر و بهتر از گذشته آموزنده و مفید باشد.

حضور جناب حاخام یوسف کهن در سمپوزیوم اسلام و مسیحیت

به دعوت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از ۲۶ تا ۲۸ شهریور ماه جاری سمپوزیوم اسلام و مسیحیت در تالار اجتماعات موزه فرش تهران تشکیل شد. در جلسات سمپوزیوم دیدگاههای توحیدی در اسلام و مسیحیت به وسیله سخنرانان مسلمان و مسیحی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت شرکت کنندگان روحانیون ایرانی مسلمان و مسیحیان ارتودکس یونانی بودند.

بنا بر دعوت قبلی جناب حاخام یوسف کهن روحانی بزرگ یهودیان ایران در جلسات سمپوزیوم شرکت کردند و با میهمانان مسیحی و روحانیون مسلمان آشنا شدند و تبادل نظر کردند. کلیمیان در جلسات این سمپوزیوم رئیس انجمن کلیسای تهران جناب حاخام یوسف کهن را همراهی می‌نمودند.



انتشار کتب علمی بوسیله آقای یوسف ستاره شناس

اخیراً کتابی زیر عنوان «اصول نقشه کشی و طراحی قالب از غارها تا کامپیوتر» توسط همکیش عزیزمان آقای یوسف ستاره شناس ترجمه و تدوین شده و در بیش از پانصد صفحه انتشار یافته است.

این کتاب که اصولاً مورد استفاده دانشجویان رشته‌های فنی مخصوصاً رشته طراحی جامدات است به یک تحلیل دقیق تاریخی و علمی در زمینه نقشه کشی و طراحی قالبها پرداخته که با استقبال فراوان دانشجویان و دانش پژوهان این رشته علمی و فنی روبرو شده است برای دوست عزیزمان آقای یوسف ستاره شناس توفیق بیشتری در طی مدارج علمی و خدمت به ملت ایران و سربلندی جامعه کلیمیان ایران آرزو می‌کنیم.

فعالیت سالانه کانون خیرخواه (بیمارستان دکتر سپیر)

در شهریور ماه امسال چون سالهای گذشته گزارش مالی و فعالیت سالانه کانون خیرخواه در کنیساها و مجامع یهودی منتشر شد.

در این گزارش تعداد مراجعین به بیمارستان دکتر سپیر در سال ۱۳۷۲ جمعاً ۵۶/۰۶۲ مورد قید شده که از این تعداد ۱/۵۳۱ نفر به طور رایگان معالجه شده و بیش از ۸ هزار نفر از امکانات بیمارستان به صورت خیریه استفاده کرده‌اند و بیش از دو هزار نفر دفترچه های مخصوص کانون خیرخواه را در اختیار دارند. گفتنی است از مراجعین به کانون خیرخواه کمتر از پنج در صد یهودی هستند و کانون خیرخواه خود را متعهد به خدمت به تمام هموطنان ایرانی و شهروندان تهرانی می‌داند. با آرزوی موفقیت برای کارکنان بیمارستان دکتر سپیر و هیئت مدیره کانون خیرخواه امیدواریم مشکلات جاری که در گزارش سالانه خود به آن اشاره کرده‌اند هر چه زودتر بر طرف گردد.

سفر هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران به شیراز

در روزهای اولین هفته آبان ماه، اعضای انجمن کلیمیان تهران آقایان صیون اوریل (کرامت)مسئول کمیته املاک و آقای مهندس

منصور شباتی - مسئول کمیته فرهنگی و هارون یشعیا رئیس انجمن کلیمیان تهران برای دیدار همکیشان عزیز به شهر شیراز مسافرت نمودند.

در این سفر اعضای انجمن کلیمیان تهران با همکیشان خود ملاقات و با مسئولین امور اجتماعی کلیمیان شیراز مذاکره و تبادل نظر نمودند. اعضای انجمن همراه با آقای نیک نوا که امور اجتماعی کلیمیان شیراز را با پیگیری و علاقه مندی دنبال می‌کنند از مدارس مخصوص کلیمیان شیراز بازدید به عمل آوردند و از طرف انجمن کلیمیان تهران برای کمک به امور آموزش دینی و فرایض مذهبی و امور ورزشی جوانان کمکهای نقدی نموده و طرفین تصمیم گرفتند با همکاری و ارتباط بیشتر در جهت ارتقای مذهب و فرهنگ یهود بین همکیشان در سراسر کشور اقدام نمایند و در این زمینه با معلمین عبری و خادمین «توراتنو هقدوشا» جلسه‌ای تشکیل گردید. لازم به یادآوری است که کلیمیان شیراز در نظر دارند انجمن کلیمیان شیراز را هر چه زودتر تشکیل داده و در جهت ثبت قانونی آن اقدام نمایند.

و به همین منظور جلسه‌ای با حضور آقای سلیمان و رئیس انجمن کلیمیان تهران و مسئولین محترم استانداری و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در محل استانداری شیراز تشکیل گردید.

کمیته های انجمن کلیمیان تهران فعالیت خود را آغاز کردند

طی ماه گذشته کمیته‌های مختلف انجمن کلیمیان تهران مطابق اساسنامه انجمن تشکیل و فعالیت خود را آغاز نمودند. کمیته‌ها عبارتند از: کمیته تعاون و امور کنیساها - کمیته فرهنگی و تعلیمات دینی - کمیته جوانان و باشگاه ورزشی گیبور - کمیته املاک - کتابخانه و انتشارات - کمیته سرای سالمندان - کمیته مصا و امور کشروت - کمیته بهشتیه - امور کارپردازی و تقویم اموال - دبیر خانه انجمن.

دیوارکشی گورستان کلیمیان کاشان

در شماره‌های قبلی بولتن داخلی انجمن کلیمیان تهران از همکیشان عزیز اهل کاشان تقاضا شده بود در به سازی و نگهداری گورستان کلیمیان کاشان که یکی از مکان‌های مقدس کلیمیان ایران است کمک‌های مالی و اجرایی بنمایند.

خوشبختانه همکیشان اهل کاشان چه آن‌ها که در تهران زندگی می‌کنند یا در شهرها و کشورهای دیگر سکونت دارند با غیرت و احساس همیشگی قابل تحسین به این درخواست جواب مثبت دادند حدود سه میلیون تومان کمک‌های جمع آوری شده در اختیار آقای مهرنیا (برجیس) که از معتمدان کلیمیان کاشان هستند قرار گرفت و آقای مهرنیا اقدامات خود را آغاز کرده‌اند.

اخبار سازمان دانشجویان یهود

سازمان دانشجویان یهود ایران جهت آمادگی هر چه بیشتر داوطلبان ورود به دانشگاهها اقدام به چاپ مجدد تستهای معارف ویژه اقلیت کلیمی نموده است. علاقه مندان می‌توانند پنج شنبه‌ها از ساعت ۷ بعد از ظهر جهت تهیه تستها به سازمان دانشجویان مراجعه نمایند.

ضمناً مطابق معمول گذشته هر پنج شنبه برنامه‌های مختلف علمی، فرهنگی و تفریحی جهت استفاده دانشجویان و جوانان همکیش برقرار می‌باشد.

برنامه‌های هفته‌های آینده به شرح زیر می‌باشد،

۷۳/۹/۱۰ هیپنوتیزم (همراه با نمایش فیلم)

۷۳/۹/۱۷ با سهراب سپهری در شعر فارسی

۷۳/۹/۲۴ موسیقی ایرانی - اجرای جمعی

۷۳/۱۰/۱ جُنگ علمی و هنری

مراسم تشویق ورزشکاران کلیمی

ورزشکاران و جوانان یهودی باکمترین امکانات موفق شدند در جریان مسابقات ورزشی بین اقلیتهای دینی پیروزیهای قابل تحسین به دست آورند. مسابقات ورزشی بین ورزشکاران اقلیت‌های دینی هر سال به ابتکار باشگاه ستاره آشور برگزار می‌گردد. این مسابقات که معمولاً به مناسبت دهه فجر سازمان می‌گیرد، رفته رفته به یک ارتباط دایمی بین جوانان اقلیت‌های دینی تبدیل شده و هر سال به نتایج بهتری می‌رسد.

جوانان کلیمی امسال در رشته فوتبال گل کوچک و تنیس روی

میز به مقام اول رسیدند و ما یقین داریم با امکانات بهتر و تلاش و کوشش جوانان این پیروزیها در رشته‌های دیگر نیز به دست خواهد آمد. به مناسبت پیروزی جوانان و ورزشکاران کلیمی روز پنجشنبه ۷۳/۸/۱۲ مراسمی در تالار خراسانیها برگزار شد. در این مراسم ابتدا آقای دکتر اقبال صرافیان مسئول کمیته جوانان انجمن کلیمیان تهران گزارش کار و وضع موجود فعالیت جوانان را به اطلاع حضار رساندند و سپس آقای دکتر کیوان نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی مطالبی بیان نمودند و پس از آن آقای یشعیا رئیس انجمن کلیمیان تهران توجه جوانان را به این اصل که باید خودشان در کارها مشارکت نمایند و فقط از طریق قبول مسئولیت خود جوانان می‌توان وضع را از آنچه هست بهتر نمود جلب کردند.

رئیس انجمن کلیمیان اضافه کرد که انجمن فعالیت فعلی جوانان راکافی نمی‌داند و در آینده بر این موضوع تأکید و پافشاری بیشتری خواهد نمود و اعتبار لازم برای توسعه فعالیت‌های ورزشی و هنری بین جوانان در نظر گرفته شده است.

در پایان این مراسم لوح یادبود به ورزشکاران اهداء شد و از زحمات و تلاش‌های آن‌ها تقدیر به عمل آمد.

نوسازی خانه جوانان یهود تهران

با ابتکار و همت هیئت اجرایی خانه جوانان و جوانان عضو خانه جوانان یهود تهران بازسازی خانه جوانان رو به اتمام است و انشاالله به زودی مورد استفاده کامل قرار خواهد گرفت.

خانه جوانان یهود تهران واقع در خیابان مشتاق یکی از نهادهای قدیمی وابسته به انجمن کلیمیان تهران است که برنامه‌های آموزشی و هنری و تفریحی جوانان را برنامه ریزی نموده و اجرا می‌نماید.

مدتها بود که ساختمان خانه جوانان فرسوده شده و عملاً غیر قابل استفاده بود انجمن کلیمیان تهران اعتبار لازم برای بازسازی خانه جوانان را فراهم نمود و هیئت اجرایی خانه مسئولیت اجرایی آن را به عهده گرفت و پیشرفت چشمگیری در استفاده از امکانات خانه جوانان فراهم گردید.

در سازمان بانوان یهود

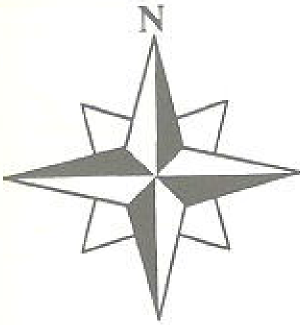
برنامه دو هفته یکبار سخنرانی در مسایل علمی و اجتماعی و هنری سازمان به طور مرتب روزهای دوشنبه در محل سازمان واقع در خیابان فاطمی، خیابان پروین اعتصامی، کوچه لعل غربی، شماره ۶ از ساعت ۵ بعد از ظهر برای بانوان علاقه مند تشکیل می‌گردد.

هفته گذشته خانم یافا مساچی (شاد پور) فارغ التحصیل رشته تغذیه در زمینه بهداشت غذایی سخنرانی کردند و به سئوالات حاضران در جلسه پاسخ دادند سخنرانی خانم یافا مساچی مورد استقبال بانوان شرکت کننده قرار گرفت.

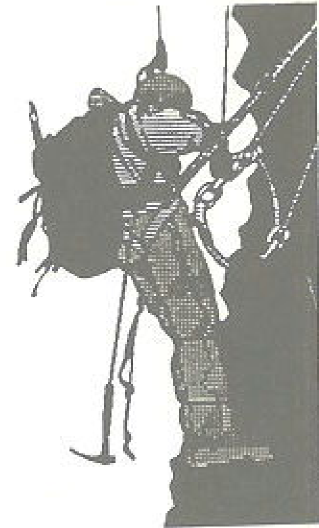
ضمناً در هفته گذشته بازدید از موزه فرش به وسیله سازمان بانوان یهود ترتیب داده شد و گروهی از بانوان همکیش از موزه فرش دیدن کردند خانم شهره سنقریان مسئولیت گروه را به عهده داشتند.

مزامیر داود

او را آواز دادم و پاسخی نشنیدم
برخاستم، دویدم، در همهٔ شهر او را که دلم
دوست می‌دارد جستم.
او را جستم و نیافتم.
شب گردان از من پرسیدند که در پی کیستم.
گفتم «آیا دلدار مرا دیده‌اید؟»
هنوز از ایشان نگذشته بودم که با او روبرو شدم.
خودم را در آغوشش افکندم و رها نکردم تا به خانهٔ مادرم
خانهٔ مادرم
خانه‌ای که در آن زاده بودم رسیدم
ای دختران اورشلیم شما را به غزلان و آهوان
دشت سوگند
بگذارید آن که دوستش دارم، خوش بخسبد
تا سرانجام عشق بیدارش کند.







PUT YOUR HIKING SHOES ON

"YARAN" goes HIKING

every SUNDAY morning at 8:00 a.m./**sharp**

RAIN WILL CANCEL THE PROGRAM

See you at 8:00 a.m. on TEMESCAL CANYON MOUNTAINS
(Corner of Sunset Blvd. and Temescal Canyon)

[Don't worry about the calories you might loose!!!
We'll go for breakfast, if you promise to be a *Nice Jewish Single Persian under 45*





صفحه ازدواج

نشریه چشم انداز برای آشنایی جوانان یهودی در شرایطی ساده و سالم این صفحه را ترتیب داده است.

خواهشمندیم این فورم را کاملا" پر نموده و به آدرس زیر ارسال دارید.

روی پاکت مرقوم فرمایید **مربوط به صفحه ازدواج** در این صورت این نامه تنها توسط مسئول مربوطه باز خواهد شد و کلیه اطلاعات محرمانه خواهد ماند. به هر فرد یک شماره کد داده می شود.

نام و نشان افرادی که مایل به آشنایی با شخص آگهی دهنده باشند، در اختیار آگهی دهنده قرار خواهد گرفت تا در صورت تمایل با آنان تماس حاصل نمایند. **سازمان سیامک**، هیچ گونه مسئولیتی در قبال صحت و سقم اطلاعات داده شده از طرف آگهی دهندگان و افرادی که به آگهی ها جواب می دهند، نخواهد داشت. درج آگهی ها رایگان می باشد.

(۳۱۰)۴۷۹-۴۷۹۸

P.O. BOX 3074, BEVERLY HILLS, CA 90212

آگهی دهنده

نام .... نام خانوادگی .... قد ....

سن .... میزان تحصیلات .... شغل.................. در آمد ....

آیا قبلا" ازدواج کرده اید ؟ بله ☐ نه ☐ اگر بله ، تعداد فرزند ....

نشـــــانی:

تلفن خانه ( ) محل کار ( )

خصوصیاتی که مایلید در مورد شما بدانند

همسر مورد علاقه

سن .... قد .... میزان تحصیلات .... شغل ....

در آمد .... مجرد ☐ قبلا" متاهل ☐

خصوصیاتی که مایلید در همسر آینده بیابید.

پیوند دلها

برای تماس با افراد زیر با تلفن
۴۷۹۸ - ۴۷۹ (۳۱۰) تماس حاصل نمائید



دوشیزه ۳۹ ساله ، قد ۵/۷ فوق دیپلم با شغل آزاد ، باشخصیت ، وفادار ، رمانتیک و اهل خانواده مایل به ازدواج با آقایی ۴۰ ساله با قد ۵/۱۰ با شخصیت ، نجیب و تحصیلکرده میباشد

کد ۸۰۴۰

آقایی ۳۵ ساله لیسانس ، شغل آزاد ، قد ۵/۷ خونگرم اهل خانواده ، دست و دلباز ، شوخ طبع از خانواده محترم ، قبلاً ازدواج کرده ، علاقمند به همسری ۲۹-۳۴ ساله ، قد ۵/۷ با تحصیلات دیپلم به بالا ، اجتماعی ، خونگرم ، پای بند خانواده ، نظربلند واهل زندگی میباشد . مجرد و یا قبلاً متاهل ، شغل مهم نیست

کد ۷۸۱

دختر خانمی ۳۲ ساله ساکن لوس آنجلس ، لیسانس کامپیوتر و درآمد ۲۰۰۰ دلار درماه ، جذاب ، مهربان اجتماعی ، احساساتی ، اهل خانواده و ازدواج ، شیک پوش و امروزی ، علاقمند به تنیس ، شنا مایل به ازدواج با آقایی ۴۵ - ۳۵ ساله ، قد متوسط ، تحصیلات دانشگاهی و موفق در رشته شغلی خود با درآمد ۳۰۰۰ دلار به بالا مجرد و یا قبلاً متاهل که مهربان ، روراست ، امروزی ، خوش قیافه ، اهل خانواده و ازدواج ، باهوش ، گرم و دست و دلبازباشد

کد ۶۶۳

آقایی ۳۶ ساله مقیم کانادا ، قد ٦ فوت لیسانسه با درآمد ۳۵۰۰ دلار ، اجتماعی ، خونگرم و زن پرست مایل به ازدواج با دوشیزه‌ای ۲۳ ساله با تحصیلات کالج ، خوش اخلاق و مهربان میباشد . درصورت ازدواج میتوان در کالیفرنیا زندگی نمود .

کد ۶۱۳

آقایی ۴۲ ساله دارای فوق لیسانس مدیریت ساکن

لاهویا باکار شخصی و درآمد ۴۵۰۰۰ دلار در سال تحصیلکرده ، باگذشت ، وفادار ، خانواده دوست و بدون تعصب مایل به آشنایی با خانمی زیر ۳۰ سال ، تحصیلکرده دانشگاه ، مجرد یا قبلاً متاهل ، جذاب ، باگذشت ، مهربان که دنبال مادیات نباشد میباشم . درآمد ایشان مهم نیست .

کد ٦٦١

دوشیزه‌ای ۲۷ ساله ، دیپلمه ، قد ۵/۲ با محبت ، عاقل و نجیب و خانواده دار ، ناشنوا مایل به ازدواج با آقایی ۳۲ - ۳۰ ساله ، قد ۵/۲ به بالا با تحصیلات دیپلم و شغل خوب که بتواند از خانواده خود نگهداری کند ، خانواده دار با محبت و عاقل و نجیب که زبان علامتهارابرای افراد ناشنوا بداند

کد ۷۸۵

دوشیزه‌ای ۳۸ ساله ، لیسانسه ، فروشنده نقره با درآمد ۲۸۰۰۰ دلار در سال ، خوش اخلاق ، مهربان ، صادق ، درستکار و پای بند اصول اخلاقی مایل به ازدواج با آقایی ۴۰ تا ۵۰ ساله دارای شغل آبرومند ، درآمد کافی زندگی ، مجرد یا قبلاً متاهل ، خانواده دوست ، مهربان ، شریف ، با احساس مسئولیت اهل تفریح و ورزش

کد ۲٦۲

دوشیزه‌ای ۴۰ ساله ، قد ۵/۲ بافوق لیسانس در حسابداری MBA چشم و مو مشکی ، تیپ شرقی ، مایل به ازدواج با آقایی مجرد بالای ۴۰ سال که آمادگی ازدواج داشته باشد .

کد ۷۰۱

خانمی زیبا ، جوان ، جداشده ، مهربان ، باگذشت ، باقلبی پاک حدود ۵ فوت ، مایل به ازدواج با آقایی ۴۰ تا ۵۵ ساله ، تحصیلات مهم نیست و شغل آزاد ،

مجرد یا قبلاً متاهل ، قد بلند ، مهربان میباشد

کد ۶۴۱

آقایی ۳۴ ساله ساکن لوس آنجلس با قد ۵/۴ فوت ، تحصیلات دانشگاهی با شغل حسابداری و درآمد ۳۰ هزار دلار در سال ، شوخ طبع ، هنردوست علاقمند به گردش ، ویولونیست ، تسلط به انگلیسی و عبری ، آگاهی در علم جدید کبالا ، علاقمند به تشکیل خانواده و به مادیات بی توجه علاقمند به همسری بالای ۲۰ سال با تحصیلات حداقل متوسطه ، درآمد مهم نیست ، مجرد ، باوفا ، خوش خلق و مهربان ، با صفای باطن و علاقمند به تشکیل خانواده

کد ۶۵۵

خانمی ۳۷ ساله ساکن انسینو ، با تحصیلات دانشگاهی همکار یک وکیل با درآمد متغیر ، مجرد ، امین ، مهربان ، باهوش ، خوش قلب ، جذاب ، شوخ طبع ، همسر مورد علاقه بین ۵۰ - ۴۰ باهوش و شاغل با درآمد مکفی ، مجرد یا قبلاً متاهل ، درستکار ، تحصیلکرده ، شوخ ، جذاب

کد ۳۵۱

خانمی ۳۸ ساله ساکن تارزانا با فوق لیسانس پرستاری شغل آزاد و درآمد ۵۰۰۰ دلار درماه ، دارای ۲ فرزند با خصوصیات اهل زندگی ، مهربان ، تحصیلکرده ، رمانتیک ، با احساس ، پای بند اصول اخلاقی ، زیبا باگذشت علاقمند به یافتن همسری بین ۴۵ - ۴۰ ساله با قد متوسط لیسانسه شاغل با درآمد مناسب مجرد یا قبلاً متاهل باگذشت ، مهربان ، اهل زندگی ، رمانتیک ، باوفا ، فهمیده نسبتاً خوش قیافه ، موقعیت مالی زیاد مطرح نیست

کد ۸۲۴

دخترخانمی ۲۸ ساله با قد ۵/۳ فوت لیسانس حسابداری با درآمد ۲۵۰۰۰ دلار در سال ، مجرد ، جذاب ، باهوش ، با شخصیت واحساس و تحصیلکرده مهربان ، نظر بلند ، با معرفت ، خوش سلیقه از خانواده بسیار خوب و درستکار علاقمند به ازدواج با آقایی بین ۲۸ - ۳۰ سال قد ۶ - ۵/۵ فوت ، دیپلم به بالا با شغلی آبرومند و درآمدی در سطح رفاه ، ازدواج نکرده ، مهربان با شخصیت ، دست و دلباز ، نظر بلند ، خوش اخلاق با قیافه‌ای در سطح قابل تحمل ، قدرشناس

کد ۵۳۹

آقایی ۴۰ ساله مشتاق ازدواج با خانمی تحصیل کرده درحدود ۳۰ سال

کد ۰۲۰

آقایی ۳۶ ساله ، قد بلند متخصص کامپیوتر ، شغل حسابداری چاق خوش قیافه اجتماعی از خانواده خوب و بادرآمد خیلی زیاد تحت مداوا برای تعادل ساکن نیویورک مایل به ازدواج با خانمی ۳۲ ساله قد بلند تحصیلات متوسطه درآمد متوسط مثل خودم اگر چاق باشد مانعی ندارد

کد ۲۳۱

خانمی ۳۱ ساله دیپلمه با شغل آزاد و درآمد ۷۰۰ دلار درماه قبلاً متاهل بدون فرزند خوش برخورد و اخلاق آرام و جذاب مایل به ازدواج با آقایی ۴۰ - ۳۵ ساله با شغلی آبرومند ، مجرد یا قبلاً متاهل ، قد متوسط ، درآمد مناسب اهل زندگی رمانتیک و باوفا و قدرشناس

کد ۰۲۶

آقایی مجرد ۳۴ ساله با تحصیلات کالج و درآمد زیاد آشنایی کامل به زبان عبری انگلیسی و فارسی غیر مذهبی علاقمند به موزیک اسرائیلی و رقص ، جنتلمن علاقمند به ازدواج با دوشیزه‌ای ۲۹ - ۲۲ ساله آشنا به زبان عبری ، غیر مذهبی ، جذاب و خانواده دوست میباشد

کد ۹۸۰

خانمی ۴۲ ساله ، دیپلمه ، آرایشگر بادرآمد محفوظ بدون فرزند ساکن سن حوزه زیبا خوش اندام مهربان ، خوش سلیقه وفادار با اصالت و علاقمند به پیاده روی و مناطق خوش آب و هوا و دیدنی خواهان ازدواج با آقایی قبلاً متاهل با شغل آبرومند دیپلمه و درآمد در سطح رفاه که خوش اخلاق ، مهربان ، صادق و روشنفکر بدون اعتیاد که بچه درخانه نداشته باشد میباشند

کد ۵۱۱

آقایی ۳۶ ساله لیسانس طراحی مجرد خوش تیپ وبرخورد با عاطفه خانواده دوست با مسئولیت راستگو ورزشکار و از خانواده محترم علاقمند به ازدواج با دوشیزه یا خانمی تا ۳۵ ساله دوست باوفا راستگو زیبا اجتماعی خوش اخلاق و مهربان اهل زندگی و همدم میباشند

کد ۳۷۵

خانمی ۳۵ ساله لیسانسیه دارای یک فرزند از خانواده اصیل نجیب خوش اندام اجتماعی علاقمند به موزیک ، مسافرت طبیعت مایل به ازدواج با آقایی ۴۰ تا ۵۰ ساله فوق لیسانس قبلاً متاهل و دارای بچه صادق روشنفکر باوقار و بدون اعتیاد میباشد

کد ۹۹۵

آقایی ۳۳ ساله فوق لیسانس مدیریت بادرآمد مکفی ساکن سان دیه‌گو مسافرت کرده خوش برخورد شوخ طبع مقیم کالیفرنیا از ۱۹۷۹ ، پر انرژی خود ساخته مایل به ازدواج با دختری ۲۸ - ۲۴ ساله دانشجو یا لیسانس شاغل که شوخ طبع و تحصیل کرده اجتماعی باوقار قابلیت تطبیق با ناگواریها آگاه از وقایع روزمره دنیا (نه شایعات در کنیسا)

کد ۷۰۳

خانمی ۴۰ ساله دارای دو فرزند ، مهربان زیباو باگذشت که از رفاه کامل برخوردار میباشند مایل به

ازدواج با آقایی بین ۴۵ تا ۵۰ ساله دارای درجه لیسانس قبلاً متاهل با شخصیت از خانواده محترم سالم راستگو و قابل اعتماد میباشند

کد ۹۸۲

خانم دکتری ۳۵ ساله ساکن لوس آنجلس، زیبا خوش برخورد با اصالت از خانواده‌ای محترم و معتقد و پای بند اصول اخلاقی و انسانی مایل به آشنایی با آقایی با حقیقت و با اصالت بمنظور ازدواج و تشکیل خانواده میباشم

کد ۸۰۴

خانمی ۴۸ ساله لیسانس با شخصیت زیبا اندامی متناسب اجتماعی اصیل با محبت علاقمند به خانه وخانواده مایل به ازدواج با آقایی فهمیده خوش ترکیب خوش برخورد خونگرم پای بند به اصول اخلاقی با شغل مناسب و آبرومند با درآمد مکفی میباشد

کد ۹۳۷

آقایی ۳۴ ساله ساکن شمال کالیفرنیا، لیسانس با درآمد ۶۰ هزار دلار در سال، صادق، مهربان، روشنفکر، شوخ طبع، علاقمند به فرهنگ و موسیقی ایرانی مایل به ازدواج با دوشیزه‌ای ۲۸ - ۲۴ ساله، صادق، مهربان جذاب و علاقمند به تشکیل خانواده میباشد

کد ۵۱۵

خانمی ۴۷ ساله، خوش برخورد و مهربان، با شخصیت، روشنفکر، مایل به ازدواج با آقایی فهمیده و خوش اخلاق و نظر بلند می‌باشد.

کد ۶۰۵

خانمی ۵۰ ساله فوق دیپلم شاغل از خانواده اصیل و مهربان، سبزه رو وخوش اندام، اهل تفریح ومسافرت پای بند به اصول اخلاقی مایل به ازدواج با آقایی ۶۰ - ۵۵ ساله فهمیده و خوش برخورد، خوش پوش اهل مسافرت و تفریح میباشد

کد ۸۱۰

دوشیزه‌یی ۳۶ ساله، لیسانسیه، شاغل قد ۵/۶ از خانواده خوب، خوش اخلاق و مذهبی مایل به ازدواج با آقایی ۴۵ - ۳۶ ساله لیسانسیه و یا دیپلمه، مجرد، صادق وفادار و علاقمند به تشکیل خانواده میباشد

کد ۵۸۵

دوشیزه‌ای ساکن انسینو مایل به ازدواج با آقایی حدود ۵۰ سال با شغل آزاد با درآمد مکفی خوش برخورد و صادق میباشد

کد ۰۲۱

دوشیزه‌ای ۳۲ ساله تحصیلکرده شاغل ۵/۴ فوت فهمیده مستقل خوش اندام مایل به ازدواج با آقایی ۳۸ - ۳۲ ساله دارای تحصیلات دانشگاهی، خونگرم، پای بند به دین یهود با اعتماد بنفس عمیق و مهربان میباشد

کد ۹۰۸

خانمی ۳۸ ساله ساکن نیویورک شاغل، جذاب، مهربان، صادق با شخصیت از خانواده خوب و محترم، خوش قلب، احساساتی، خانه‌دار، دارای ۳ فرزند مایل ازدواج با آقایی ۴۵ - ۳۸ ساله با درآمد مکفی، مهربان، بانزاکت، خونگرم، دست و دلباز، خوش تیپ و خوش اندام، معتقد به یک زندگی همیشگی زناشویی براساس درستی - یگانگی میباشد

کد ۲۱۵

آقایی ۳۳ ساله، فوق لیسانس، مهندس، خوش تیپ، خوش برخورد، بسیار با احساس، مهربان علاقه به تنیس و شنا مایل به ازدواج با دوشیزه‌ای ۲۸ ساله با تحصیلات دانشگاهی، روشنفکر، با شخصیت، صادق و راستگو، خوش قلب، علاقمند به تشکیل خانواده میباشد

کد ۴۵۵

آقایی ۵۱ ساله، پزشک، ۵/۷ فوت قبلاً ازدواج کرده، خوش قیافه، ورزشکار، صادق، مهربان، صمیمی مایل به ازدواج با خانمی تا ۴۵ سال، فهمیده زیبا خوش اندام و خوش اخلاق میباشد

کد ۹۳۵

خانمی ۴۱ ساله، دیپلمه، شاغل، خوش رفتار با محبت خوش قلب و مهربان، درستکار مایل به ازدواج با آقایی ۵۳ - ۴۱ ساله اجتماعی پای بند اصول اخلاقی، قدرشناس باوفا و فهمیده میباشد

کد ۷۴۱

دوشیزه‌ای ۳۵ ساله، فوق دیپلم، شاغل خوش تیپ خوش اخلاق اهل تفریح و گردش علاقمند به ازدواج با آقایی ۵۰ - ۴۵ ساله، دیپلم و یا لیسانس با شغل آزاد ودرآمد مکفی میباشد

کد ۹۴۰

دوشیزه‌ای ۳۵ ساله با تحصیلات دانشگاهی، ورزشکار، رمانتیک، مایل به ازدواج با آقایی ۴۰ - ۳۵ ساله با تحصیلات دانشگاهی میباشد

کد ۹۶۸

دوشیزه‌ای ۲۷ ساله شاغل، صادق، مهربان و علاقمند به موسیقی مایل به ازدواج با آقایی ۲۷ تا ۳۲ سال، مهربان و خانواده دوست میباشد

کد ۳۰۳

آقایی تحصیلکرده، اجتماعی، مهربان، وفادار، آرام

و صبور و منطقی با درآمد کافی دارای فرزند که زندگی جداگانه دارند علاقمند به ازدواج با خانمی بین ۴۵ الی ۵۰ سال حداقل دیپلمه و پای بند به اصول زندگی و آداب یهودی میباشد

کد ۹۲۳

آقایی ۳۷ ساله قد بلند با تحصیلات عالیه ، مهربان و روشنفکر مایل به ازدواج با دوشیزه‌ای تا ۳۵ سال با قد متوسط ، جذاب ، مهربان و اجتماعی میباشد

کد ۶۲۰

دوشیزه‌ای ۳۸ ساله ، لیسانس کامپیوتر و زبان ، راستگو ، اجتماعی ، ورزشکار ، سبزه رو و روشنفکر مایل به ازدواج با آقایی ۴۶ - ۳۸ ساله با تحصیلات عالیه ، مهربان ، نظر بلند و روشنفکر میباشد

کد ۷۲۷

آقایی ۳۰ ساله دکتر دندانپزشک ساکن نیوجرسی قد بلند ، خوش اندام ، ورزشکار ، خانواده دوست ، پای بند به قوانین دین یهود علاقمند به ازدواج با دوشیزه‌ای ۲۶ - ۱۸ ساله با تحصیلات دانشگاهی ، مهربان ، خوش قلب ، خانواده دوست ، زیبا وخوش اندام و پای بند به دین یهود میباشد

کد ۱۸۸

آقایی ۲۷ ساله - قدبلند - باشغل آزاد مایل به ازدواج با دوشیزه ویا خانمی تا حداکثر ۳۲ سال - صبور - مهربان و همیار در زندگی میباشد

کد شماره ۳۱۸۸

خانمی ۵۰ ساله - شغل آزاد - از خانواده بسیار نجیب وسرشناس - دیپلمه - چهار زبان اروپایی - سالم عاشق ورزش و مطالعه - خوش اندام و صادق مایل به آشنایی و ازدواج با آقایی متشخص - صادق و مهربان میباشد

کد ۶۲۴

آقایی ۳۰ ساله - دیپلمه - مهربان وخوش برخورد - تحصیل کرده - کارمند مایل به آشنایی و ازدواج با دوشیزه‌یی ۲۴ ساله دیپلمه - خوش اخلاق و خوش قیافه میباشد

کد ۴۶۹

آقایی ۴۰ ساله پزشک - خوش تیپ و خوش برخورد باهوش - اهل تفریح ومسافرت - قبلاً ازدواج کرده مایل به آشنایی و ازدواج با خانمی ۳۷ - ۲۷ ساله - دارای تحصیلات عالیه در رشته پزشکی و یا رشته های وابسته - فهمیده ، اهل زندگی و خوش برخورد میباشد

کد ۲۵۵

آقایی ۴۱ ساله با درآمد مکفی دارای دو فرزند - قدبلند - خوش تیپ - مهربان و عاشق خانه و خانواده مایل به آشنایی و ازدواج با خانمی ۴۵ - ۳۰ ساله - دیپلمه - مهربان - باگذشت - اهل زندگی وخانواده دوست میباشد

کد ۰۵۶

خانمی ۳۰ ساله - قد متوسط - چشمان روشن با تحصیلات دانشگاهی - دارای یک فرزند مایل به آشنایی و ازدواج با آقایی ۴۰ - ۳۰ ساله مهربان و فهمیده میباشد

کد ۶۳۹

کلوب صدا و تصویر

کلوب صدا و تصویر سازمان سیامک برای آگاهی و آموزش نسل جوان شروع بکار کرد .

این خدمات که مخصوص اعضاء سازمان میباشد درحال حاضر ویدئوهای :

۱ - رازهایی درمورد مردان که زنان باید بدانند (ویدئو)

۲ - مواردی درمورد جنس مخالف که هرگز بفکرتان نرسیده (ویدئو)

۳ - کاربرد عشق در زندگی (نوارصدا وتصویر) ،

از خانم دکتر دی آنجلز روانشناس برجسته و مشهور را به زبان انگلیسی در اختیار دارد که محتوای آن برای تمام خانواده ها ضروری است .

برای اطلاعات بیشتر با دفتر سازمان

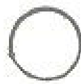
۴۷۹۸ - ۴۷۹ (۳۱۰) تماس حاصل نمائید .

. خانم جوانی خوش اندام، ۵/۲ شاغل، خوش سلیقه، قبلاً متأهل، بدون فرزند، علاقمند به ورزش، تفریح و مسافرت و رمانتیک، مایل به ازدواج با آقایی ۵۰-۴۵ ساله خوش تیپ و خوش پوش، صادق و وفادار، اهل ورزش، تفریح و مسافرت با درآمد مکفی می‌باشد.

کد ۵۵۷

آقای آمریکایی ۳۶ ساله پزشک، صمیمی و فعال، با مطالعه، مایل به ازدواج با خانمی تا ۳۵ سال می‌باشد.

کد ۱۶۸



نوشته: بری وجویس ویسل

برگردان: رویا فاخری



رویای عشق

مُشه مندلسون، پدر بزرگ آهنگساز شهیر آلمانی، خیلی با خوش منظر بودن فاصله داشت. علاوه بر قد کوتاه، قوز بسیار زشتی را هم دارا بود.

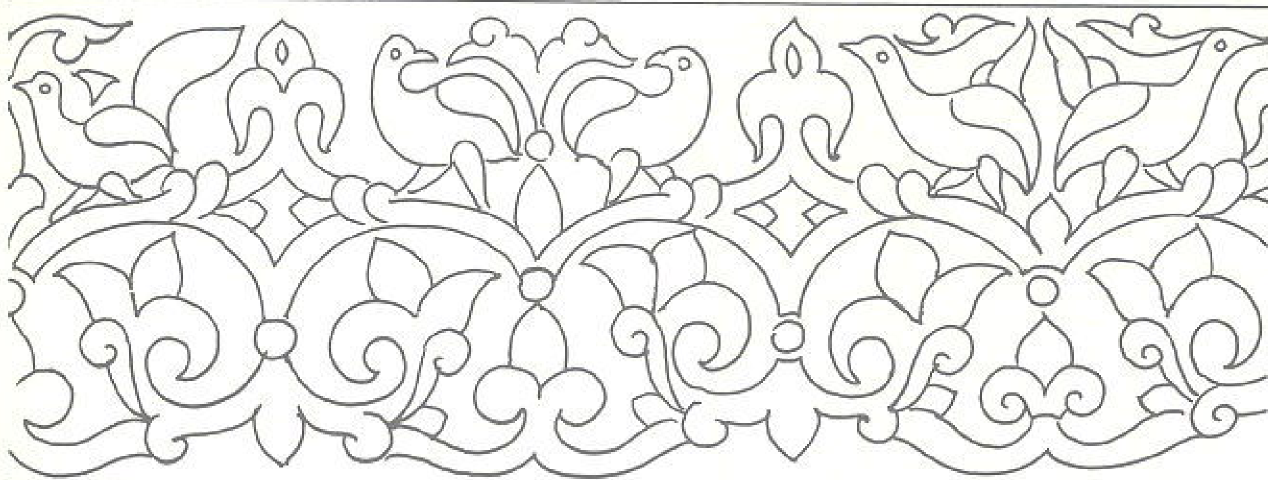
یک روز به دیدار تاجری در هامبورگ رفت که دختر بسیار زیبایی به نام فرامجه داشت. مشه، بی اختیار به دام عشق او افتاد. ولی دختر از ظاهر ناخوشایند او بدش می‌آمد.

زمانی که وقت بازگشت به شهر خودش فرا رسید، مشه به خود شجاعتی داد و از پلکان بالا رفت و به اطاق دختر وارد شد تا برای آخرین بار با او صحبت کند. براستی که او زیبایی ملکوتی داشت ولی دردناک بود که دختر حتی سرش را بالا نمی‌آورد تا به چهره او نگاه کند. بعد از چند بار سعی ناموفق برای سر صحبت باز کردن، مشه با خجالت پرسید: «شما اعتقاد دارید که عقد ازدواج‌ها پیشاپیش در ملکوت بسته می‌شود»؟ دختر در حالیکه به زمین نگاه می‌کرد جواب داد: «بله، شما چطور»؟

مُشه جواب داد: آری، می‌دانید، در ملکوت، وقتی پسری به دنیا می‌آید، پروردگار نام دختری را که باید به ازدواج او در آید را اعلام می‌کند. وقتی من به دنیا آمدم، عروس آینده من را نشانم دادند. آنگاه خداوند گفت: «اما همسر تو دارای یک قوز خواهد بود».

همان موقع بدون تأمل فریاد کشیدم: خداوندا، داشتن قوز برای یک زن، بسیار دردناک است، پروردگار متعال استدعا می‌کنم که قوز او را به من بدهی و بگذاری او یک زیبای کامل بماند».

این بار، فرامجه به چشمان مشه نگاه کرد، انگار به خاطره‌ای عمیق و دور فکر می‌کند، سپس به مندلسون نزدیک شد، دستان خود را در دستان او گذاشت و پس از آن همسر وفادار زندگی او گردید.



امثال سلیمان نبی

- آیا کسی هست آتش را در آغوش خود بگیرد و خود و جامه‌اش سوخته نشود؟!
- تقصیرهای شریر و احمق او را گرفتار می‌سازد و او بدون کس خواهد مرد.
- مثل آهو خود را از کمند صیّاد و مانند گنجشک از دست شکارچی خلاص کن و از او دور شو.
- شریران نان شرارت می‌خورند و افسونگران ساده دلان را افسون خود می‌سازند از آنان دور شو.
- لعنت خداوند بر خانهٔ ظالمان است و برکت در مسکن عادلان.
- به خداوند توکّل کن و به عقل خود تکیه نما، نه بر احساسات (عاشقانه) زودگذر.
- از چاپلوسی زبان زن بیگانه و عشق بازی با زن خبیثه و فریبکار خود را دور نگهدار و فریفتهٔ گفتارهای او مشو.
به پلک‌های چشمش فریفته مشو زیر که معاشرت با زن زانیه مرد را به یک قرص نان محتاج می‌سازد.
- از زن‌های اجنبی و بیگانه برحذر باش زیرا کسانی که به سوی آنان روند بر نخواهند گشت.
- مبادا عنفوان جوانی خود را به دیگران بدهی و غریبان از اموال تو سیر شوند و ثمرهٔ زحمت تو به خانه بیگانه رَوَد آنان هرگز قلباً با تو دوست و همدل نخواهند شد.
- لب‌های زن اجنبی عسل را می‌چکاند و دهان او از روغن ملایم‌تر است لیکن عاقبت او چون زهر تلخ است و بُرنده چون شمشیر دو سر بنابراین راه خود را از او دور ساز و به خانهٔ او نزدیک مشو.
- حکمت را تحصیل کن تا فهم و دانش یابی.
- پدر از دیدار فرزند خود مسرور می‌گردد و نصایح او چراغ راهنما و نور تعلیم و تربیت اوست.
- تأدیب پدر خود را بشنو و تعلیم مادرت را ترک مکن زیرا که آنان تاج زیبایی برای سر تو و جواهر گرانبها برای گردن تو خواهند بود.
- از زن هم دین خود مسرور باش و از محبّت وی محظوظ.

«بد اندیش گر دید پسر بر پدر   پدر بر پسر همچنان چاره گر»

اطلاعیه

قابل توجه هنر جویان، والدین، مربیان، و هنرمندان محترم:

هنر لازمهٔ زندگی است. و در این میان، شاید بتوان گفت که موسیقی همان ذات زندگی است. اینک جامعهٔ ما بیش از هر دورانی نیاز و آمادگی آن را احساس می‌کند که استعدادهای نهفته،نورس، یا کماکان ناشناختهٔ خویش را فرصتی دهد که روح گیرند، ببالند، و به پرواز آیند.

لذا، نظر به تلاش در شناسایی و معرفی استعدادهای نوجوان و جوان جامعه، سازمان سیامک در صدد است که اقدام به برگزاری رقابتی هنری در شاخهٔ نوازندگی آلات موسیقی بنماید.

این رقابت در گروههای سنی مختلف، زیر ۳۰ سال، برگزار خواهد شد. علاقه مندان برای کسب اطلاعات بیشتر و ثبت نام برای شرکت در این برنامه می‌توانند مستقیماً با دفتر سازمان سیامک تماس فرمایند.

تلفن ۴۷۹۸-۴۷۹ (۳۱۰)

یادی از گذشته ها

تصویری را که ملاحظه می‌فرمائید مربوط به مراسم اتمام سیکل متوسطه مدرسه آلیانس همدان در سال ۱۳۰۹ شمسی می‌باشد. با تشکر از آقای خلیل هرسل که این عکس را در اختیار ما قرار داده‌اند از خوانندگان عزیز تقاضا داریم در صورت در اختیار داشتن عکس‌های تاریخی آن‌ها را در اختیار ما بگذارند تا پس از چاپ برگشت داده شوند.

ردیف اول ایستاده از راست به چپ آقای یعقوب لاوی - الیاهو لاوی - آسحق آقاجان ...؟... حبیب نیکزاد - رحمن ترمه‌یی - ربیع عمید - موسی سهیم - حبیب شایگان - ربیع فهمید.

ردیف دوم ایستاده از راست به چپ - یداله هرسل - حسین فرهودی - شموئیل حاخام داود - ربیع رئوف - خلیل اسحق - امیر بدیع - یوسف هومن - خلیل منعم پور - مهدی فراودی - یحیی علاقبند - رفیع اله کیوان.

ردیف سوم نشسته از راست به چپ - ایوب مُشیر ادیریم - اسحق یاشار (پاشائی) خلیل آقاجان - مسیو رافائل صیون دبیر فرانسوی - جنت مکان مسیو ژوزف کُهن رئیس دبیرستان آلیانس همدان - امیر خان مینو دبیر ادبیات - حبیب بخور - ...؟...؟... یعقوب کیمیا.



آگهی در چشم‌انداز بنفع شما و جامعه است

چشم‌انداز در عرض مدت کوتاه کمتراز چهار سال عمر خود پرخواننده ترین نشریه غرب آمریکا است .

گواهی اداره پست آمریکا برای شماره گذشته ، نشان دهنده ارسال آن به ۵۶۱۸ خانواده میباشد . تیراژ کلی این نشریه ۷۰۰۰ شماره میباشد که مازاد آن درگردهمایی های لوس آنجلس پخش میشود و یا به کشورهای دیگر ارسال میگردد .

ادامه انتشار این نشریه کمکی به روشن شدن اذهان - بالابردن غرور و نگهداری میراث های یهودی است و ارزشهای انسانی برای جهانیان .

نرخ آگهی

	۳ شماره	۶ شماره	یکساله
تمام صفحه	۳۰۰ دلار	۲۵۰ دلار	۲۰۰ دلار
نیم صفحه	۱۵۰ دلار	۱۲۵ دلار	۱۰۰ دلار
ربع صفحه	۷۵ دلار	۶۵ دلار	۵۵ دلار
CLASSIFIED	-	۱۵ دلار	۱۰ دلار
پشت صفحه ۴ رنگ	۱۰۰۰ دلار	۸۰۰ دلار	۷۰۰ دلار
صفحه داخل جلد ۲ رنگ	۴۰۰ دلار	۳۵۰ دلار	۳۰۰ دلار

POSTAL SERVICE PERMIT SYSTEM
STATEMENT OF MAILING/DEPT WEIGHING AND DISPATCH CERTIFICATE

INTERNATIONAL JUDEA FOUNDATION
PO BOX 3074
BEVERLY HILLS CA 90212-0074

DATE OF MAILING 10/28/94 — CLASS THIRD — PROC CAT FLATS — TYPE BULK NON-PROFIT

WEIGHT OF SINGLE PIECE (LBS) 0.3175 — TOTAL PIECES 2,036 — TOTAL POUNDS 646.5000

MAILED: PERMIT NO. 00000 — POSTAGE: PART A, PART B, PART C, PART D $341.2420

ENTERED IN SYSTEM 10/28/94 17:18:36

ADDITIONAL POSTAGE: SPECIAL SERVICES, VERIFICATION

TOTAL POSTAGE: $341.24

I CERTIFY that this mailing has been inspected concerning: 1)eligibility for the rate of postage claimed; 2)proper preparation (and presort where required); 3)proper completion of the statement of mailing; and 4)payment of the required annual fee.

ROUND STAMP REQUIRED — TIME ___ AM / PM

SIGNATURE OF WEIGHER — RECEIVED FOR PROCESSING BY

CURRENT BALANCE:

COMMENTS:

POSTAL SERVICE PERMIT SYSTEM
STATEMENT OF MAILING/DEPT WEIGHING AND DISPATCH CERTIFICATE

INTERNATIONAL JUDEA FOUNDATION
PO BOX 3074
BEVERLY HILLS CA 90212-0074

DATE OF MAILING 10/28/94 — CLASS THIRD — PROC CAT FLATS — TYPE BULK NON-PROFIT

WEIGHT OF SINGLE PIECE (LBS) 0.3165 — TOTAL PIECES 3,582 — TOTAL POUNDS [illegible]

MAILED: PERMIT NO. 00000 — POSTAGE: PART A, PART B, PART C, PART D $718.3972

ENTERED IN SYSTEM 10/28/94 17:19:51

ADDITIONAL POSTAGE: SPECIAL SERVICES, VERIFICATION

TOTAL POSTAGE: $718.39

I CERTIFY that this mailing has been inspected concerning: 1)eligibility for the rate of postage claimed; 2)proper preparation (and presort where required); 3)proper completion of the statement of mailing; and 4)payment of the required annual fee.

ROUND STAMP REQUIRED — TIME ___ AM / PM

SIGNATURE OF WEIGHER — RECEIVED FOR PROCESSING BY

CURRENT BALANCE:

COMMENTS:

یهودیت را رها کردن یا به آن پیوستن :
شما کدام را انتخاب کرده‌اید ؟



ما برای نگاهداری سنت ها ،
میراثها و غرور یهودی میکوشیم .

گریز یا بی تفاوتی بامیزان وحشتناکی جامعه ما راچون موریانه از درون میخورد.
نسل جوان و نوجوانان ما یهودی بار نمی‌آیند . نسلی دارد درمقابل چشمان ما ناپدید
می شود .

راه حل چیست ؟

امروز بیش از همیشه ازشما میخواهیم
یهودیت را جستجو کنید .به سازمانهای
دلخواه خود بپیوندید . از هالاکاستی
دیگر جلوگیری کنید .

سازمان یهودیان ایرانی مقیم کالیفرنیا
«سیامک»


بعضی از سنتها دیر تر ازبین میروند
خدارا شکر...
کمک به نیازمندان یک سنت زیبای یهودیست .
غرور یک خانواده نبایستی بخاطر احتیاج به غذا نابود شود .
ما کمک های غذایی و یا اعانه مالی‌تان رابصورت غذا به خانواده های نیازمند میرسانیم .
اگر خانواده نیازمندی را می شناسید به ما معرفی کنید تا به صورت بسیار محرمانه به آنان رسیدگی شود .
۳۱۰-۴۷۹-۴۷۹۸

How Much Of The Truth Should You Tell Your Partner?

BY DAVID VISCOTT

Love only flourishes in a relationship that is truthful, and being accepted by your partner is the key that permits you to tell the truth. If you don't accept your partner, but try to change him, your partner may pretend to change just to please you, but at a later date abandon those changes and revert to his unacceptable behavior just to hurt you.

Telling the truth is the best way to prevent betrayal and keep love alive. If you have everything in your relationship but the freedom to tell the truth, you have very little. On the other hand, if all you have together is an ease of telling the truth, you have everything.

If the truth is told as soon as it is known, there is no truth that can destroy a good relationship. However, even small lies have the power to undermine trust and taint the good times. Hidden feelings produce a loss of spontaneity, a fear of disclosure. The partners suffer from nagging doubts that they can't put into words. How do you begin to speak about a lie you can't even put your finger on? Hidden feelings expand within you and seem to take over all your thoughts. In the best relationships, the pressure to disclose the truth is always great, for any withheld feeling is perceived as an obstacle preventing the partners from loving fully.

If you feel your relationship cannot tolerate much of the truth, it's in need of work. The best way to make it better is to risk being open. Dare to speak what you feel when you feel it. Do so in as simple and direct a manner as possible. Afterwards be silent and give your partner room to take it in and respond.

How much truth should you tell in a relationship? How much do you value your relationship? Let that be your guide. A partner who lies places little value on himself or his mate. You should feel comfortable saying almost anything. If your partner asks a pointed question and you are afraid to respond truthfully because you don't want to hurt your partner, assume that he is voicing his own doubts. Ask about what he is questioning, rather than answering the question directly. For instance, if your partner asks, "Do you love me as much as you used to?" answer by asking if he is questioning whether he still feels as lovable as before. In other words, acknowledge the hurt your partner is expressing in his question. Make that hurt the issue.

Telling the truth is never an excuse for abandoning good manners. Hurting someone with brutal honesty, no matter how you can justify your response, is far less honest than simply telling your partner that you are angry. ■

CANDLE LIGHTING TIMES 1994–95

		LosAngeles	Ventura	S. Barbara	San Diego	Palm Springs	S.Francisco	Honolulu	New York	Miami	Chicago
STANDARD TIME											
Nov	4	4:39	4:43	4:44	4:37	4:33	4:49	5:35	4:30	5:19	4:21
	11	4:33	4:37	4:39	4:31	4:27	4:43	5:32	4:23	5:15	4:13
	18	4:29	4:33	4:34	4:27	4:23	4:38	5:30	4:17	5:12	4:07
	25	4:26	4:30	4:31	4:25	4:20	4:34	5:30	4:13	5:11	4:02
Dec	2	4:25	4:29	4:30	4:24	4:19	4:32	5:30	4:10	5:11	4:00
	9	4:25	4:29	4:30	4:24	4:19	4:32	5:32	4:09	5:12	3:59
	16	4:27	4:31	4:32	4:26	4:21	4:34	5:34	4:11	5:14	4:00
	23	4:30	4:34	4:35	4:29	4:24	4:37	5:37	4:14	5:17	4:03
	30	4:34	4:38	4:40	4:34	4:29	4:41	5:41	4:18	5:21	4:08
Jan	6	4:40	4:44	4:45	4:39	4:34	4:47	5:46	4:25	5:26	4:14
	13	4:46	4:50	4:51	4:45	4:40	4:54	5:50	4:32	5:31	4:21
	20	4:53	4:57	4:58	4:51	4:47	5:01	5:55	4:40	5:37	4:30
	27	4:59	5:04	5:05	4:58	4:54	5:09	6:00	4:48	5:42	4:38
Feb	3	5:06	5:10	5:12	5:05	5:00	5:17	6:04	4:57	5:47	4:47
	10	5:13	5:17	5:19	5:11	5:07	5:25	6:08	5:05	5:52	4:56
	17	5:20	5:24	5:25	5:17	5:14	5:32	6:12	5:14	5:57	5:05
	24	5:26	5:30	5:32	5:23	5:20	5:39	6:15	5:22	6:01	5:14

ity, he needs to separate from her, not bond with another mother figure.

2. Males Need a Male Role Model

In order to transform a wild boy into a good man, a male model is as necessary as a male rule-giver.

When the Bible depicts God as merciful, caring for the poor and for the widow, and a lover of justice, it is not so much interested in describing God — who is, after all, largely indescribable — but in providing a model for human emulation. Especially male emulation.

If God were a female, boys and men would deem these beautiful traits as "feminine," and therefore, in their pursuit of their masculinity, reject them.

We have too many absent fathers on earth to begin to even entertain the thought of having no father in heaven.

But if God, i.e., our father in heaven — who is, on occasion, even a warrior — cares for the poor and loves justice, mercy and kindness, then these traits are masculine, and to be emulated.

The argument that this is sexist, since girls need moral female models, is irrelevant and untrue. It is irrelevant because the problem of mayhem and violence is a male one — and this is the problem that the Bible is most concerned with. It is untrue because girls are able to retain their femininity and their decency with a male-depicted God. Girls, too, view their fathers as rule-givers. Of course, girls need female role models — but not in order to avoid violence.

3. The Male Is More Rule-Oriented

A third related reason for the depiction of God in masculine terms is the indispensability of the rule of law to a just and humane society.

Law and order are not code words for repression, but rather the essential building blocks of a decent society. It is therefore natural and desirable that God will be identified with the gender that is more naturally disposed to rules and justice — males. Females are more naturally inclined toward feelings and compassion — two essential qualities for a decent *personal* life, but not for the governance of *society*.*

A male depiction of God makes a law-based society possible. And the Torah is nothing if not law-based.

It is ironic that some women, in the name of feminism, are attempting to emasculate the God of Western religious morality. For if their goal is achieved, it is women who will suffer most from lawless males.

We have too many absent fathers on earth to begin to even entertain the thought of having no father in heaven.** UI

*The predisposition of women toward compassion over law was recently made apparent in the trial of Erik and Lyle Menendez for the premeditated murder of their parents.

In Erik's trial, all six of the women jurors voted against convicting him of murder, and all of the male jurors but one voted for a murder conviction. The women felt sorry for Erik, given his testimony that he had been abused by his parents when he was a child. The men, whatever they felt about the alleged abuse, voted on the basis of rules — when you plot to murder two defenseless people, and do so, you have committed murder.

**I offer, solely for further thought, a fourth reason, not related to morality, that may also explain why God has been depicted in masculine terms.

When men feel vulnerable and need to cry out to someone, that someone, in the vast majority of instances, will not be their mother. A healthy, masculine male does allow himself to feel vulnerable and to cry before a woman — but that woman is his wife. Thus, in order for men to feel free to cry out as vulnerable beings to God, that God must be a father. Most men will not allow themselves to cry out to a God depicted as a mother.

In terms of crying out and feeling vulnerable, the gender-depiction of God is much less important to women who, with no loss of strength or femininity, allow themselves to cry out equally to a father-figure or a mother-figure.

Why God Must Be Depicted as a Father and Not as a Mother



by Dennis Prager

IT is generally believed that the reason the Bible, the book that introduced humanity to God, refers to God in the masculine is the patriarchy and sexism of the ancient world.

It is true that the Bible is written within a patriarchal context, and it is true that there is sexism in Bible-based religions. But these facts alone do not explain why God is depicted as a "father" rather than as a "parent" or "mother," which are the only other two possibilities. Because the biblical God is a personal God, a neutered "It" is unacceptable.

The depiction of God in masculine terms is essential to the fundamental moral purposes of the Bible.

In order to understand why, it is only necessary to acknowledge two facts:

1. The Hebrew Bible's primary concern is moral behavior, i.e., promoting good behavior among human beings, and inhibiting violence against innocent people.

2. The primary perpetrators of violence against innocent people are males, especially young males.

A personal note: I am a strong supporter of women's equality. I also know that two of Judaism's fundamental teachings are that God is neither male nor female, and that both men and women are created in God's image.* Moreover, my own religious life is quite egalitarian, and I regard the notion that either sex is superior as nonsense.

Nevertheless, I believe that there are at least three reasons to depict God in the masculine.

*ויברא אלהים את האדם בצלמו בצלם אלהים
ברא אותו זכר ונקבה ברא אותם (Genesis 1.27)

1. Boys Take Rules from Men

When they are young, males need to feel accountable to a male authority figure. Without a father or some other male rule-giver, young men are likely to do great harm. Almost any mother will tell you that if there is no male authority figure to give a boy rules, it is virtually impossible for her to control his wilder impulses.

For this reason, a God depicted in masculine terms, not a goddess, not a "Mother in heaven," must be the source of "Thou shall not murder," "Thou shall not steal," etc.

Women who feel discriminated against because of the male depiction of God need to reflect on the consequences of a goddess- or mother-based religious/ethical code. They need to ask themselves whether any discomfort they may feel because of a masculine depiction of God is comparable to the pain they will suffer if boys are not civilized into good men.

Those who do not readily acknowledge the need for male moral authority only have to study the criminal population in the United States in the late twentieth century. They will find that, more than any other factor, the absence of a father or other male authority figure in the formative years of a boy's life contributes to criminal behavior.

If the father-figure/rule-giver that boys need is not on earth, a loving and morally authoritative father in heaven can often serve as an effective substitute.

But the last thing that a boy growing up without a father needs is a female figure to worship. He already has one — his mother — and in order to develop a healthy masculin-

If God were depicted as a female, boys and men would regard God's beautiful traits — such as love, kindness and justice — as "feminine," and not identify with them.

Small Actions, Significant Changes

A Note About Weight Control

BY SABRINA SHOKRY, NUTRITIONIST

No one can do a better job of taking care of you than you. To that end, I hope these tips will help you through your journey to better health.

Small Actions, Significant Changes:

There is no need to feel overwhelmed by your doctor's changes to your diet and lifestyle. Small changes can quickly add up to significant improvements.

Here are some small changes you can make to your everyday eating habits. Make one or two changes a week, and you'll find the amount of fat and cholesterol in your diet will fall more easily and more quickly than you think.

Action 1: Buy non-stick vegetable oil spray and use it instead of butter or oil on pans and baking sheets.

Action 2: Serve a bowl of fresh fruit for dessert twice a week.

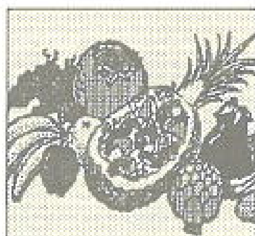
Action 3: Cook brown rice for stews instead of white rice.

Action 4: Trim all visible fat from red or white meat and remove the skin from chicken before cooking.

Action 5: Prepare a fish dinner once a week. Use lemon and herbs as seasoning instead of tartar sauce. Instead of frying, broil fish for 10 minutes per inch of thickness if fresh, 20 minutes per inch if frozen. If it's in foil, add five minutes cooking time for fresh fish, ten minutes for frozen.

Action 6: Make your sandwiches without mayonnaise. To decrease the risk of cancer, use low fat cold cuts that do not have carcinogens as a listed ingredient.

Action 7: Use whole wheat breads only. You can find many delicious Persian breads that made with whole wheat.



One should simply eat enough food to maintain adequate weight . . .

A Note About Weight Control

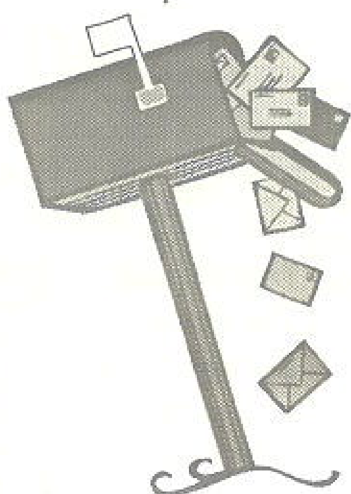
Obesity definitely increases the risk of many chronic diseases. It now appears that fat, added to the waist, increases the risk of diabetes, heart disease and possibly, breast cancer. However, too many people become obsessed with counting calories rather than eating a healthy, sensible diet. One should simply eat enough food to maintain adequate weight . . . nothing more, nothing less. Scales are still good indicators.

The best time to improve your diet is right now. And, by simply reading this WELLNESS article, you have made a good start. We can help you keep up the good work. If you have any questions, simply mail them to Chasm Andaaz, c/o Nutrition & Wellness, P.O. Box 3074, Beverly Hills, CA, 90212. If selected, we will publish your letter and a response to your question. Keep well!

That's it! I'm not arming you guys and girls with any more lines . . . not that it seems that there is a need for them anyway. No matter what line you use to break the ice with someone, the best tactic is to maintain a sense of humor and just be yourself! The women I spoke with agreed that copping an attitude is the best way to turn a girl off. Sincerity is the key! Good luck!

SOUND OFF . . .

Is there something that makes you so mad that you want to scream with frustration? Does something you heard blow the mind? Do you feel you absolutely have to get it off your chest or risk brain damage? Well, do share!!!



From now on, each issue of Chashm Andaaz will have a section for gripes, groans, complaints, pet peeves and general moaning and groaning. You can sound off about silly myths you heard or attitudes that make your life miserable. You can share a strange story you heard or an experience you have had. Or, you can simply make an observation.

Here are the restrictions: Keep your messages "clean," we cannot publish profanity; keep it to one paragraph and/or approximately 3-6 lines. That's it! Sound easy enough? Just pop your short note into the mail and address it to Chashm Andaaz, c/o "Sound Off," P.O. Box 3074, Beverly Hills, CA, 90212. If your message is selected, we will publish it in the corresponding issue. Remember to include your name and a visual aid if necessary (though you can leave the message anonymous if you prefer).

In the meantime, some people have already welcomed the opportunity to get a few things off their collective chests!

- "Is it possible for two people to be straight with each other? Since the first time they meet, they chow a side of them that they think the other person will like. The problem is that the side they are showing is not really them. Not until they get married does the true side come out. Why not let the person know the real you at the beginning and decide if he or she likes you? Believe me, it won't help you or your partner if there is a game involved." – **Dalia N.**

- "Why do girls date the guys who are creeps, but rich? Why are those of us who don't have as much money looked at differently" -- Pedram

- "One of the last things a guy told me before I broke up with him was 'how can you break up with me? I spent so much money on you!' It is very hard for me to forget this. It;s not like I forced him to impress me. Guy's if this is a problem for you, don't spend the money. Don't go to expensive restaurants or buy a Mercedes just to impress the girl. If you can't afford it, don't do it!!! – **Roya B.**

- "Why don't guys get the hint when the girl tells them she is not interested, They keep calling and calling, and sometimes they become threatening. Do they think that by acting this way they might change the girl's mind? If this is what they think, they are absolutely mistaken. Guys, open up and smell the coffee!!!" – **Helena A.**

DROP ME A LINE . . .

Are you royalty?

By Jeny Eshaghian

"Are you royalty? You look like royalty . . . you must be royalty!" You have to love this line. It's just so original and so darn flattering. Granted, the cynical side of my nature would, well . . . pass-out if it was said to someone else. But given the right circumstances, a line like this can easily slip through the B.S. detector (not that I'm not aware the comment is absurd, I just choseto ignore that little dose of reality). This is the beauty of a good pickup line. Like a movie, a good line allows a suspension of disbelief and reality.

So, thinking I must be the most gullible fool in history, I asked (read: harassed) a few friends into sharing some of their favorite lines. Obviously, it became a shmorgesborge of giggles with my girlfriends, but believe me, it wasn't easy to get some guys to part with these little gems. In the end, a bit of charm, persistence and a healthy dose of begging won the day. So, I figured I would share a few of my favorites (at least the ones that can be repeated in polite society). So, enjoy!

- ***"Didn't I see you at the bus stop?"***
(What kind of woman falls for this line? Ugh . . .)

- ***"If you don't go out with me, you'll never forgive yourself."***
(I'd never forgive myself if I did!)

- ***"What's your sign?"***
(Only the truly desperate or extremely brave should try to execute this maneuver with any hope of success. The only way I can imagine this lines works is if you mean it as a joke. Even then, how can you be sure the woman is laughing with you?)

- ***"Don't you hate pickup lines?"***
(Ooh, very nice! Though it's obviously a pickup line, how can you shoot this down? It reeks of empathy! You must agree, this one is a pearl. My hat goes off to the author!)

- ***"So, what do you do?"***
(What is this . . . an employment survey? Sadly enough, this line is probably used more often and with more sincerity than "what's your sign." Even worse, women and men use this line (though not always as a pickup line). If this is your first thought, you may seriously want to examine your priorities. Otherwise, this is a desperate call for help in a conversation between two people who know so little about each other, they are reduced to basic inane chatter. Hey, we've all been in this position. We should substitute this for some really wacky question like "what's your favorite ice cream flavor?" How's that for original?)

- ***"You should go out with other men so you'll see how well I treat you."***
(Here's a hint . . . this line is designed and guaranteed to make any girl's blood boil. Unless you really want the girl to date other guys, don't, I repeat, don't use this line!)

- ***"Haven't we met somewhere?"***
(If you were here, you'd see me laugh my head off. As stupid as it is, this line is absolutely foolproof with Persians. Let's face it, we are all either related, family friends, or share mutual acquaintances. Chances are, you have seen each other somewhere—probably at Loew's or at "garden parties!" You better just hope that the guy or girl you use this line on has a decent memory or is feeling charitable).

mic because the label will have a life of its own. Even the word "Shoah" he points out is not a perfect word because of its largely passive connotation. Yet the question is not to be easily dismissed as Garber's essay indicates. It has a great bearing on many aspects of the problem including ways in which the Holocaust is unique.

What may be seen as a companion piece is Garber's examination of the dating of the Shoah. And the conclusion at which he arrives is consistent with all that he writes (and lives) regarding activism versus quietism: "Thus on; April 12, 1951, the Knesset read first the declaration on *Yom ha-Atzmaut* followed by the declaration on *Yom ha-Shoah*. The order of the readings is important; it suggests that only a relentless commitment to life and hope (Zionist dream and hope) can withstand the pain and grief of remembering the Shoah. The Reverse is unthinkable."

Scholarship without imagination can prove sterile. As we read in Chapter Six, mythicizing history is invaluable for those who would understand. Imaginative, even fictional truth, has its own level of integrity and meaning – at least on a par with so called historical truth. In the example he gives us of the martyrs known as the Ninety-Three Maidens he shows us how, in the sense of biblical story telling, the letter of these women "confronts the generations after Auschwitz with the 'living' message of the dead." Again, in his consistency, he insists that "Their act of Kaddish becomes an act of doing not just and exercise in remembering."

Another kind of martyrdom is approached in the essay on Edith Stein. The nature of her death is ambiguous. Did she die as a Jew or as a Christian as far as her murderers were concerned? Jewish and Christian authorities can be found who are convinced on both sides of the issue. Typically, Garber does not duck it but faces it squarely *panim b'fanim.*

As in the piece on Edith Stein, and in fact all of his other chapters, Garber writes from a perspective based in his understanding of Jewish theology. This is certainly true in "Night Encounters" of the interlocation of Shoah in Passover rites (where classical rabbinic thinking is a part of the living service and therefore both Liberty and Law are stresses) and of Amalekphobia as discussed in Chapter Seven.

My point in this little reprise is to remind the reader of the range that this volume covers. Professor Garber did not set out deliberatley to impress us with the scope of his conviction. Each of these is an occasion piece, written for a specific audience or event. Yet together they make a cohesive whole. It is as if he purposely set out to expand the meaning of the term "ecumenical." In common parlance it has to do with intrareligious dialogue – within Christianity. However no religious group exists in isolation even if it wishes to. Garber takes up the wider expanse of Christian-Jewish dialogue which is necessary and all too often absent on anything beyond the superficially social level and he gives it substance in a way that is unique to him.

May we see many more such works from his mind and heart.

Harry James Cargas
Webster University



insights in the methodologies of successfully teaching the brute facts. But his rare genius finds its best expression in presenting and interpreting the meaning(s) which are there to be read out in the dialogue with the Book of History.

The inter-acting with the Book of History, we are presently aware of the past, presently aware of the present moment, and presently aware of the future. Along this continuum of awareness, the person who lives in human history - and not in a dream world apart from it - grows and matures with his years.

Professor Garber's essays help us to prevent a premature closure on the story of the Holocaust, and to keep it a continuing warning of the wickedness to which men and women are prone when they lose the human touch and devote their brains and skills to the service of idols like the *Führer* and the *Führerstaat*. His work reminds us, as no more accumulation of "*facts*" ever could, that we were human beings before we acquired those academic degrees, and that - like those technically competent barbarians who created the complex killing machine that was the Nazi Third Reich - we too shall stand naked at the Grand Assize.

Franklin H. Littell
Baylor University

The Shoah was an extraordinary event. It requires an extraordinary response. That should be plural: it requires extraordinary responses. Just the awesome event was so unique in human history, so must each of our responses be unique to us. Not unique to be different but unique to be creative. There will be no one adequate response to the Holocaust. The best we can hope for is that each of us confront the crisis fully, honestly, to the best of our capabilities to discover in our minds, in our hearts, the significance that the Shoah has for each of us individually and the world collectively.

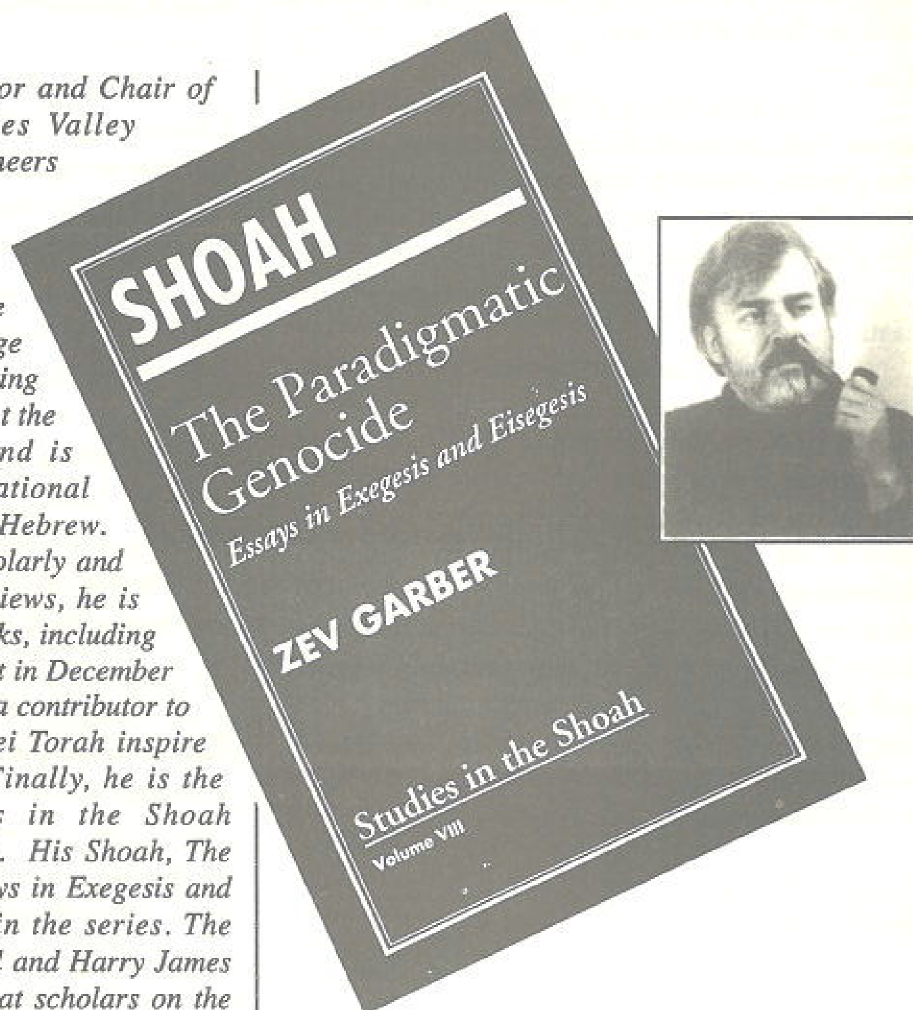
Zev Garber has had the courage to do that. There are rationalizations which we might take in order not to experience (from our personal distances, of course) the crime of genocide against the Jews *panim b' fanim* or "face to face" to the degree that we can. Whether we say it is too overwhelming, or the past is past, or it should be left to the scholars, the philosophers, the historians, the theologians, whatever the "excuse" these are inadequate. Professor Garber says in his talk at the Berlin International Conference, we must "address the Shoah as living history." However, as he insists, we must do this "in terms of activism and not quietism." To do otherwise would be to betray the dead.

It could also be to betray the living. Hence Garber's continued significant work on teaching the Holocaust. Because of its tremendous importance, the Shoah must not be taught casually. It is not merely another course to be passed, another three credit block to be scheduled, another program to be gotten through. There has never been another subject like it. Furthermore, there are no precedents on which to build. There is no adeqaute vocabulary to desribe certain events of World War II. Therefore guidance by authentic teachers is both welcome and necessary. The second chapter of this volume addresses that need.

Part of the question of teaching and vocabulary is examined in the third chapter on the reason the Holocaust is so called. That our response to the Holocaust is not logical but psychological, as Garber puts it, is exactly right. And again he is correct when he reminds us that in one sense the question is acade-

Zev Garber's New Book

Zev Garber is Professor and Chair of Jewish Studies, Los Angeles Valley College. He is among the pioneers of Jewish studies in the State of California since 1970 when he introduced this discipline into the curriculum of the Los Angeles Community College District. He has served as visiting Professor of Religious Studies at the University of California and is President Emeritus of the National Association of Professors of Hebrew. The author of hundreds of scholarly and popular articles and book reviews, he is the editor of five scholarly works, including perspectives on Zionism due out in December from Purdue University. He is a contributor to Chashm Andaaz and his divrei Torah inspire our Yom Kippur services. Finally, he is the Editor-in-Chief of Studies in the Shoah (University Press of America). His Shoah, The Paradigmatic Genocide: Essays in Exegesis and Eisegesis has just appeared in the series. The comments of Franklin H. Littell and Harry James Cargas, two of the world's great scholars on the Shoah, testify to the importance and significance of Professor Garber's Shoah study.



Zev Garber is a diligent and creative philosopher of history - a rare academic bird in a season when history is disregarded and the interpretation of history widely despised. He has splendid command of the languages and methodologies of Torah and Midrashim, so that the dialogue with the Book of Books comes alive at his hands.

The burden of the 19th century rests heavily on us yet, and a number of academics still seem to think the sheer accumulation of mountains of data is self-justifying. Professor Garber has moved well beyond this illusion that the human present and future may be fully explicated by the vigorous exercise of human reason. He is not afraid of the mythic and the mysterious, the poetic and the paradoxical.

Professor Garber has no problem with making his contributions to the documentation of the story of the Holocaust, nor with expounding fresh

The 16th century synagogue had been intended by the Nazis to house the "Museum of an Extinct Race" once the extermination of European Jewry was completed.

BOOK THIEVES

Russian counter-intelligence officers have turned to a new endeavor—tracking stolen library books—after curators of the Russian National Library discovered that the cream of their collection of medieval Jewish manuscripts had been stolen over a period of several years.

Librarians said the centuries-old documents, including Torah scrolls, Talmudic commentaries, marriage contracts, and books of psalms and prayers, began to turn up on international antiquities markets in New York and Jerusalem, with an asking price of millions of dollars.

SCIENCE & TECHNOLOGY

SEAT AID

A former El Al flight attendant, now a student at Hadassah College of Technology in Jerusalem, has designed an aircraft seat for disabled passengers.

The seat is an airline chair on wheels, whose detachable base slides easily on and off its frame, allowing the physically challenged to be wheeled down the narrow gangways, instead of being half-carried, half-hustled along.

EYE STUDY

Researchers at the University of California studying eye diseases in elderly Jews have found far more cases of cataracts than in the general population.

The scientists recommend further studies to uncover specific risk factors for various ethnic groups and geographic areas to determine strategies for prevention, education, and allocation of resources.

FAX CODE

A new Israeli company, Elirow of Kfar Sava, has developed an innovative computer program capable of encoding and scrambling facsimile texts to prevent their exposure through wiretapping.

The program costs about $60, and users may copy it and supply it to those receiving their faxes.

CLOT DETECTOR

A medical instrument to detect blood clots, developed in Israel, is being produced and will be marketed by a Canadian firm.

The instrument, called "paptide," permits quick, precise, and reliable detection of deep-seated blood clots and their side effects in lungs and veins.

SHOCK PREVENTION

A study by Israeli medical scientists from the Weizmann Institute of Science, Kaplan Hospital, the Sheba Medical Center, and Wolfson Hospital has found that magnesium salts protect animals from anaphylactic shock, an often fatal allergic reaction which also affects humans.

The study has been published in a recent issue of the *Journal of Basic and Clinical Physiology and Pharmacology.*

AROUND & ABOUT

HONORS

The government of Jamaica has conferred the high honor of "Commander of the Order of Distinction" on Rev. Ernest H. de Souza, the spiritual leader of the country's Jewish community, for his outstanding contribution to that community and for Social Services in Jamaica.

It is the first time that a member of Jamaica's 300-year-old Jewish community has been so honored.

LIBYAN HOSPITALITY

A Greek captain has been allowed to return to his ship after standing trial in Libya for violating an Arab League ban when he entered Tripoli port with the banned ship.

Libyan authorities said the ship was "undesirable" because it had been built for an Israeli company in 1964 before being sold to Arab interests.

CLOSE CALL

An Algerian arrested in Morocco has confessed that he was told to attack a synagogue in Casablanca but sprayed a Jewish cemetery with gunfire instead.

The man said he was told to attack the synagogue but found it to be too heavily guarded and desecrated the cemetery instead.

INCIDENT

Lev Rozenberg, a Jewish resident of Moldova who is a correspondent for several Moscow news agencies, was attacked and beaten in Tiraspol outside a theater hosting a Slavic and Eastern Orthodox theme film festival attended by delegations from Russia, Serbia, and other countries.

The incident took place in the wake of a rally in Tiraspol at which "international Zionism" was attacked.

ISRAEL

REPENTANCE

About 4,000 Christian fundamentalists on a pilgrimage to Israel have held a ceremony to repent for the murder of six million Jews in World War II.

"We are confessors to the guilt of our nations and the guilt we have as Christians. We are ready to face the guilt of our forefathers. We will not stop asking forgiveness from the Jewish people," said a representative of a group of German pilgrims.

CRUISING ALONG

The director-general of Israel's Ports Authority has announced a plan to build a passenger terminal for cruise and pleasure craft at the Red Sea port of Eilat.

The terminal will cost about $2.5 million and will be patterned on the Seattle port facility.

SPECIAL DELIVERY

An agreement has been signed, the first of its kind, between an Israeli transport corporation and a group of Egyptian transport companies and trade cooperatives for reciprocal services on both sides of the border.

It will ease door-to-door transport facilities between the two countries.

YOM KIPPUR

Over 100 children were injured in bicycle and skateboard accidents on Yom Kippur as the traditional quiet in Jerusalem was preserved with few cars on the streets and children taking to their wheels.

Ninety-two women gave birth to Yom Kippur babies, four of them delivered at home or in ambulances on the way to the hospital.

GEFILTE GUILT

The Israel Consumer Council has analyzed the contents of canned gefilte fish available in the country and has found that not one of the five brands surveyed was up to standard.

The study found that in all brands tested, including two American brands, the fish content was too low.

PEKING DUCK

An Israeli-Chinese farm for agricultural studies has been opened at Beijing's University of Agriculture and Engineering.

The farm will be jointly managed by Israeli and Chinese specialists and will include studies in such subjects as water recycling and heating technology.

GROWTH

Israel's population grew by 125,000 over the past year to 5.4 million, according to the country's Central Bureau of Statistics.

The population at the beginning of September was composed of 4.4 million Jews, 770,000 Muslims, 160,000 Christians, and 90,000 Druze.

EASTERN EUROPE

GROWING STRENGTH

The neo-Nazi Russian National Unity Party may be more powerful than initially believed, according to a report to the editor of Russia's daily *Izvestiya*.

According to the report, the party has some 10,000 full members, and the support of numerous sympathizers in military, police, and government circles.

GROWING STRENGTH, TOO

The regeneration of Jewish life in Moscow was not only apparent during the High Holy Days, but also on Sukkoth, the Harvest Festival.

Some 2,000 people ate in the Moscow Sukkah during the holiday.

UPRISING

An ill-fated anti-Nazi uprising against German troops, in the otherwise collaborationist puppet state of Slovakia during World War II, has been marked by 15,000 people and representatives from 25 countries.

The uprising began on August 29, 1944, but was crushed by German troops in about two months at a cost of 10,000 lives.

COMPENSATION

The Czech government plans to compensate Czechs who were victims of Nazi persecution during World War II by selling property owned by the former Czechoslovak Communist Party.

The total amount of compensation, estimated at up to $35.8 million, would come from sales of property such as former party printing works.

VERY HI-TECH

A memorandum of understanding governing cooperation in practical space research between Israel and Russia has been recently signed.

The cooperation will include commercial development of space satellites, mainly for communications.

NEW SERVICES

The first non-Orthodox High Holy Day services in Prague since World War II were held this year in the city's recently reopened High Synagogue.

World War I, and that Jews control the world gold supply and the news media.

KLAN KATALOGUE

Winnipeg police and community leaders are expressing concern over the appearance of a catalogue promoting racism and Nazism.

The catalogue, produced by a company called "New Dawn Distributors," features consumer items such as mugs, ashtrays, and t-shirts with Nazi and racist messages; it is the latest venture of William Harcus, the self-proclaimed leader of the Ku Klux Klan in Manitoba.

HARASSMENT

An Orthodox Jew in Cincinnati says a police officer stopped him on a Friday night for jaywalking, then sexually harassed him while frisking him and forced him to violate the Sabbath.

In a complaint filed against the officer, the man said that he was threatened with jail if he did not sign a ticket he received, despite his insistence that writing violated Sabbath laws.

DESECRATION

Canada's Supreme Court has ruled that the desecration of gravestones in a Jewish cemetery by people using Nazi artifacts was illegal, even though no damage was done to the bodies.

The decision upholds the conviction of a former teacher who directed a skinhead teenager to use Nazi props and then photographed him in front of a headstone in a Jewish cemetery in Hamilton, Ontario, in 1990.

FUNDING

Quebec Jewish day schools will receive 100% funding for secular studies from the provincial government by 1997-98, an increase over the current 60% funding.

Government funding for the Jewish schools is per student and is tied to the public school rate.

EUROPE

RETURN

After five centuries of clandestine worship, a small gathering of Jews in the remote town of Belmonte, Portugal, has shed the pretense of Christianity and is relearning its past with the help of a rabbi from Israel.

The 200-member community is the only sizeable group of Jews in Portugal to have clung secretly to its identity since its predecessors were forced to convert to Catholicism or leave the country in 1497 by the Inquisition.

OPENING?

Marks and Spencer, a British shopping empire founded by Jewish entrepreneurs, has denied media reports that it is poised to open stores in the Gulf region.

The official Kuwaiti news agency had reported that the merchandiser was negotiating with a consortium of Kuwaiti businessmen to establish a holding company that would manage new store branches in Kuwait, Dubai, Abu Dhabi, and Bahrain.

FULFILLING

After remaining vacant for 64 years because of continuing policy disputes, the two U.S. seats on the board of the Bank for International Settlements in Switzerland have finally been filled.

Both before and during World War II, the Bank for International Settlements was criticized for "alleged collaboration with Nazi Germany."

BIRTHDAY BLUES

Austrian police have arrested four suspected right-wing extremists, including the son of a prominent politician, for giving false court evidence.

The four denied that a "birthday party" attended by a banned extreme right-wing organization was political, saying that it just "coincidentally" took place on the birthday of Adolf Hitler.

SLIM VICTORY

Swiss voters have approved a ban on racial discrimination and Holocaust-denial by a slim margin after a bitter campaign in which right-wing opponents called the measure a muzzle on free speech.

The Swiss were voting on the country's ratification of the 1965 U.N. Convention on the Elimination of All Forms of Racism.

COLLABORATOR

French President Francois Mitterrand tried in 1990 to prevent the war-crimes trial of his friend René Bousquet, police chief of France's collaborationist Vichy regime, according to a former French justice minister.

Bousquet, who ordered the mass round-up of thousands of Jews in Paris in 1942 for deportation to Nazi death camps, was assassinated last year while under investigation for crimes against humanity.

ERUV

Britain's largest Jewish community has won permission to set up the country's first *eruv*, a symbolically walled area that will allow observant Jews to carry objects and wheel baby carriages in the public domain on the Sabbath.

The *eruv* will cover a six-square-mile area of London.

DATELINE
WORLD JEWRY



■ NETWORK

German neo-Nazis are systematically regrouping and making renewed attempts to set up country-wide alliances in a bid to circumvent bans and to unite the far-right, according to a report by a top security official.

According to the report, the most dangerous of the right-wing organizations is the Republicans, whose longtime head was former SS officer Franz Schoenhuber.

■ WATCHING YOU

Berlin authorities have classified the far-right Republican party as an extremist organization, opening the way for city security forces to spy on the party's activities.

The Berlin Senate, or city-state administration, has joined other German states that have ordered anti-extremist agencies to keep a close eye on the Republicans with the help of undercover agents and electronic surveillance.

■ RESTORATION

Frankfurt's Westend Synagogue, the largest synagogue in Germany, originally distinguished by an elaborate dome, has reopened after six years of renovation.

Built in 1910, the building was heavily damaged by fire during the November 1938 Kristallnacht pogrom. It was rebuilt without a dome in 1950, and the recent restorations followed the lines of the 1950 reconstruction.

■ NOT WANTED

A group of German neo-Nazis have abandoned and put up for sale their fortress-like headquarters in the Danish village of Kvaers, driven away by stone-throwing residents and anti-Nazi demonstrators.

Danish media had reported that German neo-Nazi National Front leader Meinolf Schoenborn bought the house to use as a base for printing and distributing propaganda in Germany.

■ BAD LUCKS

The Justice Ministry in the German state of North-Rhine Westphalia has suspended a senior state prosecutor for planning to run for the far-right Republicans in the country's general elections.

Karl Lucks was suspended after a warning to withdraw his candidacy.

■ NO SHOW

A leading American Nazi apologist due to stand trial in Germany on charges of inciting racial hatred and denigrating Nazi death camp victims has failed to turn up in court.

The court in Mannheim said it was considering what steps to take against Fred Leuchter, a propagandist who denies the Nazis used gas chambers for mass murder during the Holocaust.

NORTH AMERICA

■ SEA CHANGE

A recent four-day symposium on Mideast maritime cooperation has been held in Halifax, Nova Scotia, as part of an ongoing series of meetings generated by the U.S. and the former Soviet Union.

Mideast delegates included an admiral and a captain from the Israeli navy and representatives of Algeria, Egypt, Jordan, Kuwait, Oman, Tunisia, Yemen, United Arab Emirates, and the Palestinians.

■ NO SECRETS

Israel has reached a preliminary agreement with the U.S. that Israeli and American income tax authorities will share information on non-resident bank accounts in Israel and America in cases where criminal wrongdoing is suspected.

Israeli bankers are concerned that the agreement will lead South American and South African Jews with Israeli bank accounts to withdraw their deposits.

■ NORRIS-KEIT

Richard Norris, a Cleveland Democratic candidate for an Ohio House seat, has criticized an opponent's marriage to a Jew.

In a newspaper interview, Norris attacked State Rep. C.J. Prentiss and her husband Michael Charney, saying that Prentiss "shames all black women" because she is "married to nothing more than a hippie-type, bald-headed squatty Jew."

■ OLD LIES

A Polish newspaper in Edmonton, Alberta, has printed extracts from the notorious anti-Semitic forgery *Protocols of the Elders of Zion*, with a foreword by the publisher saying that he had been asked by readers of the paper to run the excerpts.

Among the segments printed were allegations that Jews were responsible for the French Revolution and

WHERE THE STREETS HAVE NO NAME

It was a Sunday meant for sleeping late and-cuddling under the warm protection of a soft blanket. Cool, overcast skies and the unusually early hour of the morning probably kept most people in bed until late in the morning, but the homeless people of downtown Los Angeles were not among them. In fact, 11 Jewish-Persian volunteers joined the homeless on that Sunday, hoping to help take the bite out of the cold with warm food and a bit of kindness.

On Sunday the 23rd of October, representatives of IJF and a few friends agreed to meet at IJF's offices at 9:00 a.m. In spite of dire warnings of danger and riots, together, they traveled to the heart of skid-row in downtown Los Angeles. What began as charity became an enriching experience that taught everyone a great deal about man's immense capacity for basic human kindness. In exchange for a plate of food, the homeless men and women of our city taught us that dignity is exclusive of money or living accommodations.

Over 250 men and women lined up in an orderly manner to receive the food donated by local restaurants and volunteers. What followed when a few people tried to cut into line was tamer than what takes place at most high school cafeterias. As they passed, each politely thanked the volunteers and took the time to bless us for our kindness.

While most complied with our request to keep the area clean, a few cups still littered the parking lot we had used. One man grabbed a plastic bag and started to clean the area without being asked. When offered some extra juice and a loaf of bread (thanks to the generosity of the bakeries who contributed), he was genuinely overwhelmed. A middle-aged Asian woman kept insisting that the two loaves of bread we offered her were more than enough and the third were "really too much." One man carried juice to a woman he pushed in a wheelchair before drinking his own.

In the end, we left tired and dirty, yet strangely tied together by what we had seen and experienced. In spite of too few hours of sleep, we were all pumped full of energy and appreciation for what the Lord had seen fit to give us. We were humbled by the gentle thanks of men and women who had, for whatever reason, fallen on hard times. We were humbled by the illustration of courtesy. We were humbled by the realization that our stereotypes were wrong. These were people who showed great capacity for kindness. They wished us no harm and took only what we eagerly offered. In return for our food, they gave us hope.

No one could remember seeing this kind of courtesy exhibited by guests at most parties. Whatever the reason that had brought these men and women to this dire point in their lives, they reminded us that we are all capable of showing a richness that cannot be measured by material objects.

IJF would like to express its appreciation for food contributions from Yasaman Masjedi and Sharon Restaurant. We would also like to thank Mitra Daneshrad, Saied Kohan-Darvish, Joseph Hanoukaie, Soheil and Rebecca Navidbakhsh, Farhad Zomorodi and his nephew Sammy for helping to contribute food and kindness. If you would like to get involved with Tikkun, our charity committee, contact our offices at (310) 479-4798 for information.

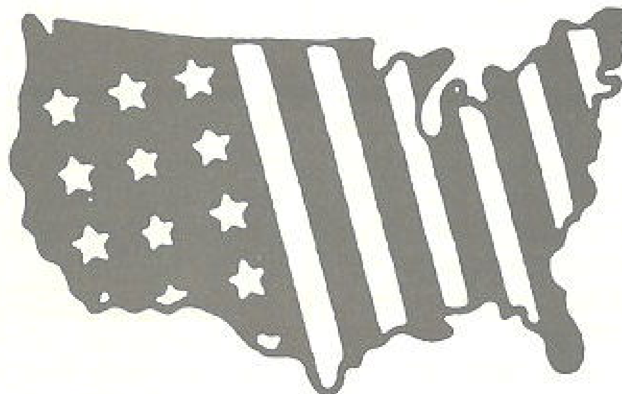


Participants (in alphabetical order) Roya Barlava (Coordinator), Mitra Daneshrad, Saied Kohan-Darvish, Jeny Eshaghian (Chashm Andaaz, English), Dariush Fakheri (Pres./Chashm Andaaz), Joseph Hanoukaie, Afsaneh Mehdipour (Tikkun/Charity), Soheil and Rebecca Navidbakhsh, Farhad Zomorodi and nephew Sammy.

his Health Care Package and his views on gays in the military were seen as a switch to liberalism. Notwithstanding the President's own party's shift to the left, most Americans are turning more to the middle ground.

After 40 years of Democratic majority the Republicans will try to make many changes in Congress. However the President still has the veto power unless the Republicans can muster two-thirds of the vote to overcome the President's veto. Republicans want to balance the budget, cut taxes and other government spending. Big fights over the tax and spending cuts are to be expected.

Because of the Republican control, all committees in Congress will get GOP chairs. Alfonse D'Amato of New York will become the chair of the Banking Committee. He intends further investigation into the President's White-Water real estate case. Jesse Helms of North Carolina will be the head of Foreign Relations. Helms, who is against foreign aid, plans cuts which will affect aid to Israel.



The blow out election affected many state governments as well. Big name Democratic governors like Mario Cuomo of New York and Ann Richards of Texas were defeated by their Republican challengers. After twelve years of governing New York, Cuomo, the Democratic party's one time presidential hopeful, was defeated by Republican challenger George Pataki, an almost unknown state senator. Cuomo was considered by many as the last lion of liberalism. His defeat marks the end of FDR's "new deal era" liberalism. While the highly articulate and passionate Democratic icon put up a big fight, having come from behind to capture votes and nearly making it, Cuomo's views on capital punishment and taxes proved detrimental and resulted in his defeat.

Ann Richards, the highly popular Governor of Texas was also defeated by George Bush's oldest son, George W. Bush. Though Ann Richards was very popular in Texas, especially among female voters, she was unable to get as much of the female vote this time. Jeb Bush, the younger Bush son, was not as lucky in Florida. He lost to the incumbent Democratic Governor, Lawton Chiles, after a very bitter negative campaign.

Here in California, Wilson enjoyed a landslide victory over his Democratic challenger Kathleen Brown, after being ten points behind her in the polls last year. Brown's position on the death penalty and her stance against Proposition 187 hurt her election chances.

By gaining control of the Congress and most Governorships, the Republicans have set themselves the burden of making the system work. They will now experience that it is much easier to criticize than to perform. Should they fail to deliver, the same outcome awaits them in 1996.

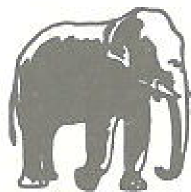
EARTHQUAKE IN WASHINGTON, D.C.

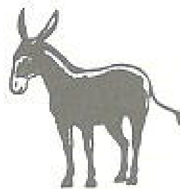
The 1994 Election

BY STELLA RAFIEI

The last election was a big turn over for the House and Senate Democrats. For the first time in 40 years, both houses of Congress now have a Republican majority. Many incumbent Democrats were defeated by their Republican challengers, while Democratic challengers were unsuccessful in their bid to defeat Republican incumbents. Many considered this an anti-Clinton election.

Two years ago, American voters gave government a mandate for change. Bush was defeated because Clinton promised change and convinced voters that he could make the government work. That brought the reelection of many incumbent Democratic Representatives and Senators. In 1992, Democrats finally gained control of Congress and the White House.





Voters were promised change, but came to believe that their government would not deliver. People considered the government an impediment to the American way of life and were tired of "politics as usual." Fed up with the government, many began to associate their problems with the Democrats because they were in power.

During this time, Democrats were divided on many issues and were therefore unable to work together. Meanwhile, the Republicans united through the work of their great strategists and signed the contract with America. Republicans stood together on most issues and worked against the Democrats. Voters believed that though given the opportunity, Democrats were not able to deliver their agenda. The result was the blow out election of 1994. While it is not unusual for the President's party lose some seats in Congress in an off-year election, not since 1946 have Democrats faced such a defeat. This time, the voters gave the Republicans an opportunity to make the system work. Republicans have two years until the next election to make a change or they will suffer the same casualties. It remains to be seen how much they can accomplish in this time.

Though the 1994 election year was very tough on Democrats, several predominant incumbents withstood the challenge. In California, Senator Feinstein defeated Republican challenger Michael Huffington, despite Huffington outspending her two-to-one in campaign expenses and three-to-one on T.V. advertisement. In another closely watched election, Senator Edward Kennedy of Massachusetts was reelected to his seventh term, after a hard fought campaign against the Republican challenger Mitt Romney. The defeat of Oliver North by the incumbent Chuck Robb was another big upset to Republicans. Robb acquired the help of Virginia's Governor, who campaigned to unite the black vote for him. Robb was also blessed by Nancy Reagan's statements calling North a liar.

In the past two years, President Clinton succeeded in passing NAFTA and the Crime Bill, among many other legislation. However,

A NOTE FROM THE EDITOR . . .

Editorials and **mailbag**

BY JENY ESHAGHIAN

Welcome to the new ***Chashm Andaaz***! Exciting new changes are taking place within IJF and in our magazine. As you browse through our expanded English section, you'll notice some new authors and subjects.

Sabrina Shokry has joined Chashm Andaaz as our nutrition and fitness guru, featured regularly in **Health & Wellness**. She will be providing helpful information about how we can all stay fit and enjoy life to the fullest. We invite you to write to Sabrina with any questions you have about nutrition and she'll answer you in following issues of Chashm Andaaz.

Stella Rafiei will be one of our political analysts, writing in our **Politicking** section. Her legal background should bring us all a new perspective to political events at all levels. We encourage our readers to get better acquainted with our political system through an exploration of different policies, parties and issues. Chashm Andaaz will explore a variety of views about explosive political subjects. Our goal is to allow our readers to make more educated decisions about the issues that will affect us all.

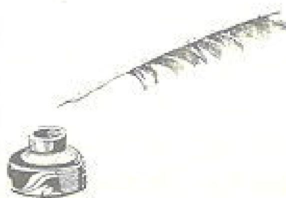
Our guest authors sections now include another well-known author and radio personality, **Dr. David Viscott**. We appreciate David Viscott's contribution of informative articles, in addition to articles already generously provided by Zev Garber and Dennis Prager.

The **Events** section includes an article about a wonderful experience shared by IJF members through **Tikkun**, our charity committee. We went to downtown Los Angeles on a crisp Sunday morning and fed the homeless. Hopefully, this article conveys the emotional satisfaction we all gained from the experience. Future articles featured in our Events section will highlight IJF events (past and future), as well as holidays and community events. Look for it as a guide to what's happening in town.

Other exciting sections are planned for the new year. We will be bringing a variety of new sections designed to allow interaction and provide information. Some new sections include **Cultural and Jewish Awareness**, **Point/Counterpoint**, **Humor and Literature**, **Advice From a Pro** and many other articles that give advice and information about daily life. The newest section featured this issue is **Sound Off....** Check it out and see why we have already received a great deal of response by word of mouth. We encourage you to get involved and share what's bothering you! It may surprise you to know that others share your peeve!

Editorials and **mailbag** will round-off our regular sections. You are invited to write to Chashm Andaaz and express your opinion about an issue or a specific article. You can either write to the author of the specific article to which you are responding, or address general questions and responses to **Mailbag**. You'll get an opportunity to express you opinion and/or get an answer in print!

Finally, my article this month is a light look at the painful method of meeting and greeting other singles. I hope you enjoy reading it as much as I enjoyed researching it! Keep in touch!



CHASHM ANDAAZ
Published by:
International Judea Foundation
(Non-Profit Organization)
An affiliated Organization of
Jewish Federation Council
of Greater Los Angeles
P.O.Box 3074
Beverly Hills, CA 90212
Tel. (310) 479-4798
Fax (310) 445-5488
Editor
Dariush Fakheri
Associate Editors
Asher Aramnia
Shahram Siman
Hebrew Section Editor
David Fakheri
English Section Editor
Jeny Eshaghian



کیترینگ گلت کاشر شادی

SASON CATERING

عضو ۸۰ ایرانیان





بنا به استقبال شایانی که از سرویس کامل کیترینگ **شادی** بعمل آمده ، با یک تلفن ما به شما آسایش خیال هدیه میکنیم .
شاهانه ترین سرویس - تنوع غذا -گل آرایی - وسایل جشن - ویدیو - لیموزین - ارکستر هنرمندان - وله پارکینگ و سالنهای متعدد و مجلل برای برگزاری شب خاطره انگیز و فراموش نشدنی شما .

با یک تلفن ما به شما آسایش خیال می دهیم

تلفن: ۵۹۸۲ـ ۶۵۹ (۳۱۰)
پیجر: ۵ ـ ۸۸۸۸ ـ ۵ (۳۱۰)

NON-PROFIT ORG.
U.S. POSTAGE
PAID
Permit No. 1562
Van Nuys, CA

International Judea Foundation
P.O.Box 3074 • Beverly Hills, CA 90212

